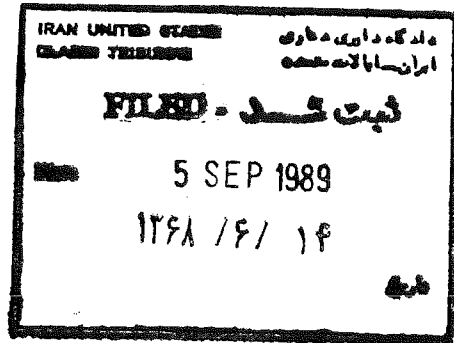


پرونده شماره ۴۳۰

شعبه یک

حکم شماره ۴۳۰-۱-۴۳۸



DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

راکول اینترنشنال سیستمز اینک،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران

(وزارت دفاع ملی)

خوانده.

حکم

حاضران

از جانب خواهان:

آقای آرتور دبلیو. رواین،
آقای جیمز جی. بارنز،
آقای رابرت بی کارترایت،
آقای جان. ج. کانروی،
وکلائی خواهان،
آقای رابرت دبلیو. لوکن،
آقای چارلز ج. سیمپسون،
نمایندگان راکول اینترنشنال.

از جانب خوانده:

آقای محمد کریم اشراق،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
دکتر خلیل خلیلیان،
مشاور حقوقی نماینده رابط،
آقای سهراب ربیعی،
دستیار حقوقی نماینده رابط،
آقای حیدرعلی پاینده،
وکیل وزارت دفاع،
آقای احسان الله صمیمی،
نماینده وزارت دفاع،
آقای علی اکبر استادیفر،
آقای احمد کاشیانی،

نمایندگان نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران،

آقای محمود رضا خاوری،

دستیار نماینده رابط.

آقای مایکل اف. رابوین،

معاون نماینده رابط ایالات متحده امریکا.

سایر حاضران:

۱۹۳	۴ - هزینه‌های فسخ
۲۰۰	۵ - خسارات
۲۰۰	الف) عدم النفع
۲۰۲	ب) هزینه‌های اعتبارات اسنادی اتکایی
۲۰۳	الف الف) حق الوکاله
۲۰۷	ب ب) هزینه وثیقه صدور قرار منع پرداخت
۲۰۸	ج ج) کارمزد بانکی
۲۲۳	۶ - بستانکاریهای وزارت دفاع
۲۲۷	۷ - تسویه بستانکاریها با مبالغ مورد حکم و بهره آنها
۲۳۳	۸ - سایر خواسته‌ها
۲۳۳	الف) اعتبارات اسنادی اتکایی و ضمانتنامه‌های بانکی
۲۳۶	ب) رسیدگیهای قضایی در ایران
	ج) (درخواست) اعلام نظر در مورد ادعاهای مربوط به
۲۴۰	به مالیاتها و حقوق بیمه‌های اجتماعی ایران
۲۴۲	۹ - ادعاهای متقابل
۲۴۲	الف) خسارات
۲۴۶	ب) حقوق بیمه‌های اجتماعی
۲۴۸	ج) مالیاتها
۲۵۰	۱۰ - هزینه‌ها
۲۵۲	ه - حکم

الف - مقدمه

۱ - ادعای حاضر از قراردادهایی ناشی می‌شود که بخشی اساسی از پروژه معروف به "آیکس" را که هدف آن مدرنیزه کردن و توسعه سیستم جمع‌آوری اطلاعات نظامی ایران بوده، تشکیل می‌داده است. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ مورخ ششم تیرماه ۱۳۶۴ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵) صادره در پرونده سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران (منتشره در 298 Iran-U.S. C.T.R. 8) ، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱ مورخ سوم مهرماه ۱۳۶۴ [۲۵ سپتامبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده کوئستک اینک و وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران (منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 107) ، حکم شماره ۱-۴۸۰-۱۹۷ مورخ هشتم آبانماه ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده توش راس اند کامپنی و جمهوری اسلامی ایران، (منتشره در 284 Iran-U.S. C.T.R. 9) ، حکم جزیی شماره ۱-۹۳-۲۸۹ مورخ نهم بهمن ماه ۱۳۶۵ [۲۹ ژانویه ۱۹۸۷] صادره در پرونده فورد ارواسپیس اند کامیونیکیشنز کورپ و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین (منتشره در 14 Iran-U.S. C.T.R. 24) ، حکم جزیی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳ مورخ ۱۱ آبانماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده هریس اینترنشنال تله کامیونیکیشنز اینک و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، (منتشره در 31 Iran-U.S. C.T.R. 17) . حکم شماره ۱-۳۷۰-۴۲۹ مورخ ششم مردادماه ۱۳۶۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۸۹] صادره در پرونده واتکینز - جانسون کامپنی و سایرین و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، (منتشره در Iran-U.S. C.T.R.) . (۱) بموجب دو فقره قرارداد موضوع پرونده حاضر، یعنی قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰، قرار بود

(۱) در حکم حاضر، این پرونده‌ها، تحت عنوان "سیلوانیا"، "کوئستک"، "توش راس"، "فورد ارواسپیس"، "هریس" و "واتکینز - جانسون" مورد اشاره واقع خواهد شد.

خواهان راکول اینترنشنال سیستمز اینک ("راکول") خدمات طراحی و مهندسی، تهیه ماشین آلات ساختمانی، ساختمان مجتمع مرکزی در دوشان تپه، آماده کردن محل، احداث جاده، احداث تاسیسات در تعدادی مناطق دور افتاده در ایران، نصب و آزمایش وسایل و خدمات مربوطه را ارائه نماید. راکول مدعی است که خوانده، دولت جمهوری اسلامی ایران (وزارت دفاع ملی) ("وزارت دفاع")، قراردادهای را نقض و فسخ و وجه ضمانت نامه‌های بانکی صادره در رابطه با این قراردادهای را من غیر حق مطالبه کرده است. وزارت دفاع بر این نظر است که راکول تعهدات قراردادی خود را انجام نداده و ادعای متقابلی بابت نقض قرارداد مطرح نموده و در شمار خواسته‌های دیگر، استرداد پیش پرداختها و خسارات را مطالبه کرده است.

ب - جریان رسیدگی

۲ - در تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲] راکول دادخواستی نزد دیوان به ثبت رساند.

۳ - در ۱۵ دیماه ۱۳۶۱ [پنجم ژانویه ۱۹۸۳] راکول سندی تحت عنوان "اعتراض و درخواست بر مبنای دعوی خوانده در ایران" ثبت و از جمله مطالب دیگر تقاضا کرد دیوان اعلام نماید که دعوی مطروح توسط وزارت دفاع علیه راکول در شعبه اول دادگاه عمومی تهران، با موافقت آن وزارتخانه به ارجاع امر به داوری نزد این دیوان، منافات دارد. دیوان با صدور قرار موقت شماره ۱-۴۳۰-۱۷ مورخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ [پنجم مه ۱۹۸۳]، (منتشره در 310 Iran-U.S. C.T.R. 2) از دولت جمهوری اسلامی ایران درخواست کرد که تا ۱۸ خردادماه ۱۳۶۲ [هشتم ژوئن ۱۹۸۳] در مورد توقیف دادرسی در دادگاه عمومی تهران اقدام نماید. وزارت دفاع در پاسخ به این درخواست که در ۱۲ خردادماه ۱۳۶۲ [دوم ژوئن ۱۹۸۳] به

ثبت رسیده، اساساً استدلال کرد که: (اولاً) قراردادهای منعقدۀ با راکول صلاحیت انحصاری برای دادگاههای ایران قایل شده است، و (ثانیاً) موضوع دعوی اقامه شده در ایران مسئله دیگری است. دیوان داوری طی قرار موقت شماره ۱-۴۳۰-۲۰ مورخ ۱۶ خردادماه ۱۳۶۲ [ششم ژوئن ۱۹۸۳]، (منتشره در 2 Iran- U.S. C.T.R. 369) ضمن رد استدلالات مزبور از دولت ایران خواست که "تا اتخاذ تصمیم راجع به جریان دعوی در پرونده حاضر، کلیه اقدامات لازم جهت اطمینان از توقیف جریان دعوی مطروح در دادگاه عمومی تهران را بعمل آورد". همان ماعخذ، ص ۴ (فارسی) (منتشره در 2 Iran-U.S. C.T.R. at 371).

۴ - در ۲۴ مردادماه ۱۳۶۲ [۱۵ اوت ۱۹۸۳] وزارت دفاع دفاعیه و ادعای متقابلی به ثبت رساند. راکول در سوم بهمن ماه ۱۳۶۲ [۲۳ ژانویه ۱۹۸۴] جوابیه‌ای به لایحه دفاعیه و ادعای متقابل به ثبت رساند. در همان تاریخ، راکول مدارکی در تائید تابعیت امریکایی خود ثبت نمود.

۵ - در ۲۱ شهریورماه ۱۳۶۳ [۱۲ سپتامبر ۱۹۸۴]، راکول اطلاعیه‌ای نزد دیوان به ثبت رساند، حاکی از اینکه آن شرکت به دادگاه تهران احضار گردیده و اظهارنظر کرد که این امر تخلف از قرار موقت شماره ۱-۴۳۰-۲۰ محسوب می‌شود. راکول تقاضا کرد که طبق بند ۱ ماده ۲۸ قواعد دیوان، جریان رسیدگی در دیوان بدون شرکت وزارت دفاع ادامه یابد.

۶ - دیوان طی دستورهای جداگانه‌ای که به ترتیب در ۲۵ مهرماه و ۲۵ آبانماه ۱۳۶۳ [۱۷ اکتبر و ۱۶ نوامبر ۱۹۸۴] به ثبت رسیده، توجه وزارت دفاع را به قرار موقت شماره ۱-۴۳۰-۲۰ جلب کرد. وزارت دفاع در پاسخ خود که ایضاً در ۲۵ آبانماه ۱۳۶۳ [۱۶ نوامبر ۱۹۸۴] به ثبت رسیده، اعلام داشت که اجرای هر حکمی را که از

دادگاه تهران تحصیل شود، تا صدور حکم در جریان رسیدگی حاضر، به تعویق خواهد انداخت.

۷ - در ۱۲ دیماه ۱۳۶۳ [دوم ژانویه ۱۹۸۵] وزارت دفاع پاسخ خود به جوابیه [خواهان] را ثبت کرد.

۸ - دیوان طی دستور مورخ دهم اسفندماه ۱۳۶۳ [اول مارس ۱۹۸۵] خود، تقاضای راکول را مبنی بر اینکه جریان رسیدگی بدون شرکت وزارت دفاع ادامه یابد، رد کرد.

۹ - در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [هشتم مه ۱۹۸۶]، هر دو طرف لوایح استماع و مدارکی به ثبت رساندند.

۱۰ - در ۱۶ تیرماه ۱۳۶۵ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۶] دادگاه عمومی تهران حکمی غیابی به مبلغ ۵۶،۰۸۱،۴۰۰ دلار علیه راکول صادر کرد.

۱۱ - راکول لوایح و ادله و مدارک معارض خود را در ۲۱ مردادماه ۱۳۶۵ [۱۲ اوت ۱۹۸۶] به ثبت رساند.

۱۲ - در ۱۳ شهریورماه ۱۳۶۵ [چهارم سپتامبر ۱۹۸۶] [اظهاریه‌ای تحت عنوان] "دادخواست متقابل ناشی از ضمانت نامه‌های بانکی" به دیوان تسلیم شد که در آن از (۱) دولت جمهوری اسلامی ایران، (۲) وزارت دفاع و (۳) بانک تجارت، به عنوان خواهانهای متقابل و از (۱) راکول و (۲) سیتی بنک آو نیویورک، به عنوان خواندگان متقابل نام برده شده بود.

۱۳ - لایحه استماع و مدارک جدیدی توسط وزارت دفاع در تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۶۵ [دوم مارس ۱۹۸۷] به ثبت رسید.

۱۴ - جلسه استماع این پرونده در روزهای ۲۵ و ۲۶ شهریورماه ۱۳۶۶ [به ترتیب ۱۶ و ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۷] برگزار گردید.

ج - واقعیات و اظهارات

اول - قراردادها

۱۵ - طرفین در تاریخهای ۱۶ مردادماه و ۱۲ شهریورماه ۱۳۵۶ [هفتم اوت و سوم سپتامبر ۱۹۷۷] قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ را منعقد ساختند. قرارداد شماره ۱۱۹، هم از نظر قیمت و هم از لحاظ دامنه کار، به مراتب پر اهمیت تر بود. ضمیمه یک این قرارداد حاوی "شرح کار" مفصلی است. کارهایی که می بایست تحت قرارداد شماره ۱۱۹ صورت می گرفت، به تکالیف شماره ۱ تا ۱۴ و تکلیف شماره ۱۶ (۲) به شرح زیر تقسیم شده بود.

تکلیف ۱: خدمات مدیریت و پشتیبانی مهندسی

تکلیف ۲: تاسیس مجتمع مرکزی دوشان تپه

تکلیف ۳: احداث ساختمان مرکز تجزیه و تحلیل منطقه‌ای شماره ۱

(۲) تکلیفی تحت شماره ۱۵ وجود نداشته است.

- تکلیف ۴: احداث ایستگاه غربی شماره ۱ و جاده منتهی به آن
- تکلیف ۵: احداث ایستگاه زمینی غربی شماره ۱۷- الف و جاده منتهی به آن
- تکلیف ۶: احداث ایستگاه زمینی غربی شماره ۱۵ و جاده منتهی به آن
- تکلیف ۷: احداث مرکز پشتیبانی هوایی
- تکلیف ۸: ارتباطات (تهیه و نصب دستگاههای ارتباطی)
- تکلیف ۹: تاسیس مرکز تدارکات و انبار وسایل
- تکلیف ۱۰ و ۱۱: تاسیس سایت‌های گیرنده و فرستنده فرکانس بالا
- تکلیف ۱۲: توسعه ایستگاه غربی شماره ۱۲
- تکلیف ۱۳: توسعه آشیانه C - 130
- تکلیف ۱۴: تامین قطعات یدکی عملیاتی
- تکلیف ۱۶: خرید ماشین آلات راه سازی و ساختمانی

۱۶ - قرار بود بخشی از کار طراحی، مهندسی و خرید در ایالات متحده انجام گیرد. طبق اظهار راک ول، حدود دو سوم کار قرارداد ۱۱۹ قرار بود از طریق پیمانکاران جزء انجام شود، که عمده ترین آنها، فیش باخ - عمان اینترنشنال کورپوریشن ("فیش باخ - عمان") بود.

۱۷ - قرارداد شماره ۱۱۹ قراردادی بود بصورت هزینه باضافه حق الزحمه (cost-plus-fee) که طبق آن وزارت دفاع می‌بایست هزینه‌های واقعی متحمله توسط راکول را باضافه حق الزحمه‌های مقطوع یا متغیری، بسته به نوع تکلیف بپردازد. قیمت برآوردی قرارداد شماره ۱۱۹ که بدواً وزارت دفاع تصویب کرده بود، ۱۲۲،۸۸۵،۰۰۰ دلار بود که شامل ۱۳،۴۰۷،۰۰۰ دلار حق الزحمه نیز بود. قرارداد مقرر می‌داشت که وزارت دفاع می‌تواند مبلغ ۱۰۴،۵۹۸،۰۰۰ دلار دیگر بابت کار و حق الزحمه اضافی اجازه دهد که بدین ترتیب حداکثر قیمت برآوردی قرارداد شماره ۱۱۹ به رقم

۲۲۷،۴۸۳،۰۰۰ دلار افزایش می‌یافت و این رقم شامل ۲۲،۰۰۰،۰۰۰ دلار حق‌الزحمه نیز بود. راکول مدعی است که در هنگام عقد قرارداد، انتظار داشت وزارت دفاع کار اضافی را در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ تصویب نماید. طی اصلاحیه شماره ۱ قرارداد شماره ۱۱۹، انجام کار اضافی بابت تکلیف شماره ۲ به هزینه برآوردی ۳،۵۰۰،۰۰۰ دلار، اجازه داده شد که این رقم شامل حق‌الزحمه نیز بود.

۱۸ - طبق قرارداد شماره ۱۲۰، قرار بود راکول مهندسی و طراحی کلی سیستم برای تمامی پروژه آیکس، و همچنین خدمات مشاوره‌ای به وزارت دفاع ارائه دهد. راکول اظهار می‌دارد که خدمات مربوط به این قرارداد، خدمات فنی معتابیهی را شامل می‌شد که می‌باید توسط کارکنان امریکایی راکول که به ایران اعزام می‌شدند انجام می‌گردید.

۱۹ - قرارداد شماره ۱۲۰ (۳) نیز بصورت هزینه به اضافه حق‌الزحمه بود. قیمت آن بابت خدمات ۲۲،۲۵۲،۰۷۸ دلار و برای مواد و مصالح، ۱،۳۹۵،۷۳۵ دلار برآورد شده بود و این مبالغ شامل حق‌الزحمه ثابتی به میزان ۱۰ درصد هزینه‌های متحمل، نیز بود. راکول اظهار می‌دارد که انجام کلیه کارهای مربوط به این قرارداد بدو^۱ اجازه داده شده بود.

۲۰ - قرار بر این بود که کلیه مبالغ قابل پرداخت به راکول، به دلار امریکا و از طریق

(۳) نحوه انشاء مفاد هر دو قرارداد تا حدود زیادی نظیر یکدیگر است. در بعضی موارد، شماره گذاریهای مواد قرارداد فرق می‌کند. در این قبیل موارد، ماده مشابه در قرارداد شماره ۱۲۰ در این حکم، در داخل گروه قرار داده شده است.

برداشت از محل اعتبارات اسنادی صادره توسط بانک مرکزی به نفع راک ول، در مقابل ارائه صورتحسابهایی که باید به نحو مقتضی تنظیم و توسط دونفر امضاء می‌شده، صورت گیرد. راکول پیش پرداختی به مبلغ ۲۰،۴۳۶،۲۳۰ دلار بابت قرارداد شماره ۱۱۹ دریافت کرد، که طبق قرارداد به تدریج در قبال ارائه صورتحساب تهاتر گردید. راکول ضمانت نامه‌های بانکی هم به عنوان تضمین حسن انجام کار وهم برای تضمین پیش پرداخت به نفع وزارت دفاع ارائه نمود. ضمانت نامه‌های بانکی توسط بانکهای ایرانی صادر و در مقابل آنها اعتبارات اسنادی اتکایی توسط بانکهای امریکایی صادر گردید.

۲۱ - در قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ روش پیچیده‌ای برای صدور صورتحساب‌ها مقرر شده بود. این روش در "اصلاحیه ب" مورخ ۱۹ تیرماه ۱۳۵۷ [دهم ژوئیه ۱۹۷۸] "روش تأیید و پرداخت صورتحسابها" مقرر گردید. روش تأیید و پرداخت صورتحسابها اساساً مراحل زیر را طی می‌کرد: راکول صورتحسابهای خود را تهیه و به پیمانکار حسابرس پروژه، یعنی توش راس اند کامپنی (۴) ("توش راس") تسلیم می‌کرد و سپس توش راس بنحو مقرر در پیوست ب روش صدور صورتحسابها ("روش پرداخت براساس پیشرفت کار") و نیز طبق "دستورالعمل اصول و روش‌های هزینه" خود آنها را بررسی می‌کرد. در عین حال، راکول ملزم بود هرماه گزارش‌های فنی، مالی و وضعیت زمانی ("گزارشهای راکول") را تهیه نماید، که نسخه‌ای از آن برای "پیمانکار هماهنگ کننده سیستم"، یعنی هریس اینترنشنال تله کامیونیکیشنز اینک، ("هریس") ارسال می‌شد. (۵) هریس کار انجام شده طی ماه مربوط را بررسی و آنرا با برنامه زمانی کار مقایسه می‌کرد. برنامه کار با "میل شاخص‌های" (milestones) مشخص می‌شد که از دسامبر ۱۹۷۷ تا اکتبر ۱۹۸۰ را دربرمی‌گرفت و برآن اساس، هریس "گزارش‌های پیشرفت کار" ماهانه ("گزارشهای هریس") را تهیه می‌کرد که در آنها

(۴) رجوع شود به: حکم شماره ۱-۴۸۰-۱۹۷ مورخ هشتم آبانماه ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده توش راس (منتشره در 284 C.T.R. Iran-U.S. 9).

(۵) رجوع شود به: حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳ مورخ ۱۱ آبانماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] صادره در پرونده هریس (منتشره در 31 C.T.R. Iran-U.S. 17).

ضمن مطالب دیگر، "جمع درصد میزان پیشرفت کارها" را طبق "روش سنجش پیشرفت کار" که در پیوست الف "روش تأیید و پرداخت صورتحسابها" مقرر شده بود، برآورد می نمود. گزارشهای هریس برای "گروه کار مدیریت قرارداد" ارسال می گردید.

۲۲ - توش راس پس از حسابرسی صورتحسابهای راک ول، "جمع درصد میزان پیشرفت کارها" را نسبت به رقم ناخالص کل صورتحسابها تا تاریخ روز (۶) (و نه نسبت به یکایک صورتحسابهای ماهانه) اعمال می کرد و پرداختهای ماهانه پیشرفت کار را برآن اساس کاهش می داد. توش راس پس از انجام تعدیلات ناشی از اعمال این روش، به وزارت دفاع توصیه می کرد که صورتحسابها را بپردازد.

دوم - اجرای قراردادها

۲۳ - راکول اظهار می دارد که علی رغم تاخیرهایی، وی کارش را حداقل تا اواسط سال ۱۹۷۸، به نحو رضایت بخشی انجام داد. اما از آن بیعد، ناآرامی های ناشی از انقلاب، به صورت اعتصابات، تظاهرات خیابانی، تعطیل شدن بانکها، مختل شدن خدمات پستی و حمل و نقل هوایی، کاهش تولید نفت و کمبود سوخت، تدریجا به نحو روز افزونی برفعالیت وی در ایران تأثیر گذاشت. سرانجام راکول در نهم دیماه ۱۳۵۷ [۳۰ دسامبر ۱۹۷۸] اطلاعیه فورس ماژوری بابت قرارداد شماره ۱۱۹ و در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] اطلاعیه فورس ماژوری بابت قرارداد شماره ۱۲۰ صادر کرد. آن دسته از کارکنان راکول که تبعه ایالات متحده بودند، از ایران خارج شدند. راکول حسب ادعا به وزارت دفاع اطلاع داد که کارکنان وی آماده اند پس از آرام گرفتن رویدادهای فورس ماژور به ایران بازگردند و عده ای از سرپرستان ایرانی کماکان عملیات را اداره خواهند کرد. راکول مدعی است که هنگام تسلیم

(۶) طبق "روش پرداخت براساس پیشرفت کار"، مبلغ ناخالص صورتحسابها یکی از دو رقم زیر، هر کدام که کمتر باشد، خواهد بود:
۱ - جمع قیمت برنامه مالی تا پایان دوره ذیربط صدور صورتحسابها، یا ۲ - جمع هزینه های واقعی متحمل به ترتیبی که پیمانکار حسابرس پروژه تعیین نماید، به اضافه حق الزحمه به نرخ مقرر در قرارداد.

اطلاعیه‌های فورس ماژور، تقریباً" نیمی از عملیات مجاز قراردادی پروژه آیکس را انجام داده بود.

۲۴ - راکول اظهار می‌دارد که پس از اعلام فورس ماژور، وی همچنان به تهیه نقشه‌ها، طرحها و گزارشها در ایالات متحده و ارسال آنها به ایران ادامه داد و دفتر خود را در تهران با عده‌ای کارمند ایرانی دایر نگهداشت. راکول مضافاً می‌گوید که از طریق پیمانکار فرعی عمده خود، یعنی فیش باخ - عمان، خدماتی در زمینه نگهبانی و حفاظت تاسیسات مجتمع مرکزی و تجهیزات آیکس موجود در آن مجتمع ارائه کرد. راکول اظهار می‌دارد که وی کماکان هزینه‌هایی، از جمله پرداخت به پیمانکار فرعی و تأدیه حق بیمه متحمل شد و اسناد مربوطه را تنظیم کرد. حسب ادعاء راکول تا سپتامبر ۱۹۷۹ به تهیه گزارش‌های راکول و تسلیم آنها به هریس ادامه داد، تا اینکه هریس انجام وظایف خود را به عنوان "پیمانکار هماهنگ کننده قسمتها"ی آیکس متوقف ساخت. راکول همچنین صورتحسابهای ماهانه خود را به توش راس تسلیم می‌کرد، تا اینکه توش راس قرارداد حسابرسی خود را با وزارت دفاع لغو نمود.

۲۵ - توش راس طی نامه مورخ ۲۷ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹] به راکول و سایر پیمانکاران پروژه آیکس اطلاع داد که وی قرارداد شماره ۱۱۵ پروژه آیکس را به دلیل فورس ماژور لغو شده تلقی و اجرای کارهای مربوط به قرارداد را متوقف ساخته است. آخرین گزارشی که هریس بصورت معمول تهیه کرد برای ماه ژانویه ۱۹۷۹ بود. توش راس صورتحسابهای راکول بابت ماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸ را بررسی و پرداخت آنها را توصیه کرد، و توش راس کماکان صورتحسابهایی بابت ماههای ژانویه تا ژوئن ۱۹۷۹ از راکول دریافت کرد. معهداً، همانطور که در نامه توش راس به وزارت دفاع، منضم به صورتحسابهای مربوط به ماههای ژانویه تا مه

ذکر گردید، توش راس در مورد پرداخت آن صورتحسابها توصیه‌ای نکرد، زیرا گزارشهای هریس را در دست نداشت.

۲۶ - سرهنگ جلالی نماینده وزارت دفاع در واشنگتن، طی نامه مورخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۰ مارس ۱۹۷۹] به هریس دستور داد که توزیع کلیه اطلاعات تحویلی برنامه را متوقف نماید. حسب ادعای سرهنگ جلالی در اواخر مه ۱۹۷۹ ایالات متحده را به صوب ایران ترک کرد و هیچگاه جانشینی برای وی تعیین نشد.

۲۷ - راکول می‌گوید که کلیه صورتحسابهای ماهانه وی برای نوامبر ۱۹۷۸ و ماه‌های بعد پرداخت نشده باقی مانده و مضافاً ادعا می‌کند که علیرغم تقاضاهای راکول، وزارت دفاع از تمدید یا تجدید اعتبارات اسنادی بانک مرکزی که راکول برای دریافت وجه بدان نیاز داشت، خودداری کرد و از اینرو، موعد اعتبارات اسنادی مزبور در مارس ۱۹۷۹ منقضی شد.

۲۸ - در تاریخ ۱۶ یا ۱۸ مردادماه ۱۳۵۸ [هفتم یا نهم اوت ۱۹۷۹]، (۷) راکول نامه‌ای به تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹] از سرهنگ ن. اسکندرزاده، مدیر موقت سازمان ارتباطات و الکترونیک وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران دریافت نمود. این نامه برای کلیه پیمانکاران آیکس فرستاده شده است. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، ص ۲۱ (انگلیسی) صادره در پرونده سیلوانیا، (منتشره در 8 Iran- U.S. C.T.R. 312-13)، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱، ص ۷ (انگلیسی) صادره در پرونده کوئستک، (منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 112)، حکم شماره ۱ - ۴۸۰ - ۱۹۷، ص ۹ (انگلیسی) صادره در پرونده توش راس،

(۷) مهر تاریخ راکول روی نامه مشخص نیست.

(منتشره در 290 Iran-U.S. C.T.R. 9)، حکم جزئی شماره ۱-۹۳-۲۸۹، بند ۲۱، صادره در پرونده فورد ارواسپیس، (منتشره در 31 Iran-U.S. C.T.R. 14)، و حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، بند ۱۵، صادره در پرونده هریس، (منتشره در 36 Iran-U.S. C.T.R. 17) حکم شماره ۱-۳۷۰-۴۲۹، بند ۳۹، صادره در پرونده وانکینز - جانسون، (منتشره در - Iran-U.S. C.T.R. -). در این نامه، وزارت دفاع اعلام کرد که "انجام کلیه کارها و هزینه‌های موضوع قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰، بعلت تحولات اخیر ناشی از انقلاب اسلامی ایران، متوقف شده محسوب می‌گردد. بنابراین، تقاضا می‌شود نماینده مجاز و تام‌الاختیار شما بادر دست داشتن اسناد لازم برای انجام مذاکرات قراردادی در ساعت ۹ صبح روز سوم شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۵ اوت ۱۹۷۹] در محل این سازمان حضور به‌م‌رساند."

۲۹- در تاریخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] نمایندگان طرفین در تهران ملاقات کردند. در مورد آنچه که در جلسه فوق گذشت، اختلاف نظر وجود دارد. راکول ادعا می‌کند که وی چهار فقره نامه و چهار فقره گزارش وضعیت مربوط به مواد و خدمات قرارداد شماره ۱۱۹ تا تاریخهای ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [دهم فوریه ۱۹۷۹] و ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] و [مواد و خدمات] قرارداد شماره ۱۲۰ تا تاریخهای ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۳۱ ژانویه ۱۹۷۹] و ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹]، به وزارت دفاع تحویل داد. حسب ادعا، این گزارشها اجرای هر دو قرارداد و همچنین اقدامات موقتی را که در سراسر دوره تعلیق قرارداد انجام شده بود، نشان می‌داد. علاوه بر این، راکول سه فقره نامه حاوی سه پیشنهاد مختلف برای تعیین تکلیف قرارداد شماره ۱۱۹، تسلیم نمود. این پیشنهادها بدین قرار بود: (۱) عقد قرارداد جدید، (۲) اتمام بعضی از تکالیف موضوع قرارداد اولیه و (۳) فسخ قرارداد. راکول حسب ادعا، نامه‌ای نیز مبنی بر پیشنهاد فسخ قرارداد شماره ۱۲۰ تسلیم نمود.

۳۰ - راکول همچنین می‌گوید که در آن جلسه، وی صورتحسابهای پرداخت نشده تا پایان ژانویه ۱۹۷۹ را بار دیگر تسلیم و یک صورتحساب کلی شامل دوره فوریه تا اوت ۱۹۷۹، ارائه نمود. در این صورتحساب، هزینه‌ها و حق الزحمه‌های برآوردی در آن زمان بابت "برچیدن تدریجی" و منظم [عملیات] و فسخ نهایی قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ منظور شده بود. راکول مدعی است که نمایندگان وزارت دفاع ایرادی به این صورتحسابها نگرفتند.

۳۱ - راکول می‌گوید که به نمایندگان وزارت دفاع اطلاع داد که هنوز بابت تأمین نگهبان و پرسنل حفاظتی برای نگهداری و حفاظت تجهیزات و تاسیسات مجتمع مرکزی از طریق فیش باخ - عمان، متحمل هزینه می‌شود. حسب ادعاء راکول از وزارت دفاع در این مورد درخواست دستور کرد. بنا به اظهار راکول، نمایندگان وزارت دفاع خاطرنشان ساختند که بطور کلی پس از تاریخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [دهم فوریه ۱۹۷۹] نیاز به انجام کاری بابت قراردادهای نبوده است، لکن ایشان با پیشنهاد راکول مبنی بر برچیدن تدریجی [عملیات] قراردادهای موافقت یا مخالفتی ابراز نکردند. سرهنگ اسکندرزاده از جانب وزارت دفاع اظهار نظر کرد که راکول طبق قرارداد متخلف شناخته می‌شود، زیرا بدون اطلاع وزارت دفاع ایران را ترک کرده و باعث شده است که مجتمع مرکزی آسیب ببیند. بنابر گزارش راکول، نمایندگان وزارت دفاع اظهار داشتند که قرار نیست جلسه دیگری تشکیل شود و لازم نیست راکول مجدداً با آنان تماس بگیرد. بالعکس، راکول باید منتظر بماند تا وزارت دفاع در مورد از سرگرفتن، تجدید نظر و یا فسخ قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ برای وی اطلاعیه بفرستد.

۳۲ - حسب ادعاء راکول تا بهار سال ۱۹۸۰ اطلاعیه دیگری از وزارت دفاع دریافت نکرد. با وجود این، راکول قراردادهای را کماکان معلق شده تلقی می‌کرد و منتظر شد که

پس از انتخابات مجلس که قرار بود در آوریل ۱۹۸۰ در ایران انجام گیرد، اجازه مقامات بلند پایه مملکت را دریافت نماید.

۳۳ - در اواسط مارس ۱۹۸۰، وزارت دفاع وجه کلیه ضمانت نامه‌های بانکی حسن انجام کار و همچنین ضمانت نامه‌های بانکی پیش پرداخت‌هایی را که توسط یازده پیمانکار آیکس ارائه شده بود، مطالبه کرد و بدنبال آن، بانک‌های ایرانی وجه اعتبارات اسنادی اتکایی مربوط را از بانک‌های امریکایی صادر کننده آنها مطالبه کردند. براین اساس، بانک سپه پرداخت وجه اعتبارات اسنادی اتکایی صادره توسط ملون بنک را به مبلغ کل ۲۸،۰۷۴،۷۳۰ دلار و بانک تجارت وجه اعتبارات اسنادی اتکایی صادره توسط سیتی بنک را به مبلغ کل ۲،۳۶۴،۷۸۲ دلار که توسط راکول طبق قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ ارائه شده بود، مطالبه نمودند. راکول با این استدلال که تقاضاهای مزبور متقلبانه است، در ۲۰ فروردین ماه و ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [نهم آوریل و دوم مه ۱۹۸۰] علیه ملون بنک و سیتی بنک در نیویورک دعوایی اقامه و قرار موقتی علیه هر دو بانک مبنی بر عدم پرداخت وجه تحت اعتبارات اسنادی اتکایی تحصیل کرد. این قرارها هنوز به قوت خود باقی هستند.

۳۴ - راکول بعلت مطالبه وجه اعتبارات اسنادی [توسط وزارت دفاع]، در ژوئن ۱۹۸۰ به آن وزارتخانه اطلاع داد که رسماً دفتر پروژه آیکس خود را در تهران تعطیل می‌کند و فیش باخ - عمان نیز از تاریخ نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] تامین خدمات حفاظتی در مجتمع مرکزی دوشان تپه را متوقف خواهد ساخت. در نامه مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۹ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۰] راکول به وزارت دفاع اعلام شده است که "تحت اوضاع و احوال جاری ما قادر نیستیم ترتیبی برای خدمات حفاظتی بدهیم و ترتیبی نیز در نظر نداریم." راکول می‌گوید که تنها کارمند باقی مانده وی در ایران در ۱۶ تیرماه ۱۳۵۹ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۰] دفتر راکول را در تهران بست.

۳۵ - بدنبال این نامه، وزارت دفاع طی نامه مورخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۹ [۱۶ ژوئیه ۱۹۸۰] خود که تا ۱۴ آبانماه ۱۳۵۹ [پنجم نوامبر ۱۹۸۰] توسط راکول وصول نشد، اعلام کرد که کلیه صورتحسابهای پرداخت نشده راکول از نظر آن وزارت مردود است و تقاضا کرد که کلیه وجوه دریافتی طبق قراردادهای به وی مسترد شود.

سوم - ادعاها

۳۶ - راکول اساساً استدلال می‌کند که تعهدات قراردادی خود را تحت قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰، به جز آنچه که بدلیل فورس ماژور معذور از اجرای آن بوده، اجرا نموده، درحالیکه وزارت دفاع تعهد خود را بابت پرداخت هزینه‌های متحمل و حق الزحمه متعلقه راکول نقض کرده است. علاوه براین، راکول این موضع را اتخاذ می‌کند که قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ در نتیجه مطالبه ضمانت نامه‌های بانکی در بهار ۱۹۸۰ توسط وزارت دفاع، خاتمه یافت و با درنظر گرفتن زمان لازم برای تعطیل تدریجی عملیات راکول، روز نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] بایستی بعنوان تاریخ قطعی فسخ قرارداد محسوب شود.

۳۷ - بر مبنای این مقدمات، راکول پرداخت صورتحسابهای ماهانه تادیه نشده خود تا آخر اوت ۱۹۷۹ را که کلاً به مبلغ ۲۴،۰۲۶،۶۶۸ دلار بالغ می‌شود، مطالبه می‌کند. علاوه براین، راکول پرداخت هزینه‌های قراردادی متحمل تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] کلاً به مبلغ ۶،۶۶۷،۶۶۱ دلار را که صورتحسابی بابت آنها صادر نشده، خواستار است. این رقم شامل ۲،۱۰۱،۵۱۸ دلار هزینه و ۴،۵۶۶،۰۴۳ دلار حق الزحمه است (۸).

(۸) بنظر می‌رسد که در محاسبه کل رقم مورد ادعا اشتباهی صورت گرفته، زیرا جمع هزینه‌ها و حق الزحمه‌های مورد ادعا به ۶،۶۶۷،۵۶۱ دلار بالغ می‌شود.

۳۸ - راکول مضافاً پرداخت هزینه‌ها و حق الزحمه قراردادی متحمله پس از نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] را که تا تاریخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۶۶ [۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷] "کلا" به ۱،۵۶۰،۴۶۱ دلار بالغ می‌شود و صورتحساب آنها صادر نشده مطالبه می‌کند. این هزینه‌ها شامل کارمزد بانک بابت تجدید اعتبارات اسنادی اتکایی، مبالغ پرداختی به فیش باخ - عمان، پیمانکار فرعی عمده راک ول، پاره‌ای بدهیهای "احتمالی"، حق الوکاله متحمله در رابطه با دعوای ناشی از فسخ یک قرارداد فرعی و هزینه‌های متحمله بابت فسخ اجاره نامه دفتر و خاتمه خدمت یک نفر کارمند در تهران می‌باشد.

۳۹ - علاوه براین، راکول هزینه‌های جاری مربوط به تمدید اعتبارات اسنادی اتکایی پس از ۲۵ شهریورماه ۱۳۶۶ [۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷] را به مبلغ ۴۸۷/۴۱ دلار در روز به اضافه ۴ درصد بابت هزینه‌های عمومی و اداری و یک حق الزحمه ۱۰ درصد، "کلا" به مبلغ ۵۵۶/۶۰ دلار در روز مطالبه می‌نماید.

۴۰ - راکول همچنین خساراتی به مبلغ ۱،۰۴۳،۵۱۵ دلار که حسب ادعا به دلیل مطالبه غیرقانونی وجه اعتبارات اسنادی اتکایی توسط وزارت دفاع متحمل شده است، مطالبه می‌کند. خسارات مورد تقاضا شامل ۹۰۲،۵۶۳ دلار هزینه‌های حقوقی متحمله برای تحصیل قرار توقیف اعتبارات اسنادی، و ۹،۶۰۰ دلار بابت هزینه قرار منع تا تاریخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۶۶ [۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷] به اضافه ۴ درصد هزینه‌های عمومی و اداری و ۱۰ درصد حق الزحمه است. علاوه براین، راکول بابت هزینه قرار منع مبلغ ۱۲۰۰ دلار درسال، از تاریخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۶۶ [۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷] تا زمان آزاد شدن تعهدات بانکی مطالبه می‌کند.

۴۱ - راکول استدلال می‌کند که اقدام وزارت دفاع در مطالبه وجه اعتبارات اسنادی

اتکالی، اقدامی دلخواه و ایذایی بوده و باعث شد که راکول قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ را فسخ نماید. از اینرو، نامبرده عدم النفعی به مبلغ ۱۷،۳۲۳،۰۴۰ دلار بر مبنای حداکثر حق الزحمه کارهای ناتمام تأیید شده و تأیید نشده، مطالبه می کند.

۴۲ - راکول همچنین مبلغ ۹۲۸،۰۳۶ دلار بابت هزینه‌های داوری مطالبه می نماید.

۴۳ - اختلافی در این مورد نیست که راکول مبلغ ۲۰،۴۳۶،۲۳۰ دلار به صورت پیش پرداخت بابت قرارداد شماره ۱۱۹ دریافت کرده که ۱۴،۳۸۷،۳۰۱ دلار از آن مبلغ، به حساب صورتحسابهای صادره تا آخر اکتبر ۱۹۷۸ منظور نشده است. راکول قبول دارد که این مبلغ باید به بستانکار حساب وزارت دفاع منظور شود.

۴۴ - علاوه بر این، راکول آماده است مبلغ ۷۱۵،۰۶۶ دلار بابت تجهیزاتی که قیمت آن به حساب وزارت دفاع منظور، ولی به آن وزارتخانه تحویل داده نشده و بعداً توسط راکول به فروش رفته، به بستانکار حساب وزارت دفاع منظور کند.

۴۵ - راکول مضافاً خواسته‌هایی غیر نقدی به شرح زیر مطرح کرده است:

(الف) اعلام لغو و ابطال اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه‌های بانکی مربوط به قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ توسط دیوان.

(ب) اعلام این مطلب که حکم صادره توسط دیوان در پرونده حاضر جایگزین دعوی مطروح توسط وزارت دفاع علیه راکول در تهران گردیده و همچنین صدور دستور ختم آن دعوی.

(ج) اعلام این مطلب که وزارت دفاع مکلف است درقبال کلیه مطالبات مالیاتی و حق بیمه اجتماعی دولت ایران از راک ول، ازجمله مطالباتی که بصورت ادعاهای متقابل مطرح گردیده، از راکول دفاع و خسارت وی را جبران کند.

(د) حفظ صلاحیت دیوان در پرونده حاضر نسبت به هر ادعایی که راکول بابت خسارات متحمل ناشی از عدم استرداد تقاضای وصول وجه ضمانت نامه‌های بانکی یا اعتبارات اسنادی توسط وزارت دفاع و یا عدم حمایت از راکول در برابر دعوی آن وزارت در تهران و یا عدم جبران خسارت راکول بابت مالیات و حق بیمه اجتماعی مورد مطالبه یا محتمل‌المطالبه از راک ول، اقامه می‌کند.

چهارم - موضع وزارت دفاع

۴۶ - وزارت دفاع معتقد است که دیوان فاقد صلاحیت رسیدگی به دعوی حاضر است. وزارت دفاع تابعیت امریکایی راکول را انکار و مضافاً استدلال می‌کند که قید حل اختلاف مندرج در ماده ۸ قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ صلاحیت انحصاری برای دادگاههای ایران قایل شده است و لذا صلاحیت رسیدگی به ادعاهای حاضر را از دیوان سلب می‌کند.

۴۷ - وزارت دفاع همچنین یکایک ادعاها را در ماهیت رد می‌کند. وی اساساً استدلال می‌کند که این راکول بود که با متوقف کردن اجرای قرارداد و فراخواندن کارکنان خود از ایران بدون اخطار کافی و کسب نظر وزارت دفاع، تعهدات خود را بابت قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ نقض کرد. علاوه براین، وزارت دفاع منکر آنست که هنگامی که راکول اطلاعیه‌های فورس ماژور را تسلیم کرد، شرایط فورس ماژور در ایران حاکم بوده است، و از اینرو استدلال می‌کند که راکول نمی‌توانسته بدلیل

فورس ماژور از اجرای قرارداد معذور گردد.

۴۸ - وزارت دفاع مضافاً با استناد به مبانی دیگری، حق راکول را به دریافت وجه مربوط به قراردادها انکار می‌کند. وزارت دفاع اظهار می‌دارد که راکول حتی قبل از استناد به فورس ماژور از برنامه عقب بود و کاری که عملاً انجام شد کافی نبود و مضافاً اینکه پاره‌ای از تجهیزات تحویل نگردید.

۴۹ - وزارت دفاع مدعی است که راکول از پائیز ۱۹۷۸، اجرای قرارداد را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش داد و منکر آنست که پس از اطلاعیه‌های فورس ماژور دسامبر ۱۹۷۸ و فوریه ۱۹۷۹ اصولاً کاری انجام شده باشد.

۵۰ - وزارت دفاع همچنین این موضع را اتخاذ می‌کند که برای بخشی از کار انجام شده اصولاً مجوزی صادر نشده بود یا فقط تا میزان معینی اجازه داده شده بود. بعلاوه، وزارت دفاع ادعا می‌کند که راکول اجازه و تأیید قبلی پیمانکاران جزء را که طبق قرارداد لازم بوده، کسب نکرده است.

۵۱ - وزارت دفاع منکر آنست که پیش از جریان رسیدگی حاضر، صورتحسابها و اطلاعات مویدی را که در اینجا مورد اختلاف است، دریافت کرده است. وزارت دفاع مضافاً استدلال می‌کند که وی ملزم به پرداخت این صورتحسابها و یا اعتراض به آنها نبوده، زیرا صورتحسابها طبق رویه قراردادی تنظیم صورتحسابها صادر نشده‌اند.

۵۲ - به هر صورت، وزارت دفاع ادعا می‌کند که در جلسه روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] در تهران، به صورتحسابهای تسلیمی راکول اعتراض کرد. وزارت دفاع مدعی است که از تایید صورتحسابها بدین دلیل که صحیح نبودند، امتناع کرد و

از راکول خواست که اسناد لازم را برای بررسی آنها ارائه نماید. بنا به ادعای وزارت دفاع، راکول به این درخواست ترتیب اثر نداد.

۵۳ - علاوه بر این، وزارت دفاع استدلال می‌کند که بطور کلی، مدارکی که راکول در تأیید هریک از عناصر ادعای خود ارائه کرده، کافی نیست.

۵۴ - از نظر وزارت دفاع، مطالبه وجه ضمانت نامه‌های بانکی موجه بوده، زیرا راکول تعهدات قراردادی اش را نقض کرده بود. در نتیجه، وزارت دفاع بابت هزینه‌های متحمل شده توسط راکول برای توقیف وجه اعتبارات اسنادی اتکایی و هزینه‌های متحمل دیگر بر اثر مطالبه این اعتبارات اسنادی هیچگونه مسئولیتی برای خود قایل نیست. وزارت دفاع همچنین استدلال می‌کند که تقاضای راکول برای صدور حکم اعلامی در مورد تعهدات بانکی باید مردود شناخته شود.

۵۵ - بالاخره، وزارت دفاع منکر آنست که راکول بر اثر فسخ قرارداد استحقاق دریافت عدم النفع را دارد.

۵۶ - استدلال‌های طرفین با تفصیل بیشتر، در بخش اسباب موجه حکم مورد بررسی واقع خواهد شد.

پنجم - ادعاهای متقابل

۵۷ - وزارت دفاع بر مبنای این ادعا که راکول قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ را به دلیل "بی توجهی عمدی" ناشی از تأخیر، کار غیرکافی و غیر مجاز و متوقف ساختن کار بدون دادن اطلاعیه لازم به وزارت دفاع، نقض کرده، ادعاهای متقابلی به شرح زیر

مطرح ساخته است:

- (الف) استرداد پیش پرداختها به اضافه بهره،
(ب) رفع انسداد از ضمانت نامه‌های بانکی حسن انجام کار به مبلغ ۱۵،۰۰۳،۲۸۲ دلار که راکول به نفع وزارت دفاع ارائه کرده،
(ج) خساراتی حداقل به مبلغ ۸۰،۲۴۵،۰۰۰ دلار،
(د) پرداخت حقوق بیمه اجتماعی که حسب ادعا طبق قراردادها لازم‌التأدیه است، به مبلغ ۶،۸۴۹،۰۶۴ ریال برای قرارداد شماره ۱۱۹ و ۵۰،۷۳۰،۷۹۷ ریال برای قرارداد شماره ۱۲۰، و
(ه) پرداخت مالیاتهایی که حسب ادعا طبق قراردادها لازم‌التأدیه است، به مبلغ ۱،۱۴۲،۴۴۵،۰۵۹ ریال بابت سال ۱۹۷۸ به اضافه ۲۳۷،۹۶۴،۳۵۸ ریال جریمه تاخیر که بطور سالانه محاسبه شده.

۵۸ - علاوه بر این، در "ادعای متقابل ناشی از ضمانت نامه بانکی"، جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع و بانک تجارت از خواندگان متقابل، راکول و سیتی بنک خواسته اند که مبلغ ۲،۳۶۴،۷۸۲ دلار بابت اعتبارات اسنادی اتکایی صادره توسط سیتی بنک به نفع بانک تجارت، با اضافه بهره و خسارات متحمل ادعایی بانک تجارت در نتیجه خودداری سیتی بنک از تأدیه آنها، بردارند.

۵۹ - راکول یکایک این ادعاهای متقابل را در ماهیت رد کرده، به صلاحیت دیوان نسبت به ادعاهای متقابل مربوط به حقوق بیمه اجتماعی و مالیات ایراد می‌گیرد.

د - اسباب موجه حکم

اول - موضوعات شکلی

۱ - مدارکی که در ثبت آنها تاخیر شده

۶۰ - در جلسه استماع، دیوان اتخاذ تصمیم درمورد قابل قبول بودن پاره‌ای از اسناد را که با تاخیر به ثبت رسیده‌اند، به بعد موکول کرد.

۶۱ - راکول اسناد زیر را با تاخیر به ثبت رساند:

- سند شماره ۱۴۶ (که در ۱۳ فروردین‌ماه ۱۳۶۶ / دوم آوریل ۱۹۸۷ به ثبت رسید)،

- سند شماره ۱۴۹ (که در ۲۵ تیرماه ۱۳۶۶ / ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۷ به ثبت رسید)، و

- سند شماره ۱۵۵ (که در ۱۶ مهرماه ۱۳۶۶ / هشتم اکتبر ۱۹۸۷ به ثبت رسید).

۶۲ - بعلاوه، راکول مجموعه‌ای از "خلاصه میل شمارها و بررسی کلی وضعیت مالی" را که از نو تنظیم کرده بود، در جلسه استماع توزیع نمود.

۶۳ - دیوان کلیه این مدارک به جز پیوست ۶۵ سند شماره ۱۵۵ را می‌پذیرد. در تعیین قابل قبول بودن یا نبودن سندی که با تاخیر به ثبت رسیده، دیوان "به ماهیت و محتوای مدارک و همچنین طول مدت و دلیل تاخیر توجه می‌کند". حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳ صادره در پرونده هریس، پاراگراف ۶۲ (منتشره در 47 Iran- U.S. C.T.R. 17). اسناد شماره ۱۴۶، ۱۴۹، و ۱۵۵ عمدتاً حاوی تقاضاهای مجددی است برای صدور حکم در این پرونده با در نظر گرفتن تعلق پاره‌ای هزینه‌های مستمر از قبیل کارمزدهای بانکی برای تمدید اعتبارات اسنادی

اتکایی و حق الوکاله. راک ول در لوائح اولیه خود، واقعیات مبنائی را که حسب ادعا به خرج این هزینه‌ها انجامیده، همراه با توضیحاتی درمورد نحوه محاسبه و مدارک موعد، ذکر نموده است. مبلغ هزینه‌های مستمر به دلیل ماهیت ویژه خود، باید از طریق تجدید محاسبه بروزدرآیند. درمواردیکه واقعیات مبنای ادعاء اساساً" بلا تغییر باقی بماند، صرف تجدید محاسبه خواسته موجب بیعدالتی نسبت به طرف دیگر نمی شود. لذا حتی سند شماره ۱۵۵ که پس از استماع پرونده به ثبت رسیده، درحدی که به تجدید محاسبه هزینه‌های داوری و کارمزد بانکی مربوط می‌شود، همراه با مدارک مستند موعد آن در پیوستهای شماره ۶۱ تا ۶۴، قابل قبول است. رجوع شود به: همان ماعخذ، بند ۷۰ (منتشره در 50-51 Iran-U.S. C.T.R. 17).

۶۴ - اما همین سند شماره ۱۵۵، درعین حال حاوی نامه‌ای به تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۳۵۶ [۱۵ سپتامبر ۱۹۷۷] است، تحت عنوان پیوست ۶۵ که به عنوان مدرک توافقی بین راکول و سیتی بنک، در تاعیید ادعای بخشی از کارمزد بانک تسلیم شده است. دیوان براین نظر است که سند مزبور وزارت دفاع را با واقعیات و ادله جدیدی مواجه ساخته و راکول توضیح قانع کننده‌ای دایر براینکه چرا سند فوق در چنین مرحله موعخری از رسیدگی به ثبت رسیده، نداده است. از اینرو، پیوست ۶۵ سند شماره ۱۵۵ قابل قبول نمی‌باشد.

۶۵ - دیوان نمودارهایی را که راکول در جلسه استماع توزیع کرد می‌پذیرد، زیرا این مدارک قبلاً" جزو لوائح ارائه گردیده و این بار صرفاً" با ترتیب جدیدی به منظور توضیح استدلالات شفاهی راکول ارائه شده و حاوی واقعیات جدیدی نیست.

۶۶ - وزارت دفاع نیز اسناد زیر را با تاخیر به ثبت رسانده است:
- سند شماره ۱۴۱ (که در ۱۸ اسفندماه ۱۳۶۵ / نهم مارس ۱۹۸۷ به ثبت

رسیده)،

- سند شماره ۱۴۲ (که در ۲۲ اسفندماه ۱۳۶۵ / ۱۳ مارس ۱۹۸۷ به ثبت

رسیده)، و

- سند شماره ۱۵۳ (که در ۲۰ شهریورماه ۱۳۶۶ / ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۷ به ثبت

رسیده).

علاوه براین، در جلسه استماع، وزارت دفاع نموداری را توزیع کرد تحت عنوان "تکلیف ۲- برنامه زمانی میل شمار مجتمع مرکزی دوشان تپه".

۶۷ - دیوان سند شماره ۱۴۱ حاوی پیوستهای ۳۳ و ۳۴ سند شماره ۱۳۷ را می پذیرد.

وزارت دفاع استدلال می کند که پیوستهای مزبور سهواً از اسناد ثبت شده قبلی وزارت دفاع جا افتاده بوده و دیوان نیز این استدلال را می پذیرد. دیوان همچنین سند شماره ۱۴۲ را که در واقع پیوست ۱۵ سند شماره ۱۳۶ است، و متن آن از نو ماشین شده، می پذیرد، زیرا سند مزبور صرفاً توضیحی است بر استدلال وزارت دفاع و واقعیات یا ادله جدیدی را مطرح نمی سازد.

۶۸ - دیوان داوری لزومی نمی بیند که در مورد قابل پذیرش بودن سند شماره ۱۵۳ که

حاوی شهادتنامه احسان الله صمیمی مفخم است، تصمیم بگیرد. گرچه می توان استدلال کرد که پاراگرافهای ۵ و ۶ شهادتنامه را کول را در برابر ادله جدیدی قرار می دهد معهذاً، ادله مزبور در نتیجه این پرونده اثر تعیین کننده ندارد. رجوع شود به: بند ۹۲ (زیرنویس ۹) و بند ۱۱۹ زیر.

۶۹ - بالاخره "تکلیف شماره ۲- برنامه زمانی میل شمار مجتمع مرکزی دوشان تپه" که

توسط وزارت دفاع در جلسه استماع توزیع شده، پذیرفته می شود، زیرا صرفاً

توضیحی است بر استدلالات شفاهی وزارت دفاع.

۲ - مدارک موید

۷۰ - وزارت دفاع همچنین به قابل پذیرش بودن پاره‌ای مدارک موید که به عنوان سند شماره ۱۲۸ در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۶۵ [۱۵ اکتبر ۱۹۸۶] توسط راکول به ثبت رسیده، اعتراض می‌کند. راکول در لایحه استماع خود اعلام کرد که قصد دارد چنین مدرکی را به ثبت رساند و در ۳۱ مردادماه ۱۳۶۵ [۲۲ اوت ۱۹۸۶] ضمن تسلیم اظهاریه‌ای از دیوان تقاضا کرد که با صدور دستوری به وی اجازه دهد که به دلیل حجیم بودن مدارک تأییدی، فقط دو نسخه از آنها را به ثبت رساند. دیوان طی دستور مورخ ۲۷ شهریورماه ۱۳۶۵ [۱۸ سپتامبر ۱۹۸۶] خود با این تقاضا موافقت کرد. دیوان باتوجه به اینکه این مدارک تنها از درجه دوم اهمیت برخوردار است و وفق رویه گذشته خود، ادله و مدارک تأییدی را که تحت عنوان سند شماره ۱۲۸ به ثبت رسیده، می‌پذیرد. رجوع شود به: پرونده فورد ارواسپیس، حکم جزئی شماره ۱-۹۳-۲۸۹ در پاراگراف ۸، (منتشره در 27-28 Iran-U.S. C.T.R. 14).

۳ - اصلاحیه‌ها

الف) ادعا

۷۱ - در جریان این رسیدگی، راکول دعوای خود را از چند جهت اصلاح کرد.

(الف) مبلغ خواسته بابت صورتحسابهای ماهانه پرداخت نشده تا نهم شهریورماه

۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] افزایش داده شد،

(ب) ادعای هزینه‌ها و حق الزحمه‌های قراردادی متحمله تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰]

- ژوئن ۱۹۸۰] که صورتحساب آنها صادر نشده، اضافه شد،
- (ج) ادعای هزینه‌ها و حوالزحمه‌های قراردادی متحمل پس از نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] که صورتحساب آنها صادر نشده اضافه شد،
- (د) ادعای هزینه‌های قرار منع پرداخت اعتبارات اسنادی اتکایی اضافه شد،
- (ه) ادعای عدم‌النفع اضافه شد،
- (و) ادعای هزینه‌های داوری تجدید محاسبه شده و افزایش یافت،
- (ز) ادعای کارمزد اعتبارات اسنادی تجدید محاسبه شده و افزایش یافت.

۷۲ - نظر دیوان اینست که این اصلاحات طبق ماده ۲۰ قواعد دیوان قابل قبول است. این ماده مقرر می‌دارد که:

درطول جریان داوری، هریک از طرفها می‌تواند دادخواست یا دفاعیه خود را اصلاح یا تکمیل نماید، مگر آنکه دیوان داوری اینگونه اصلاحات را به علت تاخیر در انجام آن و یا تبعیض نسبت به طرف دیگر و یا به علت هرگونه شرایط و اوضاع و احوال دیگر، مصلحت نداند (خط تأکید اضافه شده)،

۷۳ - دیوان در اعمال اختیار خود طبق ماده ۲۰ برای پذیرش اصلاحیه‌های دعوی، باید تعیین نماید که آیا اصلاحات پیشنهادی موجب بیعدالتی نسبت به طرف دیگر می‌شود یا خیر، آیا به طرف دیگر فرصت برای پاسخگویی به ادعای جدید یا اصلاح شده، داده شده یا خیر، و آیا اصلاحیه پیشنهادی به نحوی غیر ضروری موجب اختلال یا تاخیر در جریان داوری خواهد شد یا خیر. با رعایت این ملاحظات، در صورتیکه واقعیات مبنای یک اختلاف به نحوی که در دادخواست مطرح شده، اساساً همچنان مبنای اختلاف باقی بماند، و نیز در صورتیکه اصلاحیه آنچنان با ادعای اولیه ارتباط متقابل و نزدیک داشته باشد که تفکیک موضوعات و رسیدگی جداگانه بدانها، و یا احتمالاً رسیدگی در دادگاه دیگری، خلاف اقتصاد قضایی باشد، اصلاحیه ادعا عموماً

قابل پذیرش است. رویه دیوان در پذیرش اصلاحیه‌ها انعطاف پذیر بوده است. رجوع شود فی‌المثل به: قرار اعدادی شماره ۱-۱۲۳-۵۷، ص ۱۰ (انگلیسی) مورخ نهم تیرماه ۱۳۶۵ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۶] صادره در پرونده اینترنشنال اسکولز سرویسز اینک، و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، (منتشره در 6, 12 Iran- U.S. C.T.R. 10)، و حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، پاراگراف ۸۵ صادره در هریس، (منتشره در 17 Iran- U.S. C.T.R. 55-56).

۷۴ - راکول اصلاحیه‌های (الف) تا (ه) را در طول رسیدگیها، ولی حداکثر تا تاریخ ثبت لایحه استماعش در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [هشتم مه ۱۹۸۶]، پیشنهاد نمود. واقعیهایی که مبنای این اصلاحیه‌هاست، هسته مرکزی در کل اختلاف حاضر می‌باشد. دیوان براین نظر است که وزارت دفاع فرصت کافی جهت پاسخگویی به واقعیات زمینه‌ای ادعایی و پاره‌ای ملاحظات جدیدی که در این اصلاحیه‌ها مطرح شده، داشته است. بنابراین، اصلاحیه‌های (الف) تا (ه)، نه موجب بیعدالتی نسبت به وزارت دفاع و نه سبب تاخیر در جریان داوری گردیده است.

۷۵ - این مطلب در مورد اصلاحیه‌های (و) - (ز) نیز صادق است. اصلاحیه‌های مزبور از آن جهت تسلیم شد که ارقام هزینه‌های ایجاد شده در طول رسیدگیها به روز برسد. واقعیتهای اصلی همراه با توضیحاتی درباره اساس محاسبات در لوایح پیشین راکول مطرح گردیده بود و در واقع راکول غیر از این نمی‌توانست کاری کند. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۱۸-۲۶، ص ۲۰ (انگلیسی) مورخ ۲۱ مهرماه ۱۳۶۵ [۱۳ اکتبر ۱۹۸۶] صادره در پرونده پپسی کو اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران، و سایرین، (منتشره در 3, 17 Iran-U.S. C.T.R. 13) و حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، پاراگراف ۸۶، صادره در هریس (منتشره در 56 Iran-U.S. C.T.R. 17).

۷۶ - از اینرو، دیوان پذیرش کلیه اصلاحیه‌های ادعا را عمل نامناسبی تلقی نمی‌کند.

(ب) - ادعای متقابل

۷۷ - وزارت دفاع نیز ادعای متقابلش را از چند جهت اصلاح کرد:

(الف) ادعای مربوط به استرداد مبالغ پرداختی به راک ول، اضافه شد، و
(ب) ادعای خسارات، از بعضی جنبه‌ها، هم افزایش و هم کاهش داده شد.

۷۸ - این اصلاحیه‌ها نیز ناشی از واقعیتها و ادعاهایی است که قبلاً در طول رسیدگیها ارائه شده بود، و موضوعات مورد بحث به نحو بارزی با ادعا و اصلاحیه‌های آن ارتباط متقابل دارد. دیوان داوری هیچگونه بیعدالتی نسبت به راکول و یا تاخیری در رسیدگیها بر اثر اصلاحیه‌های ادعای متقابل، مشاهده نمی‌کند، و راکول هم چنین اعتراضی نکرده است. بنابراین، اصلاحیه‌های ادعای متقابل نیز پذیرفته می‌شود.

۷۹ - ادعای متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع، و بانک تجارت علیه راکول و "سیتی بنک آو نیویورک" برای پرداخت وجه اعتبارات اسنادی اتکایی در ۱۳ شهریورماه ۱۳۶۵ [چهارم سپتامبر ۱۹۸۶] به ثبت رسیده است. پس از آنکه پرونده شماره ۸۸۶، بانک تجارت و دولت ایالات متحده آمریکا، سیتی بنک نیویورک، طی دستور مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۶۴ [دوم ژوئیه ۱۹۸۵] دیوان مختومه شد، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران درخواست کرد رهنمودهای جدیدی راجع به نحوه اقدام در مورد آن ادعاها که یکی از آنها اینک مبنای این ادعای متقابل را تشکیل می‌دهند، داده شود. دیوان داوری، طی نامه‌ای به عنوان هر دو نماینده رابط که

در ۲۵ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۶ اوت ۱۹۸۵] به ثبت رسید، اعلام کرد که تقاضاهای طرح ادعای متقابل بر مبنای اعتبارات اسنادی در موردی که ادعای اصلی در دست رسیدگی است " باید بموقع و حداکثر تا شش ماه از تاریخ این نامه، ثبت شود".
براین اساس، مهلت طرح ادعای متقابل در رابطه با اعتبارات اسنادی در پرونده حاضر، ۲۷ بهمن ماه ۱۳۶۴ [۱۶ فوریه ۱۹۸۶] بوده است. لیکن خواهانهای متقابل، این ادعای متقابل را تا ۱۳ شهریورماه ۱۳۶۵ [چهارم سپتامبر ۱۹۸۶] به ثبت نرساندند و دلیلی برای این تاخیر ارائه نکردند. بنابراین، دیوان این ادعای متقابل دیر به ثبت رسیده را رد می کند. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۱۹۵-۳۵۸، پاراگراف ۲۹، مورخ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۷ [۱۵ آوریل ۱۹۸۸] صادره در پرونده اگروستراکت اینترنشنال اینک و سازمان غله ایران و سایرین،
(منتشره در - Iran-U.S. C.T.R. -).

۴ - نصب کارشناس

۸۰ - وزارت دفاع درخواست کرده است کارشناسی تعیین شود تا اجرای ادعایی قراردادها توسط راکول را ارزیابی و بویژه حدود کار انجام شده و میزان انطباق آن را با الزامات قراردادی، مشخص نماید. به نظر دیوان، مسئله نصب کارشناس تنها در موردی قابل طرح است که طرف متقاضی نصب، به قدر کافی ادعاها یا مدافعاتش را اثبات کرده باشد. وظیفه کارشناس منصوب دیوان این نیست که برای ادعای طرفی استدلال کند. همانطور که در زیر به تفصیل تشریح خواهد شد، وزارت دفاع وظیفه خود را در اثبات کافی مدافعاتش در مقابل ادعا، در طول رسیدگی های حاضر، انجام نداده است. بنابراین، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال پرونده حاضر، تقاضای نصب کارشناس رد می شود.

دوم - صلاحیت

۱ - تابعیت امریکایی راکول

۸۱ - خواهان، راکول اینترنشنال سیستمز اینک، ادله و مدارکی ارائه نموده مبنی بر اینکه شرکتی است که در ایالت دلهور تأسیس شده و صد در صد سهام دارای حق رأی آن متعلق به راکول اینترنشنال کورپوریشن اینک است که این شرکت نیز در ایالت دلهور تشکیل یافته است. بعلاوه، راکول ادله و مدارکی تسلیم نموده که الزامات مقرر در این شعبه جهت اثبات تابعیت شرکت را تحقق می‌بخشد. رجوع شود به: دستور مورخ ۲۹ آذرماه ۱۳۶۱ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۲] صادره در پرونده شماره ۳۶ فلکسی - ون لیسینگ اینک و جمهوری اسلامی ایران، شعبه یک، (منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R. 455) و دستور مورخ ۲۸ دیماه ۱۳۶۱ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۳] دیوان در پرونده شماره ۹۴، جنرال موتورز کورپ. و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، شعبه یک، (منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R. 3). بنابراین، دیوان داوری، بر مبنای سوابق موجود متقاعد شده است که راکول تبعه ایالات متحده به مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی است.

۲ - قید انتخاب مرجع رسیدگی

۸۲ - وزارت دفاع استدلال می‌کند که ماده ۸ قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰، که در هر دو قرارداد با کلمات مشابهی نگارش یافته، به دادگاههای ایران صلاحیت انحصاری اعطا کرده و لذا صلاحیت رسیدگی به اختلاف حاضر را از دیوان سلب می‌نماید. متن ماده ۸ به شرح زیر است:

کلیه اختلافات و منازعاتی که ممکن است میان طرفین در نتیجه تعبیر و تفسیر مواد قرارداد یا انجام کارها بوجود آید، که نتوان آنها را بطور دوستانه حل و فصل نمود، باید طبق مقررات و قوانین ایران از طریق مراجعه به دادگاههای صالحه ایران حل و فصل گردد.

۸۳ - در سایر پرونده‌های آیکس مطروحه در دیوان نیز، قیود حل اختلاف تقریباً مشابهی مورد اختلاف بوده است. فی المثل رجوع شود به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، ص ص ۱۱-۱۳ (انگلیسی) صادره در سیلوانیا، (منتشره در 8 Iran-U.S. C.T.R. 306-07)، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱، ص ص ۱۱-۱۳ (انگلیسی) صادره در کوئستک (منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 115-16)، و حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، پاراگراف‌های ۱۰۹ تا ۱۱۱ (منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 63-64). در همه پرونده‌های فوق بطور یکسان نظر داده شد که چنین قید حل اختلافی، به دادگاههای ایران صلاحیت انحصاری تفویض نمی‌نماید. به موازات این رویه، دیوان براین نظر است که ماده ۸ قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰، مانع صلاحیت آن در رسیدگی به اختلاف حاضر نیست.

سوم - ماهیت

۱ - فسخ قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰

۸۴ - موضوع اساسی مطروحه نزد دیوان اینست که آیا قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ پایان یافت و اگر پایان یافت نحوه آن چگونه بود. در این رابطه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا راکول به دلیل وجود شرایط فورس ماژور در ایران پس از دسامبر ۱۹۷۸ یا فوریه ۱۹۷۹ از اجرای قرارداد معذور بوده است یا خیر.

۸۵ - راکول استدلال می‌کند که گرچه وی اجرای قراردادها را به دلیل فورس ماژور، به ترتیب در نهم دیماه ۱۳۵۷ [۳۰ دسامبر ۱۹۷۸] و ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] به حالت تعلیق درآورد، لیکن قراردادها تا اواسط مارس ۱۹۸۰ که وزارت دفاع پرداخت وجه ضمانت نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی اتکائی را مطالبه کرد، فسخ نشده بود و اضافه می‌کند که مطالبه وجوه مزبور که حسب ادعا غیر قانونی بود، اولین نشانه روشن از آن بود که وزارت دفاع قصد داشته قراردادها را فسخ نماید و براین اساس، رویدادهای اواسط ۱۹۸۰ را باید فسخ یکجانبه قراردادها توسط وزارت دفاع بدون قصوری از جانب راکول تلقی نمود. بدینجهت، راکول طی نامه مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۹ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۰] به وزارت دفاع اطلاع داد که باید دفتر کارش را در ایران تعطیل کند و فیش باخ - عمان از تاریخ نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] ارائه خدمات حفاظتی را متوقف خواهد ساخت. از اینرو، راکول استدلال می‌کند که نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] باید تاریخ قطعی فسخ تلقی شود.

۸۶ - ازسوی دیگر، وزارت دفاع ادعا می‌کند که وی هیچگاه قصد فسخ قراردادها را نداشته و چنین کاری نکرده است. به عکس، وی استدلال می‌کند که راکول با متوقف ساختن اجرای قراردادها، آنها را نقض نمود. وزارت دفاع منکر آن است که راکول حق داشته به دلیل وجود شرایط فورس ماژور ادعایی در ایران، اجرا را متوقف سازد. بنا به اظهار وزارت دفاع، راکول به دستور دولت ایالات متحده اجرای کار را متوقف ساخت. وزارت دفاع مضافاً استدلال می‌کند که اطلاعیه‌های فورس ماژور ارسالی راکول، طبق ماده ۲-۶ قراردادها کافی نبوده، زیرا طول تقریبی مدت فورس ماژور در آنها ذکر نشده است.

۸۷ - ماده ۴-۶ قراردادها، شرایط فورس ماژور را به شرح زیر تعریف می‌کند:

واقعه فورس ماژور شامل رویدادها و شرایط زیر است:

سیل، بیماریهای واگیردار، زمین لرزه، جنگ، مواردی که بطور کلی در عرف بین‌المللی به عنوان فورس ماژور مورد قبول باشد و چنانچه دولت امریکا اجازه صدور را فسخ نماید.

۸۸ - دیوان داوری در کلیه پرونده‌های پیشین آیکس نظر داده است که خواهان پرونده، که پیمانکار قسمتی از پروژه بود، اصولاً به دلیل وجود فورس ماژور در ایران از اوایل فوریه ۱۹۷۹ تا حداقل پایان ژوئیه ۱۹۷۹ از اجرای قرارداد معاف بوده است. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، صص ۲۲ - ۱۴ (انگلیسی) در پرونده سیلوانیا، (منتشره در 14-308 Iran-U.S. C.T.R. 8)، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱، صص ۱۹-۱۶ (انگلیسی) در پرونده کوئستک، (منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 118-20)، حکم شماره ۱-۴۸۰-۱۹۷، صص ۱۵-۱۳ (انگلیسی) در پرونده توش راس، (منتشره در 96-294 Iran-U.S. C.T.R. 9)، حکم جزئی شماره ۱-۹۳-۲۸۹، پاراگراف‌های ۵۳-۴۳ صادره در پرونده فورد ارواسپیس، (منتشره در 35-38 Iran-U.S. C.T.R. 14)، و حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳ در پاراگراف‌های ۲۳-۱۱۴ صادره در پرونده هریس، (منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 65-67). در پرونده سیلوانیا دیوان نظر داد که شرایط فورس ماژور در ایران ناشی از ناآرامیهای سیاسی، اغتشاشات، اعتصابات و غیره، در اواخر دسامبر ۱۹۷۸ به نحو روز افزونی در کار پروژه آیکس اختلال ایجاد می‌کرد. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، صص ۱۵ (انگلیسی) صادره در پرونده سیلوانیا، (منتشره در 308 Iran-U.S. C.T.R. 8)، که در آن از قرار اعدادی شماره ۲-۴۹-۲۴، صص ۱۱ (انگلیسی) مورخ پنجم مردادماه ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳] صادره در پرونده گولد مارکتینگ اینک و وزارت دفاع ملی ایران (منتشره در 3-152 Iran-U.S. C.T.R. 147) (که منبع "گولد مارکتینگ" نامیده می‌شود) نقل قول شده است. دیوان داوری متقاعد شده است که اوضاع و احوال یاد شده،

اجرای قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ را در ایران به نحو روز افزونی غیر ممکن ساخته بود. معذک، میزان تأثیر حالت فورس ماژور بر اجرای یک تعهد خاص قراردادی همواره باید باتوجه به آن تعهد تعیین شود.

۸۹ - بخش قابل ملاحظه‌ای از کار راکول قرار بود در ایران اجرا شود. دیوان داوری، بر مبنای سوابق موجود، قانع شده است که در دسامبر ۱۹۷۸ و فوریه ۱۹۷۹، به دلیل وجود شرایط فورس ماژور جاری در ایران، برای راکول غیرممکن بود که بتواند آندسته از تعهدات قراردادی خود را که می‌بایست در ایران انجام می‌شد، کماکان اجرا کند. این شرایط حداقل تا ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹]، یعنی تاریخی که وزارت دفاع نامه خود را به کلیه پیمانکاران آیبکس فرستاد، وجود داشته است. رجوع شود به: پاراگراف ۸۸ بالا و پاراگراف ۹۴ زیر. بنابراین، راکول حق داشته که به مواد مربوط به فورس ماژور قراردادها استناد کند.

۹۰ - اطلاعیه‌های فورس ماژور که راکول در تاریخهای نهم دیماه ۱۳۵۷ [۳۰ دسامبر ۱۹۷۸] و ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] ارسال کرد، با الزامات مقرر در ماده ۲-۶ قراردادها مطابقت دارد. درست است که در ماده مزبور مقرر بوده که طول تقریبی مدت فورس ماژور در اطلاعیه ذکر شود، لکن در شرایط موجود در این پرونده، برای راکول غیر ممکن بود که طول مدت ادامه حالت فورس ماژور در ایران را پیش بینی کند. از اینرو، اطلاعیه‌های فورس ماژور را نمی‌توان به دلیل عدم ذکر پیش بینی طول مدت فورس ماژور، رسماً "غیر کافی تلقی کرد."

۹۱ - اطلاعیه‌های فورس ماژور حاکی از آن است که راکول، در آن زمان قراردادها را معلق تلقی می‌کرد، نه فسخ شده.

۹۲ - دیوان داوری این امکان را بررسی کرد که قراردادهای ممکن است در نتیجه "تغییر اوضاع و احوال" متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۱ فوریه ۱۹۷۹]، خاتمه یافته باشند. مفهوم "تغییر اوضاع و احوال"، که با عبارت *clausula rebus sic stantibus* ("قراردادهای تابع اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد هستند") نیز بیان می‌شود، به شکل اصلی خود در رویه دیوان داوری به عنوان یک اصل کلی حقوقی پذیرفته شده است. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱، صص ۲۰-۲۲ (انگلیسی) در پرونده کوئستک (منتشره در 9 Iran - U.S. C.T.R. 122-23). دیوان داوری قبلاً نظر داده است که برای فسخ قرارداد، در شرایط خاصی می‌توان به این اصل استناد کرد. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱، ص ۲۲ (انگلیسی) صادره در پرونده کوئستک، (منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 123). لیکن، نظر دیوان این نیست که پیروزی انقلاب اسلامی، خود بخود یعنی بدون اینکه اقدامی از جانب یکی از طرفین صورت گرفته باشد، منجر به لغو کلیه تعهدات مقرر در قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ شده است. رجوع شود به: حکم شماره ۳-۱۵۰/۸۱/۷۶/۷۴-۳۱۱، پاراگراف ۱۱۹ مورخ ۲۳ تیرماه ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده موبیل اویل ایران اینک و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین (منتشره در 16 Iran-U.S. C.T.R. 39-40). سوابق منتشره عام نشان می‌دهد که دولت جدید ایران اعلام کرد که قصد دارد در قراردادهای منعقد شده با شرکتهای خارجی تجدید نظر کند و اجرای قراردادهایی را که موافق مصالح ملی تشخیص می‌دهد، ادامه دهد. دیوان متقاعد نشده است که دولت جدید از اوایل فوریه ۱۹۷۹ قصد خود را مبنی بر قطع ادامه

پروژه آیکس (۹) اعلام داشته و یا در آن اوضاع و احوال نتیجه گیری دیگری امکان پذیر نبوده است. لیکن، حتی به فرض اینکه پیروزی انقلاب اسلامی، در حیطه مفهوم کلی "تغییر اوضاع و احوال" می‌گنجد، باز اوضاع و احوال مزبور، حداکثر به وزارت دفاع حق می‌داد که قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ را مطابق با تشریفات صریح مقرر در آنها فسخ کند، و این حق است که وزارت دفاع به هر صورت طبق قراردادهای مزبور از آن برخوردار بود.

۹۳ - بعلاوه، حتی اگر آنطور که وزارت دفاع اظهار می‌دارد، دولت ایالات متحده پروانه‌های صدور مربوط به پروژه آیکس را لغو کرده بود، این عمل طبق ماده ۶-۴ قراردادهای واقعه فورس ماژور تلقی می‌شد و طرفین را ملزم می‌کرد مطابق با روشهای مقرر در ماده ۶-۲ راه حلی پیدا کنند. لذا، دیوان قانع نشده است که قراردادها در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ [۱۱ فوریه ۱۹۷۹] در نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بدون اقدام دیگری از جانب یکی از طرفین خاتمه یافته‌اند.

۹۴ - حدود پنج ماه بعد، وزارتخانه نامه‌ای به کلیه پیمانکاران آیکس فرستاد. نامه به تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹] بوده و در قسمت مربوطه آن چنین ذکر شده که "انجام کلیه کارها و هزینه‌ها بموجب قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰، به

(۹) خواننده، در این رابطه، نامه مورخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [دهم فوریه ۱۹۷۹] تیمسار توکلی به راک ول، و شهادتنامه احسان الله صمیمی مفخم راء، ارائه نمود که ظاهراً حاکمی است وزارت دفاع با نامه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [دهم فوریه ۱۹۷۹] اقدام به فسخ قرارداد شماره ۱۱۹ نمود. معذک، برای دیوان به نحو رضایت بخشی ثابت نشده که این نامه به راکول تحویل شده است. حتی اگر، آنطور که پانویس متن فارسی نامه و شهادتنامه حاکمی است، خواننده کوشیده تا نامه را به دفتر کار راکول در تهران تحویل دهد لکن به دلیل بسته بودن دفتر نتوانسته، روشن است که تنها این اقدام در اوج نا آرامی انقلابی، برای تحویل اطلاعاتی اینچنین مهمی کافی نبوده است.

دلیل تحولات اخیر ناشی از انقلاب اسلامی ایران متوقف شده تلقی می‌شود. دیوان در پرونده‌های قبلی مربوط به پروژه آیکس این نامه را نشانه‌ای از خط مشی کلی و تصمیم وزارت دفاع مبنی بر عدم ادامه همکاری با پیمانکاران امریکایی در پروژه آیکس تلقی نموده و براساس این برداشت، ارسال آن را بعنوان فسخ قراردادهای آیکس محسوب داشته است. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، ص ۲۱ (انگلیسی) صادره در پرونده سیلوانیا، (منتشره در 3-312 Iran-U.S. C.T.R. 8) ، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱، ص ۱۸ (انگلیسی) صادره در پرونده کوئستک، (منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 120) ، و حکم جزئی شماره ۱-۹۳-۲۸۹، پاراگراف ۵۳، صادره در پرونده فورد ارواسپیس، (منتشره در 38 Iran-U.S. C.T.R. 14) و حکم شماره ۱-۳۷۰-۴۲۹، پاراگراف ۷۵، صادره در پرونده واتکینز - جانسون، (منتشره در - Iran-U.S. C.T.R. -) .

۹۵ - ملاحظات مزبور عیناً در پرونده حاضر نیز صادق است. ادله و مدارک تسلیمی هر دو طرف دلالت بر آن دارد که گرچه ایران احتمالاً امکان ادامه پروژه آیکس را رد نکرده، با اینحال، کاملاً روشن بود که چنین کاری را تنها طبق ترتیبات قراردادی جدید و اساساً تغییر یافته‌ای انجام می‌داد. بموجب ماده ۷-۶ قراردادها، وزارت دفاع حق داشته که قراردادها را حتی بدون قصوری از جانب پیمانکار، فسخ کند و برداشت پیمانکاران دیگر آیکس از نامه مورخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹] این بود که وزارت دفاع مبادرت به اعمال این حق کرده است. رجوع شود به: حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، پاراگراف ۱۱۷ در پرونده هریس ، (منتشره در 66 Iran-U.S. C.T.R. 17) . باتوجه به اوضاع ایران در آن برهه از زمان، اگر راکول بدون استفسار از قصد وزارت دفاع، اقدام به صرف هزینه‌های معتابیهی نموده، خود مسئول آن است.

۹۶ - بنابراین، دیوان نظر می‌دهد که قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ با نامه مورخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹] وزارت دفاع خاتمه یافت، و نه آنطور که راکول می‌گوید، در نتیجه اعلام فسخ راکول، که حسب ادعا در نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] قطعیت می‌یافته است.

۹۷ - راکول نامه وزارت دفاع را در ۱۶ یا ۱۸ مردادماه ۱۳۵۸ [هفتم یا نهم اوت ۱۹۷۹] دریافت کرد. رجوع شود به: پاراگراف ۲۸ بالا. باتوجه به حجم و پیچیدگی قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ و لزوم قائل شدن مدت زمانی جهت تعطیل فعالیت‌های قراردادی، دیوان تاریخ قطعی فسخ را نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] تعیین می‌نماید.

۲ - ادعای اجرای قرارداد تا تاریخ فسخ آن

۹۸ - ماده ۶-۷ قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ چنین مقرر می‌دارد:

هر موقع کارفرما قرارداد را بدون اینکه پیمانکار مقصر باشد خاتمه دهد، کارفرما هزینه‌های واقعی تصویب شده را تا زمان خاتمه و دستمزد [حق‌الزحمه] مربوطه به اضافه مخارج واقعی مصوبه خاتمه کار را به پیمانکار پرداخت خواهد نمود.

براساس این ماده، راکول حق دارد هزینه‌های انجام شده و حق‌الزحمه‌های مربوطه بابت اجرای قرارداد تا نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] را دریافت دارد. بنابراین، دیوان اینک باید تعیین نماید که آیا راکول وظیفه خود را در اثبات ارائه خدمات و انجام هزینه‌هایی که مدعی است، انجام داده است یا خیر.

۹۹ - راکول، بر مبنای این فرض که قراردادها بطور قطع در نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰

ژوئن ۱۹۸۰] فسخ شده اند، خواسته مورد تقاضای خود جهت اجرای قرارداد تا زمان فسخ را هم تحت عنوان صورتحسابهای پرداخت نشده تا نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] و هم هزینه‌ها و حق‌الزحمه‌های صورتحساب نشده تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] طبقه بندی نموده است. در واقع، دیوان نظر داده است که قراردادها در نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] رسماً فسخ شدند و لذا دیوان باید ادعا را بر این اساس تجزیه و تحلیل نماید.

الف) ادعای مربوط به صورتحسابها تا فسخ قرارداد در تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹]

۱۰۰ - ادعای مربوط به صورتحسابهای راکول در واقع شامل دو بخش است: دسته‌ای که موعد پرداخت آنها حسب ادعا روز ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹] و دسته دیگری که موعد پرداختشان حسب ادعا روز دهم آبانماه ۱۳۵۸ [اول نوامبر ۱۹۷۹] بوده است. در وهله اول، راکول پرداخت صورتحسابهای زیر بابت دوره نوامبر ۱۹۷۸ تا مارس ۱۹۷۹ را که موعد پرداخت آنها روز ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹] بوده، مطالبه می‌کند:

شماره صورتحساب /	مبلغی که باید نقداً	مبلغی که باید بابت	کل مبلغ
تاریخ / موضوع	پرداخت شود	استهلاک پیش پرداخت	صورتحساب

منظور گردد

۱۱۹ - ۰۱۴ نوامبر ۷۸	۱،۵۵۴،۴۱۸ دلار	۲۹۶،۰۷۹ دلار	۱،۸۵۰،۴۹۷ دلار
(خدمات)			
۱۱۹ - ۰۱۵ دسامبر ۷۸			

" ۱۰۲۴۶۰۶۶۱	" ۷۰۰۴۴	" ۱۰۲۳۹۰۶۱۷	(خدمات) ۱۲۰ - ۰۱۳ دسامبر ۷۸
" ۱۴۴۰۲۹۰	--	" ۱۴۴۰۲۹۰	(خدمات) ۱۲۰ - آ-۰۱۱ دسامبر ۷۸
" ۷۰۴۴۲	--	" ۷۰۴۴۲	(مواد و مصالح) ۱۱۹ - ۰۱۶ ژانویه ۷۹
" ۱۰۰۱۳۲۰۹۹۵	" ۱۰۰۶۲۱۰۲۸۰	" ۸۰۵۱۱۰۷۱۵	(خدمات) ۱۱۹ - ۰۱۶ آ ژانویه ۷۹
" ۳۶۳۰۱۸۴	" ۹۰۰۷۹۴	" ۲۷۲۰۳۹۰	(مواد و مصالح) ۱۲۰ - ۰۱۴ ژانویه ۷۹
" ۱۰۶۵۳۰۳۶۰	--	" ۱۰۶۵۳۰۳۶۰	(خدمات) ۱۲۰ - آ-۰۱۲ ژانویه ۷۹
" ۱۲۷۰۳۹۲	--	" ۱۲۷۰۳۹۲	(مواد و مصالح) ۱۱۹ - ۰۱۷ فوریه ۷۹
" ۱۰۱۰۰۰۸۳۵	" ۱۷۶۰۱۳۴	" ۹۲۴۰۷۰۱	(خدمات) ۱۲۰ - ۰۱۵ فوریه ۷۹
" ۲۷۲۰۵۶۸	--	" ۲۷۲۰۵۶۸	(خدمات) ۱۲۰ - آ-۰۱۳ فوریه ۷۹
" ۲۰۵۷۳	--	" ۲۰۵۷۳	(مواد و مصالح) ۱۱۹ - ۰۱۸ مارس ۷۹
" ۲۰۰۵۸۰۱۷۷	" ۳۲۹۰۳۰۸	" ۱۰۷۲۸۰۸۶۹	(خدمات) ۱۱۹ - ۰۱۸ آ مارس ۷۹
" ۶۱۰۲۷۸	" ۱۵۰۳۲۱	" ۴۵۰۹۵۷	(مواد و مصالح) ۱۲۰ - ۰۱۶ مارس ۷۹

"	۱۴۹,۳۹۳	--	"	۱۴۹,۳۹۳	(خدمات)
=====					
"	۱۹,۱۷۰,۶۴۵	"	۲,۵۳۵,۹۶۰	"	۱۶,۶۳۴,۶۸۵
				جمع کل	

در وهله دوم، راکول پرداخت صورتحسابهای زیر بابت دوره آوریل تا اوت ۱۹۷۹ را که حسب ادعاء موعده پرداخت آنها دهم آبانماه ۱۳۵۸ [اول نوامبر ۱۹۷۹] بوده، مطالبه می‌کند:

شماره صورتحساب / مبلغی که باید نقداً / بابت استهلاک / مبلغی که باید
تاریخ / موضوع / پرداخت شود / پیش پرداخت / صورتحساب / کل مبلغ
منظور گردد

				۱۱۹ - ۰۱۹ آوریل ۷۹
				(خدمات)
دلار	۲,۰۰۰,۴۲۳	دلار	۳۲۰,۰۰۶۷	دلار ۱,۶۸۰,۳۵۶
				۱۱۹ - ۰۱۹ آوریل ۷۹
"	۲۵۷,۹۲۱	"	۶۴,۴۸۰	" ۱۹۳,۴۴۱
				(مواد و مصالح)
				۱۲۰ - ۰۱۷ آوریل ۷۹
"	۷۹,۰۱۷	--	"	۷۹,۰۱۷
				(خدمات)
				۱۱۹ - ۰۲۰ مه ۷۹
"	۲۲۷,۰۸۱	"	۳۶,۳۳۴	" ۱۹۰,۷۴۷
				(خدمات)
				۱۱۹ - ۰۲۰ آوریل ۷۹
"	۳۴,۳۷۵	"	۸,۵۹۳	" ۲۵,۷۸۲
				(مواد و مصالح)
				۱۲۰ - ۰۱۸ مه ۷۹
"	۱۷۰,۴۵۰	"	--	" ۱۷۰,۴۵۰
				(خدمات)
				۱۲۰ - ۰۱۴ آوریل ۷۹

" ۲۰،۲۴۳ "	--	" ۲۰،۲۴۳ "	(مواد و مصالح)
			۱۱۹ - ۰۲۱ ژوئن ۷۹
" ۴۶۸،۴۳۷ "	۷۴،۹۴۹	" ۳۹۳،۴۸۸ "	(خدمات)
			۱۱۹ - ۰۲۱ آ ژوئن ۷۹
" ۱۱۹،۲۷۰ "	۲۹،۸۱۸	" ۸۹،۴۵۲ "	(مواد و مصالح)
			۱۲۰ - ۰۱۹ ژوئن ۷۹
" ۲۱۴،۵۶۲ "	--	" ۲۱۴،۵۶۲ "	(خدمات)
			۱۱۹ - ۰۲۲ ژوئیه ۷۹
" ۳۵۱،۱۰۷ "	۵۶،۱۷۹	" ۲۹۴،۹۲۸ "	(خدمات)
			۱۱۹ - ۰۲۲ آ ژوئیه ۷۹
" ۲۲۲،۱۷۹ "	۵۵،۵۴۵	" ۱۶۶،۶۳۴ "	(مواد و مصالح)
			۱۲۰ - ۰۲۰ ژوئیه ۷۹
" ۵۷،۵۶۹ "	--	۵۷،۵۶۹	(خدمات)
			۱۱۹ - ۰۲۳ اوت ۷۹
" ۳۲۴،۳۴۹ "	۵۱،۸۹۴	" ۲۷۲،۴۵۵ "	(خدمات)
			۱۱۹ - ۰۲۳ آ اوت ۷۹
" ۳۱۲،۰۲۳ "	۷۸،۰۰۶	" ۲۳۴،۰۱۷ "	(مواد و مصالح)
			۱۲۰ - ۰۲۱ اوت ۷۹
" ۱۵،۱۹۷ "	--	" ۱۵،۱۹۷ "	(خدمات)
			۱۲۰ - ۰۱۵ آ اوت ۷۹
" [۱۸،۱۸۰] "	--	" [۱۸،۱۸۰] "	(مواد و مصالح)

=====

" ۴،۸۵۶،۰۲۳ دلار ۷۷۵،۸۶۵ دلار ۴،۰۸۰،۱۵۸

جمع کل

راک ول، در صورتحسابهای بلاپرداخت خود تا نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱] اوت ۱۹۷۹، کلاً مبلغ ۳،۳۱۱،۸۲۵ دلار بابت استهلاك پيش پرداختها منظور کرده است.

۱۰۱ - راکول در تأیید ادعایش، (اولاً) به این اظهار استناد می‌کند که وزارت دفاع به موقع و به نحو مقتضی اعتراضی به صورتحسابهای یاد شده در بالا و ارقام و اطلاعات همراه آن، نکرد، (ب) نظر حسابداران رسمی را ارائه می‌نماید، و (ج) گزارشهای راک ول را که طبق الزام قرارداد تهیه کرده بود، تسلیم می‌نماید. دیوان، بدو "هر یک از این استدلالها را بطور جداگانه بررسی و سپس مدارک له و علیه را من حیث المجموع ارزیابی خواهد کرد.

الف الف) عدم اعتراض به صورتحسابها

۱۰۲ - راکول ادعا می‌کند که وی تا آخر سپتامبر ۱۹۷۹ صورتحسابهای ماهانه بابت اجرای قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ را تنظیم کرده و همراه با اطلاعات موئید، از جمله "گزارشهای راک ول" به وزارت دفاع تسلیم نموده است. راکول مدعی است که اطلاعات مزبور طبق شرایط ذریبط قراردادی متجاوز از چهار هفته قبل از سر رسیدهای مربوطه تسلیم شده و باید چنین تلقی کرد که وزارت دفاع صورتحسابها را پذیرفته است، زیرا ظرف مدت چهار هفته مقرر در ماده ۶-۱۴ قرارداد [ماده ۷-۱۴ قرارداد ۱۲۰] بدانها اعتراض نکرد. ماده مزبور مقرر می‌دارد که "کلیه گواهیهای پرداخت ظرف ۴ هفته پس از دریافت صورتحسابهای مربوطه، در صورتیکه هیچگونه ایرادی موجود نباشد به پیمانکار داده خواهد شد".

۱۰۳ - وزارت دفاع، هم انکار می‌کند که صورتحسابها را قبل از رسیدگیهای حاضر دریافت کرده و هم منکر آن است که طبق ماده ۶-۱۴ مکلف بوده ظرف ۴ هفته بدانها

اعتراض کند. وزارت دفاع استدلال می‌کند که صورتحسابها طبق روشهای قراردادی جریان نیافته و در هر صورت، مدعی است که به موقع و به نحو مقتضی به صورتحسابها اعتراض کرده است.

۱۰۴ - از نظر دیوان، ماده ۶-۱۴ قراردادهای [ماده ۷-۱۴ در قرارداد ۱۲۰] باید همراه با ماده ۱-۶ مورد ملاحظه قرار گیرد که مقرر می‌دارد:

"در صورتیکه پیمانکار هر یک از وظایف و تعهدات خود را طبق این قرارداد بطور صحیح انجام ندهد، کارفرما پیمانکار را کتبا از خطاها یا قصور او آگاه نموده و تاریخی را برای رفع این ایراد بدون هیچگونه تاخیر در برنامه زمانی مصوبه و یا هزینه های اضافی برای کارفرما تعیین خواهد نمود..."

۱۰۵ - منظور از دو ماده مزبور نه تنها آن است که پیمانکار فرصت عادلانه‌ای برای رفع نواقص داشته و وجه خود را بموقع دریافت کند، بلکه همچنین اجتناب از مشکلات مربوط به اثبات نحوه انجام کار است، که در یک پروژه ساختمانی پیچیده، در صورت عدم اعتراض بموقع به نحوه اجرای تعهدات قراردادی مسلماً بروز می‌کند. مواد مزبور برای وزارت دفاع این وظیفه را ایجاد می‌کند که اعتراض خود را به صورتحسابها، بموقع، کتبا و دقیقاً اظهار کند. انکار ادعاها بصورت کلی و یا عدم پرداخت صورتحسابها کافی نیست تا طبق مقررات قراردادی یاد شده، در حکم اعتراض تلقی شود. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، ص ۲۵ (انگلیسی) در پرونده سیلوانیا، (منتشره در 316 Iran-U.S. C.T.R. 8) ، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱، ص ۲۶-۲۷ (انگلیسی) در پرونده کوئستیک ، (منتشره در 126 Iran-U.S. C.T.R. 9) ، و حکم شماره ۱-۹۳-۲۸۹، پاراگراف ۶۲، صادره در پرونده فورد ارواسپیس (منتشره در 41 Iran-U.S. C.T.R. 14) .

۱۰۶ - از سوی دیگر، راکول ملزم بوده صورتحسابهایش را طبق روشهای مربوطه قراردادی

به جریان بیاندازد. ازجمله مهمترین ارکان این روشها، ارزیابی پیشرفت کارها توسط هریس و حسابرسی توسط توش راس بوده است (۱۰). هریس گزارشهای معمولی ماهانه‌اش را تا آخر ژانویه ۱۹۷۹، و گزارش متفاوتی برای ماه فوریه ۱۹۷۹ که عمدتاً حاوی شرح واقعیات و رویدادهای مربوط به پروژه آیبکس در طول آن ماه بوده، تسلیم کرد (۱۱).

۱۰۷- توش راس، حسابرس پروژه، در مورد ارزیابی پیشرفت کارها برای دوره بعد از دسامبر ۱۹۷۸ اطلاعی از هریس دریافت نکرد. وی کماکان صورتحسابها را دریافت می‌کرد و به وزارت دفاع اطلاع می‌داد که صورتحسابها بر مبنای ارزیابی پیشرفت کارها به میزان صد درصد تنظیم شده، لکن از توصیه راجع به پرداخت آنها خودداری می‌کرد. بنابراین، بحثی نیست که صورتحسابهای راکول از ژانویه ۱۹۷۹ طبق روشهای مقرر در قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ جریان پیدا نکرد و هنگامی که توش راس در ۲۱ فروردین‌ماه ۱۳۵۸ [دهم آوریل ۱۹۷۹] اطلاعیه فورس ماژور را تسلیم و سرانجام طی نامه ۲۶ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹] قراردادش را با وزارت دفاع فسخ کرد، روشهای مزبور به کلی متوقف گردید. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۴۸۰-۱۹۷، ص ۱۵ (انگلیسی) در پرونده توش راس (منتشره در Iran- U.S. C.T.R. 295).

۱۰۸- از نظر دیوان، متوقف شدن کامل روشهای تسلیم صورتحسابها، وزارت دفاع را از وظیفه قراردادیش مبنی بر اعتراض بموقع و کافی به صورتحسابهایی که دریافت

(۱۰) حدود و چارچوب وظایف به طور مفصل در دستورالعمل توش راس بنام "دستورالعمل حسابرسی هزینه و اصول و روشهای هزینه قرارداد ایران، (راکول اینترنشنال سیستمز اینک، پیمانکار قسمت تسهیلات"، شرح داده شده است.

(۱۱) "گزارش برنامه" دیگری به تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] به تقاضای ویژه وزارت دفاع توسط هریس تهیه شد، لکن این امر خارج از تشریفات مربوط به تهیه و تسلیم صورتحساب بوده است.

کرده یا فرض بر این است که دریافت کرده، معاف نمی سازد. طبق قراردادهای وزارت دفاع وظیفه داشت صورتحسابهایی را که توسط پیمانکاران تسلیم می شد کنترل نماید. اگر وزارت دفاع قادر نبود، و یا نمی خواست سیستم موجود تسلیم و تأیید صورتحسابها را حفظ کند، می بایست مطابق با توافقهای قراردادی با پیمانکاران آیکس، روشهای دیگری برای کنترل تعیین نماید. دلیلی در دست نیست که چنین کوششی صورت گرفته باشد.

۱۰۹ - هرگونه استنباطی از عدم اعتراض وزارت دفاع فقط در صورتی جایز است که راکول ثابت کند که وزارت دفاع صورتحسابها را واقعا دریافت کرده و یا باید فرض شود که دریافت کرده است. در آنصورت این وظیفه به وزارت دفاع منتقل می شود که ثابت کند که واقعا طبق روش مقرر در قرارداد به صورتحسابها اعتراض کرده است. برای اثبات تحویل صورتحسابها توسط راکول به وزارت دفاع، صورتحسابها برحسب تاریخ اساسا به سه دوره زمانی تقسیم می شوند: (۱) نوامبر ۱۹۷۸ تا مارس ۱۹۷۹، (۲) آوریل تا ژوئن ۱۹۷۹، و (۳) ژوئیه تا اوت ۱۹۷۹.

۱۱۰ - دیوان داوری، بر مبنای سوابق موجود متقاعد شده است که وزارت دفاع صورتحسابهای ماهانه دوره نوامبر ۱۹۷۸ تا مارس ۱۹۷۹ را واقعا دریافت کرده است. راکول این صورتحسابها را به توش راس حسابرس پروژه، تسلیم و توش راس، بطوری که از نامه وی که همراه صورتحسابهاست معلوم می شود، آنها را برای وزارت دفاع ارسال کرد. این واقعیت که صورتحسابهای مزبور در جلسه مورخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] "مجددا" تسلیم شد بدان معنی نیست که قبلا تسلیم نشده بودند، بلکه به عکس، خلاف آنرا می رساند.

۱۱۱ - اینکه صورتحسابهای دوره آوریل تا ژوئن ۱۹۷۹ واقعا به وزارت دفاع واصل شد یا

نه، تا این حد روشن نیست. صورتحسابهای آوریل تا مه ۱۹۷۹ نیز، نامه‌های توش راس به وزارت دفاع را به‌مراه دارد. لیکن در این نامه‌ها اظهار شده است: "نسخ اصل صورتحسابها و مدارک موید جهت اقدام جدید طبق صلاحدید پیمانکار به وی عودت داده شد". صورتحساب ژوئن ۱۹۷۹ نامه‌ای از جانب توش راس به وزارت دفاع به‌مراه ندارد، ولی نامه‌ای از راکول به توش راس به آن منضم است.

۱۱۲ - احتمال دارد که توش راس پس از دستوری که ادعا می‌شود در اواسط فوریه ۱۹۷۹ از طرف سرهنگ جلالی نماینده وزارت دفاع در ایالات متحده صادر شد مبنی بر اینکه تحویل اطلاعات مربوط به پروژه آیکس به ایران متوقف شود، رویه خود را تغییر داده باشد. راکول نامه‌ای به تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۰ مارس ۱۹۷۹] از سرهنگ جلالی به هریس تسلیم نمود که در این چنین آمده است:

باتوجه به وضعیت فعلی برنامه ما، موجب امتنان خواهد بود اگر موقتاً توزیع کلیه اطلاعات تحویل شدنی برنامه را متوقف سازید. از این به بعد هیچگونه اطلاعات تحویلی ارسال ننمایید، مگر در صورت تقاضا. کلیه این قبیل اطلاعات را نگهدارید و بعنوان بخشی از کتابخانه مرکزی خویش جهت برنامه حفظ فرمایید.

۱۱۳ - در هر صورت، دیوان متقاعد شده است که صورتحسابها به توش راس تسلیم شده است. توش راس، در سمت حسابرس پروژه آیکس، بعنوان نماینده وزارت دفاع عمل می‌کرده است. از آنجا که وزارت دفاع، توش راس را به این سمت منصوب کرده بود، هرگونه قصوری از جانب توش راس در رسیدگی صحیح به صورتحسابها، متوجه وزارت دفاع است. بنابراین، تحویل صورتحسابها به توش راس، در حکم دریافت آنها توسط وزارت دفاع است.

۱۱۴ - صورتحسابهای ماههای ژوئیه و اوت ۱۹۷۹ نامه‌ای نه به توش راس و نه به وزارت

دفاع به همراه ندارند. در توضیح این امر، شاید بتوان گفت که توش راس طی اطلاعیه ۲۶ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹]، قراردادش را با وزارت دفاع فسخ کرد. لیکن علی رغم این واقعیت، مدرکی در دست نیست که نشان دهد صورتحسابهای مزبور واقعا قبل از جلسه مورخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] به وزارت دفاع تحویل شده باشد.

۱۱۵ - معذک، دیوان داوری بر اساس ادله و مدارک مستندی که در اختیار دارد، متقاعد شده است که راکول در جلسه مورخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹]، صورتحسابهای ماههای نوامبر ۱۹۷۸ الی ژانویه ۱۹۷۹ را "مجددا" تسلیم و نیز یک صورتحساب کلی شامل دوره فوریه ۱۹۷۹ "تا تاریخ فسخ"، که شامل هزینه‌های برآوردی بعد از سپتامبر ۱۹۷۹ نیز بود، ارائه کرد. بادر نظر گرفتن اینکه باید فرض شود که وزارت دفاع صورتحسابهای ماهانه تا آخر ژوئن ۱۹۷۹ را دریافت کرده است و نیز اینکه روشهای قبلی تنظیم و تسلیم صورتحساب از بین رفته بود، دیوان بر این نظر است که تسلیم صورتحساب "کلی" کافی است تا بتوان صورتحسابها را "تحویل شده" تلقی کرد، حتی اگر احتمالا نوع صورتحساب در وظیفه وزارت دفاع مبنی بر اعتراض کافی، موثر بوده باشد. در نتیجه، این مسئولیت برعهده وزارت دفاع قرار می‌گیرد که استدلال دفاعی خود را ثابت کند که به قدر کافی اعتراض کرده است.

۱۱۶ - مدرکی در سوابق موجود نیست که نشان دهد که وزارت دفاع، چه در جلسه ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] و چه بعد از آن، اعتراض مشخصی، بجز انکار کلی ادعاهای راکول حداقل درمورد اجرای قرارداد پس از ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۰ فوریه ۱۹۷۹] بعمل آورده باشد. اصولاً، این قبیل انکار کلی، ضوابط مقرر در قراردادها را برآورده نمی‌سازد. رجوع شود به: پاراگراف ۱۰۵ بالا.

بنابراین، تنها موضوعی که در این رابطه می‌توان مطرح کرد اینست که آیا باوجود این، چنین انکار کلی را می‌توان تحت اوضاع و احوال پرونده حاضر کافی دانست یا خیر. در این مورد، وزارت دفاع استدلال می‌کند که چون اسناد و اطلاعات موید قراردادی را در دست نداشته در وضعی نبوده که بطور مشخص تر اعتراض کند، و لذا ملزم به اینکار هم نبوده است.

۱۱۷ - بحثی نیست که راکول کلیه اطلاعات موئید، به ویژه "گزارشهای راکول" را، طبق الزامات مندرج در شرح کار، مستقیماً به وزارت دفاع تحویل نداد. وزارت دفاع اظهار می‌دارد که در جلسه مورخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] وی برای هر صورت حساب پرداخت نشده "گزارش صورت وضعیت"، و همچنین "فهرستهای تجهیزات و موجودی" درخواست کرد، لکن این مدارک را تا هنگام ثبت در دیوان در طول رسیدگیهای حاضر دریافت نکرد. از سوی دیگر، راکول استدلال می‌کند که مطابق با رویه قبلی و معمول قراردادی، اطلاعات مربوطه را فقط به توش راس تسلیم کرده و تا زمانی که توش راس و هریس خدمت وزارت دفاع را ترک کردند به همین نحو ادامه داده است. راکول این موضع را اتخاذ می‌کند که چون وزارت دفاع اعتراضی به عدم دریافت این اطلاعات در طول عمر قرارداد نکرد، از حق خود نسبت به دریافت نسخه اضافی اطلاعات قرارداد، صرفنظر کرده است.

۱۱۸ - دیوان داوری در وهله اول بر این نظر است که، اگر وزارت دفاع در هر زمانی، عدم ارائه مستقیم اطلاعات توسط راکول به خود را نقض تعهدات قراردادی از طرف راکول تلقی می‌کرد، می‌بایستی طبق الزام ماده ۱ - ۶ قراردادها مراتب را کتبا به راکول اطلاع می‌داد و مهلتی را جهت جبران این قصور تعیین می‌کرد. مدرکی وجود ندارد که وزارت دفاع هرگز چنین کاری کرده باشد.

۱۱۹ - بعلاوه، دیوان داوری بر مبنای ادله و مدارک موجود نزد خود متقاعد نشده است که وزارت دفاع در جلسه مورخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] اطلاعیه کافی در مورد ایرادات و اعتراضات خود، به راکول تسلیم کرده است و به ویژه اینکه چه اطلاعاتی را برای بررسی صورتحسابها لازم می‌داند و یا اینکه بررسی و پرداخت صورتحسابهای پرداخت نشده منوط به دریافت این قبیل اطلاعات می‌باشد، مشخص نکرده است. ادله و مدارک تسلیمی راجع به جلسه سپتامبر، شامل گزارشی است به تاریخ سوم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹] در مورد آن جلسه که توسط یکی از نمایندگان راکول تهیه گردیده، و نیز سوگندنامه احسان الله صمیمی مفخم. احسان الله صمیمی مفخم از سال ۱۹۷۶ در سمتهای مختلف در وزارت دفاع خدمت می‌کرده، و از جمله مسئول روابط عمومی، رئیس امور اداری و مسئول رسیدگی به قراردادهای معلق شده وزارت دفاع بوده است. در سال ۱۹۸۰، مسئولیت اسناد و سوابق پروژه آیکس به وی محول گردید. وی در سوگندنامه خود شهادت داده است که:

واقعتهای مربوط به مذاکرات سپتامبر ۱۹۷۹ که در لایحه قبل از استماع وزارت دفاع منعکس گردیده، با یادداشتهای خانم فاطمه دادبه و سرهنگ اسکندرزاده منطبق بوده و صحیح است.

استنباط دیوان اینست که احسان الله صمیمی شخصا در جلسه مورخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] حضور نداشته است. لذا، ارزش استنادی این سوگندنامه محدود به این است که اظهارات وزارت دفاع با یادداشتهای خانم دادبه و سرهنگ اسکندرزاده منطبق است. عین این یادداشتهای در رسیدگیهای حاضر ارائه نشده است.

۱۲۰ - با توجه به این واقعتهای، تنها مدرک مستندی که در رابطه با ماقوع جلسه سپتامبر

تا حدی واجد ارزش است گزارش راکول درمورد آن جلسه است. گرچه این گزارش برای استفاده داخلی خود وی تهیه شده، معیناً سند همزمانی است که در آن ماقع جلسه به تفصیل فراوان تشریح شده است. دیوان داوری با وزارت دفاع همعقیده نیست که گزارش مزبور باید بعنوان یک سند "ساختگی" به کلی مردود شمرده شود. در واقع وزارت دفاع در طول مدافعاتش به تفصیل راجع به این گزارش بحث کرده است. با در نظر گرفتن اظهارنظرهای وزارت دفاع، دیوان نتیجه می‌گیرد که درمورد بخشی از مطالب مندرج در گزارش، اختلافی وجود ندارد، و یا حداقل به قدر کافی مورد ایراد وزارت دفاع واقع نشده است. بحثی نیست که راکول گزارشهای صورت وضعیت را در آن جلسه تسلیم کرده، گو اینکه درمورد کفایت آن گزارشها اختلاف نظر وجود دارد. همچنین وزارت دفاع بطور مشخص، مطالب مندرج در گزارش را مبنی بر اینکه راکول فقط ملزم است "گزارشهای صورت وضعیت" و صورتحسابهای اجرای قرارداد تا ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [دهم فوریه ۱۹۷۹] را ارائه نماید و قابل قبول است که وی این گزارشها را به توش راس یا هریس تحویل نماید، انکار نکرده است. همچنین، اختلافی نیست که، حداقل برای دوره منتهی به فوریه ۱۹۷۹، راکول اطلاعات قراردادی، از جمله گزارشهای راکول را به توش راس و/ یا به هریس تسلیم کرد. هریس، زمانی که به تقاضای ویژه وزارت دفاع، "گزارش برنامه" مورخ هفتم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] خود را تهیه می‌کرد، از این گزارشها اطلاع داشت. بنابراین، روشن نبود که وزارت دفاع دقیقاً از راکول چه می‌خواهد و یا موضع وی درمورد صورتحسابهای مربوط به اجرای قرارداد پس از ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [دهم فوریه ۱۹۷۹] چه بوده است.

۱۲۱- در گزارش همچنین ذکر شده که راجع به صدمات ادعایی به مجتمع مرکزی، به راکول اطلاع بیشتر داده خواهد شد. همچنین در گزارش ذکر شده که در صورت

لزوم، وزارت دفاع جلسه دیگری ترتیب خواهد داد و نیز اینکه راکول نباید به وزارت دفاع مراجعت کند، مگر آنکه از وی خواسته شود.

۱۲۲ - راکول به تقاضای ویژه وزارت دفاع، طی نامه مورخ ۲۰ مهرماه ۱۳۵۸ [۱۲] اکتبر ۱۹۷۹] نشانی پستی خود در ایالات متحده را، رسماً" به وزارت دفاع اطلاع داد. در نامه چنین ذکر شده: "چنانچه سئوالی داشته باشید و یا اطلاعات دیگری مورد نیازتان باشد، لطفاً" به ما اطلاع دهید.... امیدواریم که در آتیه نزدیک رهنمودهای جدیدی راجع به حل موضوعات معوق به ما بدهید".

۱۲۳ - راکول اظهار می‌دارد که قبل از مطالبه وجوه اعتبارات اسنادی اتکایی، مراسله دیگری از وزارت دفاع دریافت نکرد. راکول دریافت نامه مورخ دهم دیماه ۱۳۵۸ [۳۱] دسامبر ۱۹۷۹] وزارت دفاع را انکار می‌کند، که حسب ادعا، در آن از راکول دعوت شده که "در ارتباط با تحویل کارهای تکمیل شده مشروح در گزارش صورت وضعیت قرارداد شماره ۱۱۹، که توسط شما تهیه و ارسال گردیده، و نیز به منظور تسویه حسابها..." نماینده‌ای به تهران اعزام دارد. راکول طی نامه مورخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۹ [۱۶] ژوئیه ۱۹۸۰ به وزارت دفاع اطلاع داد که نامه مورخ دهم دیماه ۱۳۵۸ [۳۱] دسامبر ۱۹۷۹] را دریافت نکرده است. معهذاً، صرفنظر از قصور وزارت دفاع در اثبات ارسال این نامه، منطقیاً" نمی‌توان از راکول انتظار داشت که از آن استنباط کند که برای بررسی و پرداخت صورتحسابهای تأدیه نشده، باید اطلاعات قراردادی بیشتری ارائه نماید.

۱۲۴ - راکول نامه‌ای به تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۹ [۱۶] ژوئیه ۱۹۸۰] از وزارت دفاع دریافت کرده که در قسمت ذیربط آن چنین آمده است:

گزارش قرارداد شماره ۱۱۹ که ... در جلسه مورخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹ ... تقدیم شد توسط مالک پروژه بررسی گردید ... [نامبرده] ... ضمن رد ادعای آن شرکت به شرح مذکور در گزارش یاد شده، خسارت وجوه پرداخت شده به شما را خواستار شد. ... نکات مندرج در جوابیه آن شرکت در مورد تعطیل دفاتر کار صحیح نیست، زیرا، طبق سوابق موجود، آن شرکت قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دفترش را در ایران بست. (تأکید در متن اصلی است).

در این نامه نیز، فقدان اطلاعات قراردادی بعنوان دلیل رد ادعاهای راکول ذکر نشده است.

۱۲۵ - با در نظر گرفتن نحوه عمل وزارت دفاع در آن زمان، دیوان داوری قانع شده است که وی اصولاً نمی خواسته است صورتحسابهای راکول بابت اجرای قرارداد پس از ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ [دهم فوریه ۱۹۷۹] را بررسی کند. علی رغم درخواستهای راکول، وزارت دفاع رهنمودهای روشنی به راکول نداد که برای انجام چنین بررسی به چه نوع اطلاعاتی نیازمند است. وزارت دفاع حتی در رسیدگیهای حاضر، استدلال می کرد که گزارشهای راکول، که حسب ادعا در جلسه مورخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] خواسته شده بود، صرفاً حاوی اطلاعات "مالی" است و لذا کاری را که واقعا انجام شده مشخص نمی کرد، زیرا فاقد مدارک مستند، مثل قبضهای رسید و ساعات کار است. لیکن، مدرکی وجود ندارد که نشان دهد که وزارت دفاع بطور مشخص چنین اسناد و مدارک اولیه و حجیمی را خواسته باشد.

۱۲۶ - نظر دیوان اینست که هرگونه ابهام یا اختلال در رابطه با تسلیم اطلاعات قراردادی لازم که از فرو ریختن سیستم قراردادی ارسال گزارش، حسابرسی و ارزیابی پیشرفت کار ایجاد شد، متوجه وزارت دفاع است زیرا وظیفه وزارت دفاع بود که

سیستم مزبور را حفظ یا مجدداً برقرار نماید. باتوجه به مختل شدن سیستم ارزیابی پیشرفت کار، وزارت دفاع حداقل می‌بایست دستورات روشن و مشخصی درباره اطلاعات قراردادی مورد لزوم به راکول می‌داد. بعلاوه، در رابطه با دوره بعد از جلسه ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] نیز، وزارت دفاع ثابت نکرده است که قصور وی در تقاضای اطلاعات مورد نیاز ادعایی جهت بررسی صورتحسابها، معلول شرایط فورس ماژور در ایران بوده است.

۱۲۷ - قصور وزارت دفاع در اقدام با حسن نیت جهت اعتراض صریح و مشخص و بموقع به صورتحسابهای راک ول، وضعی ایجاد کرد که راکول نمی دانست که برای تحصیل وجه از وزارت دفاع چه باید بکند. دیوان داوری در پرونده‌های قبلی آیکس نظر داده است که این نحوه عمل وزارت دفاع، این فرض را توجیه می‌کند که صورتحسابهای پیمانکاران مورد قبول قرار گرفته‌اند. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، ص ۲۵ (انگلیسی) در پرونده سیلوانیا، (منتشره در 8 Iran-U.S. C.T.R. 316، حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱، ص ۲۶ (انگلیسی) صادره در پرونده کوئستک (منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 126)، حکم شماره ۱-۴۸۰-۱۹۷، ص ۱۸ (انگلیسی) صادره در پرونده توش راس، (منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 298، حکم جزیی شماره ۱-۹۳-۲۸۹، پاراگراف ۶۲ صادره در پرونده فورد ارواسپیس، (منتشره در 14 Iran-U.S. C.T.R. 41، و حکم جزیی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، پاراگراف ۱۴۳ در پرونده هریس، (منتشره در 73 Iran-U.S. C.T.R. 17).

ب ب) نظر دلویت، هسکینز آند سلز

۱۲۸ - راک ول، مضافاً در تاعید ادعای خود، نظر شعبه کالیفرنای موسسه حسابداران

رسمی دلویت، هسکینز اند سلز در کالیفرنیا را ارائه نموده است. دلویت، هسکینز اند سلز، صورتهای راکول حاوی هزینههای متحمل طبق قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ را بررسی نمود. در نظر ابرازی این موسسه اظهار شده که حسابرسی "طبق ضوابط و موازین پذیرفته شده عمومی حسابرسی" انجام شده "و لذا شامل آن قبیل بررسی سوابق حسابداری و روشهای حسابرسی بوده که در اوضاع و احوال حاضر توسط ما ضروری تلقی می شود." پس از این بررسی، در نظر ابرازی اظهار شده که صورتهای راکول حاوی مبلغ کل ۶۵،۸۴۷،۸۲۲ دلار هزینه متحمل "به نحو صحیحی بیانگر هزینههای متحمل راکول اینترنشنال سیستمز اینک تحت قراردادهای فوق‌الاشعار از زمان انعقاد آنها تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] و ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۵ [۳۱ مارس ۱۹۸۶]، می باشد."

۱۲۹ - روش مورد عمل در بررسی دلویت، هسکینز اند سلز با روشی که راکول در تهیه صورتحساب هزینه‌هایش به کار برده متفاوتست. بنابراین، لازمست نظر این موسسه از چند جهت تعدیل گردد تا معلوم شود ادعا را تأیید می کند یا نه. اولاً، در حسابرسی، رقم کل هزینه‌ها ذکر شده، درحالیکه در صورتحسابها، علاوه بر هزینه‌ها، ۷۰ درصد حداقل حق الزحمه نیز منظور شده است. ثانياً "حسابرسی دوره منتهی به مارس ۱۹۸۶ را در برمی گیرد و بنابراین باید به تاریخ فسخ یعنی نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹]، که دیوان تعیین نمود، تعدیل گردد. پس از انجام این تعدیلات، در نظر حسابرسی، کل هزینه‌های انجام شده حتی قدری بالاتر از هزینه‌های صورتحساب شده راکول بابت دوره منتهی به نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] می باشد (۱۲).

(۱۲) همانطور که راکول در جلسه استماع توضیح داد، پاره‌ای اختلاف حسابها از این رویه راکول ناشی شده که در ارسال صورتحساب هزینه‌های پیمانکارها فرعی، قدری تأخیر می کرده است.

۱۳۰ - دیوان داوری به این واقعیت توجه می‌نماید که نظر حسابرسی بر مبنای شرح وظایف ارجاعی راکول تهیه شده و البته، دلویت، هسکینز اند سلز در موقعیتی نبوده که هزینه‌های انجام شده را طبق روشهای تسلیم و تأیید صورتحساب مقرر در قراردادها، تعیین نماید. معذک، دیوان قانع شده است که نظر یاد شده طبق ضوابط پذیرفته شده عمومی حسابرسی تهیه گردیده و از این لحاظ نیز که کوشیده تا کار توش راس را که متوقف گردیده بود، انجام دهد، ادعا را تأیید می‌کند.

ج ج) صورتحسابها و اطلاعات موید

۱۳۱ - راکول علاوه بر صورتحسابهای ماهانه، با تسلیم خلاصه صورتحسابهای مشتمل بر شرح هزینه‌ها و ذکر حق الزحمه هر تکلیف، و تفکیک خدمات به تکلیفهای جداگانه همراه با صورتحسابهای جداگانه با ذکر هزینه‌ها، حق الزحمه‌ها، کسر پیش پرداخت و مبلغ منظور در صورتحساب برای هر تکلیف و همچنین پاره‌ای اطلاعات دیگر، ادعاهای خود را به نحو مشروحتری ثابت و مستند ساخته است. علاوه بر این، راکول "گزارشهای راکول" را که طبق الزام قراردادها برای هر ماه تهیه کرده بود، تسلیم داشته است. این گزارشها، از جمله مشتمل است بر تشریح کلی و خلاصه کار انجام شده تا آن تاریخ، کار انجام شده در طول ماه مورد بحث و کاری که قرار بود در طول ماه بعدی انجام شود و نیز شامل توصیف کار انجام شده در آن ماه به تفکیک تکالیف است. طبق رویه مقرر ارسال صورتحساب، راکول می‌بایست این "گزارشهای ماهانه" را به هریس ارائه می‌داد، که وی ارزیابی خود از پیشرفت کار را بر مبنای این گزارشها تهیه می‌کرد.

۱۳۲ - گزارشهای دوره ماه نوامبر ۱۹۷۸ تا اوت ۱۹۷۹ راکول نشان می‌دهد که راکول پس از اعلام فورس ماژور، از میزان کارش در کارگاه پروژه به مقدار قابل

ملاحظه‌ای کاست، لکن در خارج از ایران همچنان به کار ادامه داد، پیمانکاران فرعی خود را کماکان حفظ کرد و پروژه را در حال تعلیق نگاه داشت. هزینه‌های انجام شده در این وضعیت به تدریج کاهش یافت و به مراتب پایینتر از ارقام برنامه مالی باقی ماند. در اسناد و مدارک، اقلام مختلف هزینه و نوع فعالیتی که ادامه یافت مشخص شده است. درست است که پاره‌ای گزارشها برای مراحل اولیه پروژه به مراتب مفصلتر بوده لیکن بعنوان مثال گزارش نوامبر ۱۹۷۸ را که اول، به همان شکل و ترتیب و شامل همان نوع اطلاعاتی است که در گزارشهای ماههای ژانویه تا اوت ۱۹۷۹ وجود دارد، و توش راس و هریس آن را پذیرفته و به استناد آن پرداخت صورتحسابها را توصیه نمودند. بنابراین، این استدلال که گزارشهای مذکور منطبق با الزامات قراردادی نبوده‌اند، مبنائی ندارد.

۱۳۳ - وزارت دفاع، مضافاً استدلال می‌نماید که گزارشهای راکول هیچگونه ارزش استنادی ندارد زیرا، اساساً حاوی "اطلاعات مالی" است، و اجرای قرارداد را قلم به قلم ثابت نمی‌کند. این اظهار صحیح است، لیکن این تمام آن چیزی بود که راکول طبق قرارداد ملزم به ارائه آن در گزارشهای مزبور بوده است. حسابرسی، تاعیید و ارزیابی پیشرفت واقعی کار، وظیفه توش راس و هریس بود. همانطور که در بالا توضیح داده شد، وزارت دفاع می‌بایست بجای این پیمانکاران، پیمانکاران دیگری انتخاب می‌کرد و لذا باید عواقب قصور خود را در انجام اینکار بپذیرد. بنابراین، در نبود اعتراضات مشخص، اطلاعات قراردادی که راکول ارائه نموده، ادعای وی را بیشتر تاعیید می‌کند.

د د) اعتراضات مشخص به قابلیت وصول هزینه‌ها

۱۳۴ - این مسأله باقی می‌ماند که آیا راکول طبق قرارداد، استحقاق دریافت این هزینه‌ها را دارد یا خیر. طبق ماده ۷ - ۶ قرارداد، در صورت فسخ قرارداد توسط وزارت دفاع، راکول استحقاق دریافت "هزینه‌های واقعی تا تاریخ فسخ" را دارد. راکول موظف است که به صورت قاطعی ثابت کند که کلیه بخشهای ادعا مشمول تعریف "هزینه‌های واقعی" قابل دریافت طبق ماده ۷ - ۶ می‌باشد. وزارت دفاع در این زمینه چند ایراد مشخص مطرح ساخته است.

(الف) "تعدیلات خالص"

۱۳۵ - راکول، طی صورتحساب شماره ۱۱۹ - ۱۶. برای ژانویه ۱۹۷۹، کلاً مبلغ ۶،۱۷۹،۲۵۷ دلار بابت "تعدیلات خالص" برای وزارت دفاع صورتحساب فرستاد. این رقم جمع مبالغی است که از هزینه‌های صورتحساب شده بر مبنای درصد ارزیابی هریس از پیشرفت کار کسر شده است. طبق ضمیمه الف اصلاحیه "ب" روشهای تأیید و جریان صورتحساب، هریس همراه کار انجام شده تا آن تاریخ را ارزیابی می‌کرد و آن را با کاری که طبق برنامه زمانی پروژه می‌بایست انجام می‌گرفت مقایسه و درصدی که معروف به درصد ارزیابی پیشرفت کار بود تعیین می‌کرد. این درصد منحصرًا مربوط به زمان بندی اجرای کار بود و نه به حدود اجرا در رابطه با هزینه‌های انجام شده. توش راس، این درصد را به کل هزینه‌های صورتحساب شده تا آن تاریخ یا به هزینه‌های پیش بینی شده، هر کدام که کمتر بود، اعمال می‌کرد و به مبلغی می‌رسید که بعد آن را برای پرداخت توصیه می‌نمود. سپس وزارت دفاع مبلغ توصیه شده را به راکول پرداخت و مابه‌التفاوت آن با کل هزینه‌های صورتحساب شده را کسر می‌کرد.

۱۳۶ - بنابراین، مبالغی که وزارت دفاع حق داشت بر مبنای درصد ارزیابی پیشرفت کار کسر کند، انگیزه دیگری برای اجرای بموقع کار و یا جریمه‌ای برای تأخیر در اجرا بود. از آنجا که کسر این مبالغ صرفاً مربوط به زمان بندی اجرا بود، لذا پس از اینکه وزارت دفاع قراردادهای را به صلاحدید خود فسخ کرد، دیگر قابل توجیه نبود. مبالغ کسر شده، هزینه‌های واقعی اجرای قراردادهای بود و از اینرو راکول طبق ماده ۶-۷ قراردادهای، استحقاق دریافت آنها را دارد. (۱۳)

(ب) اجازه عقد قراردادهای فرعی

۱۳۷ - بموجب ماده ۹ قراردادهای راکول ملزم بود برای عقد قراردادهای فرعی، قبلاً اجازه وزارت دفاع را کسب کند. قسمت مربوطه این شرط بدین شرح است: "قیمت و (شرح کار) پیمانهای دست دوم و هرگونه تغییرات یا تصمیم بعدی درباره آنها، اعم از فنی یا مالی نیاز به تصویب قبلی کارفرما دارد". اختلافی نیست که راکول در ابتدا چنین اجازه قبلی را از مقامات صالحه ایرانی تحصیل نکرد. این مسأله در یک سلسله جلسات مذاکره در آوریل و مه ۱۹۷۸ توسط نمایندگان طرفین مورد بحث قرار گرفت و متعاقب این جلسات، راکول در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ [سوم مه ۱۹۷۹] نامه‌ای به وزارت دفاع نوشت و از اشتباه خود عذر خواهی کرد. سندی تحت عنوان "خلاصه‌ای از قرارداد فرعی" پیوست این نامه بود، که در آن، در زمره نامهای دیگر، نام فیش باخ - عمان بعنوان پیمانکار فرعی متصدی ساختمان مجتمع مرکزی ذکر و رقم ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ دلار تحت عنوان

(۱۳) گرچه بموجب ماده ۲-۶ در صورت فسخ به دلیل فورس ماژور "باید قیمت خدماتی که تا این زمان ... انجام گردیده بر طبق آخرین گزارش ماهیانه پیشرفت مورد قبول خریدار پرداخت شود"، معهذاً، تفسیر دیوان اینست که از این اشاره به "آخرین گزارش ماهیانه پیشرفت"، وضعیت واقعی اجرا مورد نظر بوده، نه زمان آن و کسورات مبتنی بر ارزیابی پیشرفت کار توسط هریس.

"تعهدات / هزینه‌های جاری" قید شده بود. وزارت دفاع این عبارات را چنین تعبیر می‌کند که حداکثر هزینه مجاز برای مجتمع مرکزی ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار بوده و لذا، راکول استحقاق دریافت هزینه دیگری اضافه بر این مبلغ ندارد.

۱۳۸ - لیکن استنباط دیوان این است که منظور از نامه راکول این بوده که حدود و حجم تقریبی قراردادهای فرعی را به صورتی که در آن تاریخ وجود داشته به وزارت دفاع اطلاع دهد، نه آنکه سقفی برای هزینه قراردادهای فرعی تعیین نماید و این امر از این واقعیت مشهود است که در پیوست نامه راکول ذکر شده که سند پیوست مربوط به تعهدات "جاری" است. بدیهی است که تنها برای تکلیف ۲، که فیش باخ - عمان پیمانکار فرعی عمده آن بود، وجه بیشتری مورد انتظار بود زیرا هزینه اجرای آن بدواً ۳۵،۳۵۰،۲۴۴ دلار برآورد و تصویب شده بود. در واقع، وزارت دفاع، هزینه‌های قرارداد فرعی فیش باخ - عمان تا آخر اکتبر ۱۹۷۸ (برای کلیه کارها) را به مبلغی به مراتب بیشتر از رقم ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار تصویب و پرداخت کرده است.

۱۳۹ - صورت مذاکرات جلساتی که در آوریل و مه ۱۹۷۸ برگزار شد نشان می‌دهد که ایران سرانجام قراردادهای فرعی موجود را تصویب کرد، لکن درخواست نمود که روش انتخاب پیمانکاران فرعی در آتیه تغییر یابد. راکول طبق این تقاضا عمل کرد، که این امر منجر به تاخیراتی در اجرای قرارداد گردید. رجوع شود به: پاراگراف‌های ۶۵-۱۶۴ و ۱۶۹ در زیر. مدرکی حاکی از اعتراضات جدیدی از طرف وزارت دفاع در مورد قراردادهای فرعی بعد از نامه مورخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۷ [سوم مه ۱۹۷۸] راکول در دست نیست. بنابراین، دیوان متقاعد شده است که وزارت دفاع، قرارداد فرعی فیش باخ - عمان را تصویب کرد و استنباط هیچیک از طرفین از تصویب آن چنین نبود که ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار بعنوان سقف هزینه انجام

این قرارداد فرعی تعیین شود.

ه ه) ادله و مدارک معارض

۱۴۰ - در رسیدگیهای حاضر، وزارت دفاع بعنوان مدارک معارض، لیست بدون تاریخی تحت عنوان "صورت نواقص کارهای ساختمانی و نصب در ساختمانهای مجتمع مرکزی آبیکس" ارائه نموده که توسط گروهی از مهندسان نیروی هوایی ایران تهیه شده و در آن نواقص و نارساییهای ساختمانی ادعایی متعددی صورت شده است. لیکن صورت یاد شده برای اولین بار در ۱۱ اسفندماه ۱۳۶۵ [دوم مارس ۱۹۸۷] یعنی متجاوز از شش سال پس از آنکه راکول به کلی از ایران خارج شده بود، ثبت شد. باتوجه به اینکه این صورت پس از چنین مدت زمان طولانی تهیه شده و احتمالاً کارگاه ساختمانی در طول این مدت دچار آسیبهایی شده که راکول را نمی توان مسئول آن دانست، ارزش استنادی این صورت باید مورد تردید قرار گیرد. علاوه براین، صورت مزبور نشان نمی دهد که چه کارهای ساختمانی تمام نشده‌ای می‌بایست طبق برنامه زمانی پروژه و صورتحسابهای راکول تکمیل می‌شد. بحثی نیست که پروژه آبیکس هرگز به پایان نرسید. از اینرو، وزارت دفاع قیمت تکمیل قرارداد را پرداخت نکرد، و حتی کمتر از مبلغ منظور شده در برنامه مالی برای این مرحله از کارهای پروژه پرداخت نمود. بنابراین، دیوان قادر نیست بر مبنای صورت مزبور، آن قسمت از کارهایی را که در واقع انجام نشده ولی بابت آنها برای وزارت دفاع صورتحساب ارسال شده، مشخص نماید.

و و) نتیجه گیری

۱۴۱ - با در نظر گرفتن مجموعه ادله و مدارک، دیوان داوری نتیجه می‌گیرد که ادعای

مربوط به صورتحسابهای دوره منتهی به اوت ۱۹۷۹، به قید انجام پاره‌ای تعدیلات، به قدرکافی مدلل، مستند و قاطع است و بنابراین، راک ول، حداقل بطور علی‌الظاهر، ادعای پرداخت صورتحسابها را توجیه کرده است. در مواردیکه اثبات واقعیات اصلی ادعا متضمن مشکلات فراوان و استنباط واقعیات از ادله و مدارک معقول باشد، ادله و مدارک محمول برصحت (*prima facie evidence*) باید مبنای قابل قبولی برای ادعا، شناخته شود. این امر، به ویژه در مواردی صادق است که مشکلات اثبات، ناشی از این باشد که خواننده در اعتراض بموقع و بنحوی که خواهان بتواند ادعای خود را به قدر کافی اثبات نماید، قصور کرده باشد. در چنین حالتی، ضوابط سهولتری برای اثبات (ادعا) قابل قبول است. مقایسه‌شود با D. Evidence Before International Tribunals 169-74 (rev. ed. Sandifer, 1975)

۱۴۲ - دیوان دآوری، ادله و مدارک تسلیمی وزارت دفاع را برای رد ادعای راک ول، که بطور علی‌الظاهر احراز شده، کافی نمی‌داند. وزارت دفاع، نه در مذاکرات خود با راکول در زمان اجرای پروژه و نه در رسیدگیهای حاضر، اعتراضات خود را به صورتحسابها دقیقاً مشخص نکرد. درعین حال، انکار کلی همه ادعاها، برای ایفای تعهد مربوطه وزارت دفاع تحت قراردادهای و یا الزامات ماده ۱۹ قواعد دیوان، کافی نیست.

۱۴۳ - مطلبی که باقی می‌ماند، تعیین سر رسید پرداخت مبالغی است که صورتحساب شده است. نقطه شروع در این رابطه، ماده ۶-۱۴ قراردادهاست که مقرر می‌دارد: "کلیه گواهیهای پرداخت ظرف ۴ هفته پس از دریافت صورتحسابهای مربوطه، در صورتیکه هیچگونه ایرادی موجود نباشد به پیمانکار داده خواهد شد." [ماده ۷-۱۴ قرارداد ۱۲۰]. ماده ۷-۱۴ قرارداد ۱۱۹ همچنین مقرر می‌نماید که "هیچکدام از

صورتحسابها پرداخت نخواهد شد، مگر به وسیله مشاوران قراردادی کارفرما مورد تأیید قرار گیرند." بحثی نیست که راکول قادر نبود برای اکثر صورتحسابهای پرداخت نشده خود از این مشاوران گواهی بگیرد. لیکن، همانطور که در بالا گفته شد، این امر معلول فرو ریختن سیستم ارسال و تأیید صورتحساب بود، که اصولاً باید مسئولیت وزارت دفاع تلقی شود. در این اوضاع و احوال، صدور یا عدم صدور گواهیها را نمی توان ضابطه تعیین کننده در تعیین سررسید پرداخت صورتحسابها دانست.

۱۴۴ - دیوان داوری، مضافاً این مطلب را مد نظر قرار می دهد که شرایط فورس ماژور در ایران ممکن است موجب شده باشد که برقراری مجدد روشهای مناسب برای بررسی صورتحسابها درمورد قراردادهای اساسی و پیچیده ای که در پرونده حاضر مورد بحث است، به تأخیر بیفتد. در چنین اوضاع و احوالی، چهار هفته مقرر در ماده ۶-۱۴ قراردادها برای اعتراض وزارت دفاع به صورتحسابها بعد از تحویل آنها را نمی توان عیناً رعایت کرد. لیکن با وجود این، دیوان بر این نظر است که وزارت دفاع می بایستی ظرف مدت معقولی پس از جلسه مورخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] کلیه صورتحسابها را بررسی می کرد و چنانچه ایرادات مشخصی نداشت، همه را می پرداخت. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۴۸۰-۱۹۷، ص ۱۷ (انگلیسی) صادره در پرونده توش راس، (منتشره در 297 Iran-U.S. C.T.R. 9) ، حکم جزیی شماره ۱-۹۳-۲۸۹، پاراگراف ۶۲ صادره در پرونده فورد ارواسپیس، (منتشره در 41 Iran-U.S. C.T.R. 14) ، و حکم جزیی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، پاراگراف ۱۴۳ صادره در پرونده هریس (منتشره در 73 Iran-U.S. C.T.R. 17) . لذا، نظر دیوان اینست که صورتحسابهای راکول جمعا به مبلغ ۲۰،۷۱۴،۸۴۳ دلار حداکثر در تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] قابل پرداخت شدند.

ب) ادعای مربوط به مبالغ صورتحساب نشده تا تاریخ فسخ قرارداد در نهم شهریورماه
۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹]

۱۴۵ - راک ول، همچنین حق الزحمه‌ها و هزینه‌های انجام شده و صورتحساب نشده قبل از
نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] را مطالبه می‌کند. قسمت اعظم این
ادعا، مربوط به حق الزحمه‌های صورتحساب نشده بابت کار انجام شده طبق
قراردادهاست.

الف الف) حق الزحمه قراردادی

۱۴۶ - راک ول، حق الزحمه‌های صورتحساب نشده زیر را که حسب ادعا طبق قرارداد شماره
۱۱۹ قابل پرداخت است، مطالبه می‌کند:

الف) ۳۰ درصد حداقل حق الزحمه که از هزینه‌های صورتحساب شده برای تکلیفهای
۱ تا ۱۴، کسر شده،

ب) تعدیل حق الزحمه مورد هدف برای تکلیفهای ۲ تا ۷ و ۹ تا ۱۳،

ج) تعدیل حداکثر حق الزحمه برای تکلیف ۲،

د) ۱۰۰ درصد حق الزحمه مقطوع که از هزینه‌های صورتحساب شده برای تکلیف
۱۶ کسر شده است.

۱۴۷ - در قرارداد شماره ۱۱۹ مقرر شده است که حق الزحمه‌هایی که بصورت درصدی از
هزینه‌های راکول بیان شده، به وی پرداخت شود. در مورد تکلیفهای ۲ تا ۷ و ۹
تا ۱۳، درصد این حق الزحمه، بسته به نحوه اجرای قرارداد توسط راکول متغیر بود.
چنانچه راکول، این تکلیفها را طبق برنامه و طبق هزینه برآوردی انجام می‌داد،
حق داشت حق الزحمه به اصطلاح مورد "هدف" را دریافت کند. در صورتیکه راکول

هریک از آنها را زودتر از برنامه زمانی و/ یا به هزینه‌ای پایینتر از رقم برآوردی انجام می‌داد، حق داشت حق‌الزحمه‌ای که براساس درصد بالاتر و "حداکثر" محاسبه شده، و تا مبلغی که تعیین شده بود دریافت کند. از سوی دیگر، چنانچه راکول در اجرای هر یک از این تکلیفها طبق برنامه تصور می‌کرد، حق‌الزحمه وی به درصد پایینتری و تا میزان معینی که از "حداقل" مشخص شده‌ای پایینتر نمی‌رفت، کاهش می‌یافت. بدینسان، برای اجرای هر تکلیف طبق برنامه زمانی و طبق هزینه برآورد شده، حق‌الزحمه مورد هدف، و برای اجرای بهتر، حق‌الزحمه حداکثر و برای اجرای با تاخیر و یا با هزینه‌ای بالاتر از مبلغ برآوردی، حق‌الزحمه حداقل پرداخت می‌شد.

۱۴۸ - برای انجام تکلیفهای ۱، ۸، ۱۴ و ۱۶ قرارداد ۱۱۹ و کلیه کارهای موضوع قرارداد شماره ۱۲۰، راکول حق‌الزحمه‌های ثابت دریافت می‌کرد، نه حق‌الزحمه‌های متغیر مشروح در فوق.

۱۴۹ - طبق ماده ۷-۶ هر دو قرارداد شماره ۱۱۹ و ۱۲۰، در صورت فسخ قرارداد، راکول حق داشت نه تنها هزینه‌های واقعی انجام شده تا تاریخ فسخ، بلکه "دستمزد مربوطه" را نیز دریافت کند. روشن است که حق‌الزحمه‌های متغیر و ثابتی که در بالا شرح داده شده، "دستمزدهای مربوطه" هستند. درست است که در شرایط مربوط به دستمزدهای مندرج در پیوست ۵ قرارداد شماره ۱۱۹، تکمیل کلیه تکلیفهای قرارداد پیش بینی شده است. مع هذا، نمی‌توان آنها را چنین تفسیر کرد که در صورت فسخ به صلاحدید وزارت دفاع پیش از پایان کار، راکول قطعاً محدود به دریافت حق‌الزحمه حداقل است. چنانچه این مطلب صحیح می‌بود، در اینصورت استحقاق راکول به دریافت حق‌الزحمه‌ها کلاً در حیطه کنترل وزارت دفاع قرار می‌گرفت. بنابراین، این واقعیت که کلیه تکلیفها به اتمام نرسید، در احوال پرونده حاضر فاقد اهمیت است.

۱۵۰ - قبل از آنکه دیوان بتواند تعیین کند که آیا راکول در این پروژه، از لحاظ زمان و هزینه طبق برنامه بوده یا خیر، باید تاریخ مناسبی تعیین و براساس آن درمورد نحوه کار راکول قضاوت نماید. ماده ۷ - ۶ قرارداد شماره ۱۱۹ حاکی است که تاریخ ذیربط، تاریخ فسخ است. لیکن، در این پرونده، دیوان نظر داده است که به دلیل شرایط فورس ماژور در ایران، [طرفین] از تاریخی که راکول اجرای قرارداد را به حالت تعلیق درآورد، یعنی دهم دیماه ۱۳۵۷ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۸] تا تاریخ فسخ قرارداد شماره ۱۱۹، از اجرا معاف بوده‌اند. از اینرو، دیوان، تاریخ دهم دیماه ۱۳۵۷ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۸] را اصولاً "تاریخ مناسب برای تعیین استحقاق راکول به حق‌الزحمه‌ها، تلقی می‌کند. معهذاً، درمورد آندسته از تکلیفهایی که به تقاضای وزارت دفاع قبل از تاریخ دهم دیماه ۱۳۵۷ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۸] فسخ گردیدند، باید استثناء قایل شد. این تکلیفها، پس از صدور دستور توقف کار، معاف از اجرا بوده و تاریخ مناسب برای تعیین استحقاق راکول به حق‌الزحمه، تاریخی است که دستور توقف کار داده شد.

۱۵۱ - دیوان، سپس باید واقعیات مربوط به اجرای قرارداد توسط راکول تا تاریخهای مربوطه را، بررسی نماید. بر مبنای ادله و مدارک تسلیمی، دیوان متقاعد نشده است که راکول هنگامی که اطلاعیه فورس ماژور تسلیم کرد درمورد اکثر تکلیفها، مطابق با برنامه، یا حتی جلوتر از آن بوده است. گزارشهای هریس، که راکول ایرادی به آنها نگرفته، حاکی است که راکول درمورد اکثر تکلیفها، به "میل شماره‌های هدف" نرسیده بوده، و این استدلال راکول دیوان را قانع نساخته است که نرسیدن به "میل شمار هدف"، الزاماً به معنی تأخیر نیست. به هرصورت راکول مدارک رضایتبخشی ارائه نکرده که نشان دهد اجرای بموقع کار قراردادی باید بدون توجه به موضوع نرسیدن به "میل شماره‌های هدف" مشخص شود.

۱۵۲ - لیکن، راکول اظهار می‌دارد که تاخیرها یا قابل‌انتساب به وزارت دفاع بوده، و یا به شرایط فورس ماژور که نسبت بدانها کنترلی نداشته‌است. گرچه، در قرارداد شماره ۱۱۹ شرائط مشروحي راجع به تعیین حق‌الزحمه در مواردی که تاخیر قابل انتساب به راکول باشد، ذکر شده، معهذاً، درمورد آثار تاخیرات قابل انتساب به وزارت دفاع یا فورس ماژور، ساکت است. از نظر دیوان، طبق اصول پذیرفته شده عمومی در حقوق قراردادها و تفسیر با حسن نیت از شرایط ناظر بر حق‌الزحمه، تاخیراتی که وزارت دفاع را باید مسئول آن دانست و یا ناشی از فورس ماژور بوده، نباید راکول را از حق‌الزحمه‌ای که در غیراینصورت به دست می‌آورده محروم سازد و این از اصل کلی حقوق قراردادها بدست می‌آید که طبق آن در مواردی که اجرای تعهد قراردادی بعلت فورس ماژور غیرممکن گردد، آن تعهد از اجرا معاف است. رجوع شود فی‌المثل به: قرار اعدادی شماره ۲-۴۹-۲۴، ص ۱۴-۱۱ (انگلیسی) صادره در پرونده گولد مارکتینگ، (منتشره در 3 Iran-U.S. C.T.R. 152-54) و حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، ص ۱۷-۱۴ (انگلیسی) صادره در پرونده سیلوانیا، (منتشره در 8 Iran-U.S. C.T.R. 308-10). راکول باید ثابت کند که عقب ماندنش از برنامه یا تجاوزش از هزینه‌ها در تاریخ مربوطه تا چه حد معلول شرایط فورس ماژور یا اقداماتی بوده که وزارت دفاع مسئول آنست.

۱۵۳ - قبل از شروع به بررسی حق‌الزحمه‌های قابل پرداخت بابت تکلیفهای معین، دیوان خاطرنشان می‌سازد که طبق ماده ۷ - ۶ قراردادها، راکول دست کم استحقاق دریافت دستمزد مقطوع یا دستمزد حداقل خود بابت هر یک از تکلیفها را دارد. همانطور که طبق ماده ۵ - ۱۴ قرارداد شماره ۱۱۹ اجازه داده شده، راکول در صورتحسابهای خود تا پایان اوت ۱۹۷۹، ۷۰ درصد حق‌الزحمه مقطوع یا حداقل را منظور و صدور صورتحساب بابت ۳۰ درصد بقیه را موکول به پذیرش نهایی پروژه

کرد. بنابراین، برای اینکه حق الزحمه راکول به میزان مقطوع یا حداقل برسد، دیوان باید ۳۰ درصد کسر شده از هر صورتحساب را در حکم منظور کند. سی درصد کسر شده از حق الزحمه بابت این تکلیفها تا پایان اوت ۱۹۷۹ جمعا" به ۶۱۷،۲۰۱ دلار آمریکا بالغ می‌شود. حق الزحمه‌های فوق به وضوح مشمول عبارت "دستمزد مربوطه" می‌گردد و لذا در نتیجه فسخ قرارداد توسط وزارت دفاع قابل پرداخت گردیدند. (۱۴)

تکلیف شماره ۲ (مجتمع مرکزی دوشان تپه)

۱۵۴ - راکول استدلال می‌کند که اگر تاخیرات حاصله از فورس ماژور در اجرای این تکلیف اثر نمی‌گذاشت، اجرای آن جلوتر از برنامه و با هزینه‌ای پایینتر از مبلغ پیش بینی شده تکمیل می‌شد و براساس این استدلال، دستمزد حداکثر را برای اجرای تکلیف شماره ۲ مطالبه می‌کند. در گزارش راکول برای نوامبر ۱۹۷۸ ذکر شده که "کار ساختمان اساسا" طبق برنامه پیش می‌رود، معهذاً، بعلت ناآرامیهای سیاسی، در مواردی تاخیر و کندی وجود دارد. این تاخیرات و کندیها اثر عمده‌ای نداشته زیرا ما در بسیاری موارد جلوتر از برنامه بودیم". از سوی دیگر، گزارش هریس برای ژانویه ۱۹۷۹ حاکی است که فقط ۲۰ میل شمار از تعداد ۲۴ میل شمار تکمیل شده است. دیوان بر مبنای این گزارشها نتیجه می‌گیرد که اجرای تکلیف شماره ۲ در پایان سال ۱۹۷۸ تاخیر داشته است.

(۱۴) در مورد تکلیفهای شماره ۱، ۸ و ۱۴، حق الزحمه مقرر در قرارداد برای راکول در این حکم منظور شده است و لذا، در مورد تکلیفهای یاد شده دیگر بحث نخواهد شد. اما در مورد تکلیف شماره ۱۶، سنوالاتی راجع به استحقاق راکول نسبت به تمامی حق الزحمه مقطوع مطرح شده است. لذا، حق الزحمه مقطوع تکلیف شماره ۱۶، در مبلغ ۶۱۷،۲۰۱ دلار آمریکا که در این پاراگراف حکم شده، منظور نشده است، لیکن در بحث مفصلی که راجع به تکلیفهای ویژه خواهد آمد، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

۱۵۵ - راکول استدلال می‌کند که هرگونه تاخیر در اجرای این تکلیف، بعلت شرایط فورس ماژور بوده که از پائیز ۱۹۷۸ به وجود آمده بود. لذا، این مسأله مطرح می‌شود که راکول وظیفه خود را در اثبات اینکه تاخیرات مزبور واقعا معلول فورس ماژور بوده، ایفا کرده یا خیر.

۱۵۶ - دیوان داوری با ملاحظه ادله و مدارک تسلیمی متقاعد نشده است که کلیه تاخیرات حادث در تکلیف شماره ۲ بعلت شرایط فورس ماژور بوده است. کاملا معلوم است که از آغاز امر، تمامی پروژه آیبکس تاخیرات عمده‌ای داشته است. برای مثال، هریس در گزارش برنامه سپتامبر ۱۹۷۹ خود، از "سازمان مدیریت" بعنوان بزرگترین مشکل پروژه آیبکس یاد کرده است. دیوان شکی ندارد که تاخیرات معلول عوامل متعددی بوده و لذا، لازم می‌بیند که راکول به تفصیل رویدادهای فورس ماژور و اثر آنها بر اجرای بموقع برنامه راء، ثابت و مدلل سازد. (۱۵)

۱۵۷ - ادله و مدارک اصلی نزد دیوان در تائید این بخش از ادعاء گزارشهای هریس و راکول برای ژانویه ۱۹۷۹ می‌باشد. در هر دو گزارش به "ناآرامیهای سیاسی"، "کمبود سوخت"، "غیبت کارگران" و غیره، اشاره شده، لکن تاخیر آنها در برنامه زمانی بطور مشخص توضیح داده نشده است. راکول، طی نامه مورخ دوم آبانماه ۱۳۵۷ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۸] خود به وزارت دفاع، تقاضا کرد که برنامه زمانی درمورد چند فقره از تکلیفهای موضوع قرارداد شماره ۱۱۹ تمدید شود، لکن مشخصا به

(۱۵) همانطور که قبلا بحث شد، راکول ملزم نبوده که در اطلاعیه‌های فورس ماژور خود به وزارت دفاع، طول مدت احتمالی شرایط فورس ماژور را ذکر کند. رجوع شود به پاراگراف ۹۰ بالا. معهذاء راکول باید در اینجا ثابت کند که مسئول تاخیراتی که قبل از اطلاعیه‌های مزبور به وقوع پیوسته، نبوده است. این امر مستلزم پیش بینی رویدادهای آتی نیست، بلکه مستلزم ارزیابی واقعیات و رویدادهای گذشته است.

تکلیف شماره ۲ و یا شرایط فورس ماژور اشاره نکرد.

۱۵۸ - بنابراین، دیوان داوری نتیجه می‌گیرد که راکول وظیفه‌اش را در اثبات تأثیر رویدادهای فورس ماژور در اجرای بموقع تکلیف شماره ۲ تا تاریخ دهم دیماه ۱۳۵۷ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۸]، ایفا نکرده است. از اینرو، ادعای مربوط به حق‌الزحمه‌های "هدف" یا "حداکثر" بابت تکلیف شماره ۲، رد می‌شود.

تکلیف شماره ۳ (مرکز تجزیه و تحلیل منطقه‌ای)

۱۵۹ - طبق گزارش هریس برای ژانویه ۱۹۷۹، تکلیف شماره ۳ رسماً در سپتامبر ۱۹۷۸ فسخ گردید. در همان گزارش ذکر شده که "اجرای تکلیف در هنگام دستور توقف کار، طبق برنامه پیش می‌رفته". باتوجه به اظهار صریح مزبور در گزارش هریس، دیوان متقاعد شده است که کار راکول در هنگام دستور توقف آن، طبق برنامه بوده است.

۱۶۰ - راکول بر مبنای مبلغ ۵،۹۵۹ دلار هزینه بابت این تکلیف، خواستار حق‌الزحمه است. مبلغ مزبور از حداکثر تعیین شده در برنامه مالی تجاوز نمی‌کند. بنابراین، راکول استحقاق دارد حق‌الزحمه هدف برای تکلیف شماره ۳ را دریافت کند. حق‌الزحمه هدف برای تکلیف شماره ۳ معادل $8/93$ درصد هزینه‌های انجام شده یعنی مبلغ ۵۳۲ دلار است. در بالا، $1/6$ درصد حق‌الزحمه حداقل راکول یعنی ۹۶ دلار به نفع وی راعی داده شد و لذا، در اینجا مابه‌التفاوت آن، یعنی مبلغ ۴۳۶ دلار به نفع وی در حکم منظور می‌شود.

تکلیف شماره ۴ (ایستگاه غربی شماره ۱)

۱۶۱ - طبق گزارش هریس برای ژانویه ۱۹۷۹، فقط ۱۸ میل شمار از ۴۷ میل شماری که می‌بایست تا ژانویه ۱۹۷۹ تکمیل شده باشد، در آن تاریخ اجرا شده بوده. بنابراین، در اجرای تکلیف مزبور، تاخیر عمده‌ای وجود داشته است. در گزارش راکول برای همان ماه، دلایل این تاخیر، تاخیر وزارت دفاع در صدور اجازه طرح ساختمانی، در اختیار گذاردن وجوه طرح، و تصویب وسایل و تجهیزات ساختمانی ذکر شده است. راکول، در تاریخ دوم آبانماه ۱۳۵۷ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۸] نامه‌ای به وزارت دفاع نوشت و تقاضا کرد که مدت قراردادی اجرای تکلیف‌های شماره ۱، ۴، ۵ و ۹ تا ۱۱ تمدید گردد. در این نامه، درمورد تکلیف ۴ چنین آمده است:

به دلیل تاخیرات در طراحی کارگاه، تاخیرات در احداث راهپا، از دست رفتن فصل ساختمانی برای کارگاه غربی شماره ۱ و الزام استفاده از پیمانکاران ساختمانی ایرانی، برنامه زمانی تکلیف حاضر تاخیر دارد...

۱۶۲ - از نامه تیمسار عصر جدید به "تیمسار ریاست کل ارتباطات و الکترونیک" در تاریخ ۲۶ آذرماه ۱۳۵۷ [۱۷ دسامبر ۱۹۷۸] به روشنی پیداست که وزارت دفاع مسئولیت این تاخیرات را قبول نکرده است.

۱۶۳ - ادله و مدارک مربوطه در این مورد، عمدتاً شامل دو نامه مزبور و گزارشهای هریس و راکول است. گرچه ادله و مدارک، موعید این مطلب است که بعضی از کارها دیرتر از زمان برنامه ریزی شده، تصویب یا تأیید شده اند، معیناً دلایل تاخیر یا مسئولیت وزارت دفاع را بابت آنها مشخص نمی‌کند. برای مثال، در نامه راکول به "الزام استفاده از پیمانکاران ساختمانی ایرانی" اشاره شده است. در عین حال، ماده ۹ قرارداد شماره ۱۱۹ مقرر می‌دارد که:

عدم قبول پیمانکاران دست دوم توسط کارفرما رافع هیچکدام از مسئولیتها و وظایف پیمانکار نبوده و نمی‌تواند موجب هیچگونه تاخیر در اجرای کارها طبق برنامه زمانی مصوبه گردد.

۱۶۴ - قید مزبور، مسئولیت تاخیرات را اصولاً متوجه راکول می‌سازد. علاوه بر این، راکول ثابت نکرده است که امتناع وزارت دفاع از تصویب قراردادهای فرعی بی دلیل یا توأم با سوء نیت بوده است. انتخاب و تصویب پیمانهای فرعی، در جلسات ملاقات متعددی بین نمایندگان راکول و وزارت دفاع در طول ماههای آوریل و مه ۱۹۷۸ مورد بحث و مذاکره واقع شد. در این جلسات، وزارت دفاع درخواست کرد که پیمانکاران فرعی براساس پیشنهاد قیمت قابل رقابت از بین پیشنهادهای تسلیمی چند شرکت، از جمله شرکتهای ایرانی، انتخاب شوند. برطبق صورتجلسات این مذاکرات که وزارت دفاع ارائه نموده، راکول با روش پیشنهاد شده موافقت کرد. گذشته از این، راکول در نامه مورخ ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ [سوم مه ۱۹۷۸] خود، "عمیقاً" اظهار تا'سف" کرده که "پیمانهای فرعی قبلاً" توسط دفتر معاونت وزارت جنگ هماهنگ و تصویب نشدند". همراه با این نامه، راکول فهرستی حاوی نام پنج پیمانکار فرعی تسلیم کرد که اکثر آنها امریکایی و کلیه آنها به تصویب وزارت دفاع رسیده بودند. رجوع شود به: پاراگرافهای ۱۳۷ تا ۱۳۹ بالا.

۱۶۵ - راکول دلیل و مدرکی که حاکی از تقاضای صریح برای تصویب قراردادهای فرعی و یا مراسله‌ای که حاکی از رفتار بی دلیل وزارت دفاع در رد قراردادهای فرعی پیشنهادی، باشد ارائه نکرده است. بدون در دست داشتن چنین اطلاعاتی، دیوان داوری در وضعیتی نیست که تعیین نماید در اوضاع و احوال موجود، چه مدتی برای تصویب، کافی تلقی می‌شود. از اینرو، دیوان قانع نشده است که خودداری وزارت دفاع از دادن اجازه کار یا تصویب آن تخلف از وظایف قراردادی وی بوده

است. بنابراین، باتوجه به تاخیرات تکلیف شماره ۴، راکول مستحق حق الزحمه هدف خود نیست و ادعا مردود شناخته می‌شود.

تکلیف شماره ۵ (احداث ایستگاه زمینی غربی شماره ۱۷- الف و جاده منتهی به آن)

۱۶۶ - بموجب تکلیف شماره ۵، قرار بود راکول یک جاده ارتباطی احداث نماید (جاده غربی شماره ۱۷- الف). تکلیف مزبور، هنگامی که کارگاه "غربی شماره ۷" جایگزین کارگاه "غربی ۱۷- الف" گردید، فسخ شد. راکول در نامه مورخ دوم آبانماه ۱۳۵۷ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۸] خود به وزارت دفاع، تاخیرات این تکلیف را به "تاخیرات این تکلیف در طراحی، تصویب و اجازه احداث راه، تاخیرات در تصویب کمپ ساختمانی و از دست رفتن یک موسم ساختمانی" منتسب می‌کند و در گزارش راکول برای ژانویه ۱۹۷۹، "تاخیر در دادن اجازه کارهای ساختمانی و در اختیار گذاردن وجوه طرح" را، به عنوان دلایل تاخیر، ذکر می‌کند. در گزارش هریس برای ماه ژانویه ۱۹۷۹ اعلام شده که "اف اس سی در حال تهیه پیشنهاد فسخی است که در ۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۱۵ فوریه ۱۹۷۹] تسلیم خواهد شد". مدرکی در سوابق وجود ندارد که راکول هرگز چنین پیشنهادی را تهیه و یا وزارت دفاع هرگز آن را قبول کرده باشد. به هر تقدیر، مدرکی حاکی از چنین پیشنهادی در رسیدگیهای حاضر ارائه نشده است.

۱۶۷ - گذشته از این مسأله، برای تعیین اینکه وزارت دفاع در تصویب و اجازه کارها تاخیر غیر معقولی داشته، دیوان باید متقاعد شود که راکول، واقعا به موقع و به میزان کافی تقاضای تصویب نموده است. رجوع شود به: پاراگراف ۱۶۵ بالا. راکول ادله لازم در اثبات این مطلب را ارائه نکرده است و برای مثال، ثابت نکرده است که دقیقا چه موقع درخواستهای تصویب را تسلیم نموده که حسب ادعا موجب

تأخیر در تکلیف شماره ۵ گردیده است. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که راکول وظیفه خود را در اثبات واقعیات موعد ادعایش در رابطه با حق الزحمه‌های هدف ایفا ننموده و لذا، ادعا رد می‌شود.

تکلیف شماره ۶ (ایستگاه غربی شماره ۱۵)

۱۶۸ - تکلیف شماره ۶ نیز مثل تکلیف ۳، در سپتامبر ۱۹۷۸ فسخ گردید. در گزارش هریس برای ژانویه ۱۹۷۹ ذکر شده که تکلیف مزبور در هنگام دستور توقف کار مطابق برنامه پیش می‌رفته. گزارش راکول برای ژانویه ۱۹۷۹ حاکی است که وی ادعایی بدلیل فسخ تکلیف تهیه و به پیمانکار هماهنگ کننده پروژه تسلیم نموده است. گرچه پیشنهاد مزبور در رسیدگی‌های حاضر ارائه نشده، مع الوصف دیوان مطلب مندرج در گزارش هریس را مبنی بر اینکه تکلیف در واقع طبق برنامه پیش می‌رفته، تأیید کافی از این می‌داند که پیشرفت راکول، هنگام فسخ تکلیف شماره ۶ توسط وزارت دفاع، در واقع مطابق برنامه زمانی بوده است. کل هزینه‌های انجام شده برای این تکلیف، به مبلغ ۱۳۹،۱۱۹ دلار، از حدود برنامه مالی تجاوز نمی‌کند. از اینرو، راکول استحقاق دریافت حق الزحمه‌های هدف، یعنی ۱۱/۵۷ درصد هزینه‌های انجام شده، یعنی مبلغ ۱۳،۷۸۴ دلار را دارد. قبلاً ۲ درصد حق الزحمه حداقل راکول، یعنی مبلغ ۲،۳۸۶ دلار، در حکم منظور شده است. از اینرو، در اینجا، به مابه‌التفاوت آن، یعنی ۱۱،۳۹۸ دلار راعی داده می‌شود.

تکلیف شماره ۷ (احداث مرکز پشتیبانی هوایی)

۱۶۹ - در ژانویه ۱۹۷۹، فقط هشت میل شمار از دوازده میل شماری که قرار بود تا آن تاریخ برای تکلیف شماره ۷ تکمیل شود، اجرا گردیده بود. راکول در نامه مورخ

دوم آبانماه ۱۳۵۷ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۸] اظهار داشته که «تکلیف مزبور، به دلیل الزام به مناقصه گذاردن مجدد طرح ساختمانی نزد پیمانکاران ایرانی، دچار تاخیر شده است». همانطور که در بالا توضیح داده شد، در نبود جزئیات بیشتر، این مطلب نمی تواند علیه وزارت دفاع تفسیر شود، استناد و لذا ادعای حق الزحمه هدف برای این تکلیف مردود شناخته می شود. رجوع شود به: پاراگراف ۱۶۵ بالا.

تکلیف ۹ (تأسیس مرکز تدارکات)

۱۷۰ - همانطور که در گزارش هریس برای ژانویه ۱۹۷۹، گزارش راکول برای همان ماه و نامه مورخ دوم آبانماه ۱۳۵۷ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۸] راکول به وزارت دفاع عیناً ذکر شده، تاخیرات در تکمیل این تکلیف ناشی از فقدان رهنمودهای مربوط به کارگاه جدید و عدم تصویب پیمانکاران دست دوم طرح بوده است. معذک، وزارت دفاع در نامه مورخ ۲۶ آذرماه ۱۳۵۷ [۱۷ دسامبر ۱۹۷۸] خود، پیشنهاد راکول برای تمدید برنامه زمانی این تکلیف را رد کرد. در نبود ادله و مدارک دیگر مبنی بر اینکه راکول بموقع و به نحو مقتضی اسناد و مدارک لازم را تقاضا نموده و وزارت دفاع در تأمین رهنمودهای کارگاه جدید به نحو غیر موجهی تاخیر داشته، دیوان داوری متقاعد نشده است که وزارت دفاع باید برای چنین تاخیراتی مسئول شناخته شود. بنابراین، ادعای حق الزحمه های هدف برای این تکلیف مردود شناخته می شود.

تکلیفهای شماره ۱۰ و ۱۱ (تأسیس سایت های گیرنده و فرستنده فرکانس بالا)

۱۷۱ - در اجرای این دو تکلیف نیز تاخیر رخ داد. گزارش هریس برای ژانویه ۱۹۷۹ حاکی است که «تا هنگامی که یک قرارداد معماری و مهندسی به تصویب خریدار

نرسد، هیچ کاری در مورد این تکلیف نمی‌توان انجام داد." راکول در گزارش خود برای ژانویه ۱۹۷۹ و نیز در نامه مورخ دوم آبانماه ۱۳۵۷ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۸]، عدم تصویب قرارداد معماری و مهندسی راء، دلیل تاخیر ذکر کرده است. راکول، در اینمورد هم ثابت نکرده است که به موقع و به نحو مقتضی چنین تصویبی را تقاضا نموده و یا اینکه وزارت دفاع به نحو غیر موجهی در تصویب تاخیر کرده است. رجوع شود به پاراگراف ۱۷۰ بالا. بنابراین ادعا بابت حق‌الزحمه‌های هدف برای این تکلیفها نیز، رد می‌شود.

تکلیف شماره ۱۲ (کارگاه غربی شماره ۱۲)

۱۷۲ - گزارش ماهانه راکول برای ژانویه ۱۹۷۹ حاکی از آنست که تاخیرات در تکمیل این تکلیف به دلیل عدم صدور اجازه کارهای ساختمانی به صورتی که بدواً در برنامه مالی پیش بینی شده، و نیز "مشکلات سیاسی و کارگری"، بوده است. ولی، در اینمورد نیز راکول ثابت نکرده که به موقع و به نحو مقتضی تقاضای اجازه نموده و یا اینکه وزارت دفاع در صدور اجازه، تاخیر غیر موجه داشته است. رجوع شود به پاراگرافهای ۱۷۱-۱۷۰ بالا. در نتیجه، ادعای حق‌الزحمه هدف [بابت این تکلیف] مردود شمرده می‌شود.

تکلیف شماره ۱۳ (توسعه آشیانه سی - ۱۳۰ در دوشان تپه)

۱۷۳ - هم گزارش هریس برای ژانویه ۱۹۷۹ و هم گزارش راکول برای همان ماه، هردو موعید آنند که راکول مطابق برنامه بوده، و بنا به گزارش راکول، هنگام اعلام فورس ماژور توسط وی هزینه انجام شده جهت این تکلیف کمتر از مبالغ پیش بینی شده بوده است. تاخیرات ناشی از شرایط فورس ماژور پس از اعلام آن،

تأثیر منفی بر حق راک و نسبت به حق الزحمه‌هایی که تا آن تاریخ استحقاق داشته، ندارد. رجوع شود به: پاراگراف ۱۵۲ بالا. بنابراین، دیوان قانع شده است که راکول در تاریخ نهم دیماه ۱۳۵۷ [۳۰ دسامبر ۱۹۷۸]، در انجام این تکلیف طبق برنامه بوده و به دلیل شرایط فورس ماژور، پس از آن تاریخ از ادامه اجرا در ایران معاف بوده است. رجوع شود به: پاراگراف ۸۹ بالا. بنابراین، راکول استحقاق دریافت حق الزحمه هدف مورد تقاضا بابت این تکلیف را دارد.

۱۷۴ - راکول بابت هزینه‌های انجام شده جهت تکلیف شماره ۱۳ تا تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹]، صورتحسابی به مبلغ ۸۰۸،۴۷۶ دلار تسلیم کرد. لیکن، از این رقم، مبلغ ۶۱۰،۹۷۰ دلار از حق الزحمه پایه کسر شده است. حق الزحمه هدف برای تکلیف شماره ۱۳، ۸/۹۴ درصد هزینه‌های انجام شده بوده است. از اینرو، راکول نسبت به ۸/۹۴ درصد مبلغ ۱۹۷،۵۰۶ دلار یعنی مبلغ ۱۷،۶۵۷ دلار بابت حق الزحمه این تکلیف استحقاق دارد. قبلاً ۱/۶ درصد حق الزحمه حداقل یا مبلغ ۳،۱۶۰ دلار در حکم به نفع راکول منظور شد. رجوع شود به: پاراگرافهای ۱۰۰، ۱۴۴، و ۱۵۳ در بالا. از اینرو، در اینجا علاوه بر مبلغ فوق، ۱۴،۴۹۷ دلار یعنی مابه‌التفاوت حق الزحمه حداقل و حق الزحمه هدف، به نفع وی در حکم منظور می‌شود.

تکلیف شماره ۱۶ (خرید ماشین آلات راه و ساختمانی)

۱۷۵ - راکول بابت هزینه‌های انجام شده جهت خرید تجهیزات ساختمانی در رابطه با تکلیف شماره ۱۶ صورتحسابی تسلیم کرد. در پیوست ۵ قرارداد شماره ۱۱۹، مبلغ ۶۸۸،۰۰۰ دلار بابت حق الزحمه مقطوع، مقرر شده است. گرچه راکول بابت هزینه‌های انجام شده برای این تکلیف بطور مداوم تا آخر دوره قرارداد به

وزارت دفاع صورتحساب داده، معه‌ذا قبل از آنکه تمامی حق‌الزحمه مقطوع به مبلغ ۶۹۰،۶۹۰ دلار را در صورتحساب کلی خود در سپتامبر ۱۹۷۹ به وزارت دفاع تسلیم کند، بابت حق‌الزحمه‌های این تکلیف صورتحسابی به وزارت دفاع ارائه نکرده بود.

۱۷۶ - در جلسه استماع، راکول توضیح داد که بعثت اختلافی که با وزارت دفاع داشته که حسب ادعا وزارت دفاع از پرداخت هرگونه حق‌الزحمه‌ای در رابطه با تکلیف شماره ۱۳ بکلی امتناع می‌ورزیده، وی برای این حق‌الزحمه‌ها قبل از تسلیم صورتحساب کلی یادشده در بالا، صورتحساب تسلیم نکرده‌بود. راکول اظهار می‌نماید که سرانجام، حل مساعله به بعد از پایان قرارداد موکول گردید. لیکن، هیچ یک از طرفین، نه در دفاعیات خود و نه در جلسه استماع پرونده، توضیحات مفصل تری درمورد موضوع اختلاف ندادند. تنها اطلاعاتی که دیوان در این رابطه در دست دارد، مندرجات صورت مذاکرات جلساتی است که بین نمایندگان طرفین در مه ۱۹۷۹ در ایران تشکیل شده‌است. طبق این صورتحسابات، وزارت دفاع درخواست کرد که ماشین‌آلات در ایران، یا حداقل به قیمت‌های پایینتری خریداری و فهرست این تجهیزات قبلاً جهت تصویب تسلیم گردد. درطول این جلسات، راه‌حلهای متعددی برای حل‌وفصل این اختلاف مورد مذاکره قرارگرفت، لکن مدرکی در دست نیست که درمورد هیچیک از این راه‌حلهای نه‌ایتاً توافق بعمل آمده‌باشد.

۱۷۷ - در بررسی استحقاق راکول نسبت به حق‌الزحمه بابت تکلیف شماره ۱۶، نقطه شروع برای دیوان، متن قرارداد شماره ۱۱۹ است. روشن است که در پیوست شماره ۵ این قرارداد، بابت ماشین‌آلات ساختمانی حق‌الزحمه‌ای مقرر شده است. (۱۶)

(۱۶) گزارش هریس برای ژانویه ۱۹۷۹ شامل "گزارش وضعیت تجهیزات ساختمانی تکلیف ۱۶" است که ثابت می‌کند که وزارت دفاع تقریباً کلیه تجهیزات را دریافت کرده است.

بنابراین، تنها مسأله تعیین این مطلب است که چون صورتحساب حق الزحمه‌های تکلیف ۱۶ از بدو امر توسط راکول ارسال نشده، آیا این امر باید اعراض از حقوق قراردادی اش نسبت به این حق الزحمه‌ها تعبیر شود یا خیر. اثبات این مطلب برعهده وزارت دفاع است.

۱۷۸ - خلاصه مذاکرات جلساتی که طی آن مسأله فوق به کرات مورد بحث قرار گرفت حاکی از آنست که راکول مایل نبود حداقل بدون دریافت غرامت مقتضی، از حق خود نسبت به حق الزحمه‌ها صرفنظر کند. اما راه حلی پیدا نشد. باتوجه به اینکه اختلاف مربوط به حق الزحمه‌های تکلیف ۱۶ حل نشده، دیوان داوری متقاعد نشده است که تصمیم راکول به عدم ارسال صورتحساب بابت حق الزحمه‌های این تکلیف را می‌توان بعنوان اعراض وی از حق صریح قراردادی وی نسبت به آن تعبیر کرد.

۱۷۹ - بنابراین، وزارت دفاع وظیفه خود را در اثبات اعراض راکول از حق الزحمه‌هایش، و یا ارائه دلیل و مبنای دیگری برای رد استحقاق راکول نسبت به این حق الزحمه‌ها، ایفا نکرده است. از اینرو، دیوان نظر می‌دهد که راکول استحقاق دریافت حق الزحمه‌های پرداخت نشده بابت تکلیف شماره ۱۶ به مبلغ ۶۸۸،۰۰۰ دلار را دارد. رقم مزبور، رقم مقطوع مقرر در قرارداد بعنوان حق الزحمه حداکثر برای تکلیف شماره ۱۶ است.

نتیجه‌گیری درمورد حق الزحمه‌ها

۱۸۰ - بنا به دلایل پیشگفته، راکول علاوه بر حق الزحمه‌های منظور شده در صورتحسابهای صادره تا نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹]، استحقاق دریافت مبالغ زیر را نیز دارد:

- ۳۰ درصد کسر شده از حق الزحمه‌ها: ۶۱۷،۲۰۱ دلار

"	۴۳۶	- تعدیل حق الزحمه هدف بابت تکلیف ۳:
"	۱۱،۳۹۸	- تعدیل حق الزحمه هدف بابت تکلیف ۶:
"	۱۴،۴۹۷	- تعدیل حق الزحمه هدف بابت تکلیف ۱۳:
"	۶۸۸،۰۰۰	- حق الزحمه مقطوع بابت تکلیف ۱۶:

جمع ۱،۳۳۱،۵۳۲ دلار

۱۸۱ - کلیه مبالغ حق الزحمه‌های فوق در نتیجه فسخ قرارداد شماره ۱۱۹ توسط وزارت دفاع قابل پرداخت گردید. با در نظر گرفتن مدت معقولی پس از جلسه ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] که ظرف آن وزارت دفاع می‌بایست صورتحسابها را بررسی، و حسب مورد، مشخصا به صورتحسابهای ارسالی راکول اعتراض می‌کرد، دیوان نظر می‌دهد که حق الزحمه‌های مزبور جمعا به مبلغ ۱،۳۳۱،۵۳۲ دلار، در تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] قابل پرداخت گردید. رجوع شود به: پاراگراف ۱۴۴ بالا.

ب ب) صورتحساب شماره ۲۵ فیش باخ - عمان برای اوت ۱۹۷۹

۱۸۲ - مضافا راکول، نسبت به مبالغ صورتحساب شده توسط پیمانکار فرعی خود فیش باخ - عمان بابت اجرای قرارداد تا تاریخ رسمی فسخ آن استحقاق دارد، مشروط بر آن و تا حدی که این مبالغ در صورتحسابهای راکول به وزارت دفاع تا نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] منظور نشده باشد. راکول اظهار می‌دارد که رویه معمول وی این بوده که صورتحساب هزینه‌های پیمانکاران فرعی خود را فقط پس از اینکه این هزینه‌ها را بدانان می‌پرداخت، برای وزارت دفاع ارسال می‌کرد. ادله و مدارک حاکی است که در سوم آبانماه ۱۳۵۸ [۲۵ اکتبر ۱۹۷۹]، راکول

صورتحسابهای شماره ۲۱ تا ۲۵، بابت کارهای اجرایی فیش باخ - عمان در طول ماههای آوریل تا اوت ۱۹۷۹ را، به فیش باخ - عمان پرداخت کرده بود. چنانچه راکول طبق رویه معمول خود عمل می‌کرد، صورتحساب هزینه‌های مزبور را تا پس از پرداخت آنها در اکتبر برای وزارت دفاع ارسال نمی‌کرد. لیکن، مدارک نشان می‌دهد که راک ول، فی الواقع طبق آن رویه عمل نکرد.

۱۸۳ - راک ول، در لوایح خود آن قسمت از هزینه‌های فیش باخ - عمان را که قبل از نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] به وزارت دفاع صورتحساب نکرده بود، صورت کرده است. در صورت مزبور فقط به صورتحسابهای شماره ۲۵ تا ۳۵ فیش باخ - عمان اشاره شده است. بنابراین، دیوان باید نتیجه بگیرد که برخلاف رویه پیشین، در این مورد راکول مبالغ صورتحسابهای شماره ۲۱ تا ۲۴ فیش باخ - عمان را، در صورتحسابهایی که قبل از تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] به وزارت دفاع ارسال شد منظور کرده است. از اینرو، ادعا بابت این صورتحسابها رد می‌شود.

۱۸۴ - نتیجه این می‌شود که فقط صورتحساب شماره ۲۵ مورخ نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] فیش باخ - عمان شامل اجرای کار در طول اوت ۱۹۷۹، قبلاً در صورتحسابهای ارسالی به وزارت دفاع منظور نشده است. بنابراین مبلغ ۳۶،۴۳۹ دلار بابت این صورتحساب به نفع راکول در حکم منظور می‌شود.

۱۸۵ - راکول مبلغ مزبور را به سررسید نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] مطالبه کرده است. دیوان داوری معتقد است که راکول می‌بایستی این مبلغ را تا آن تاریخ دریافت می‌کرد، و از اینرو تاریخ نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] را موعد پرداخت این مبلغ تعیین می‌کند.

۱۸۶ - راک ول، همچنین حق الزحمه‌های مربوط به هزینه‌های مورد ادعا بابت صورتحسابهای فیش باخ - عمان را خواستار است لیکن مدارکی که در اختیار دیوان است، واقعیات مبنای حق الزحمه مربوط به این هزینه‌ها را احراز نمی‌کند. لذا، دیوان مبنای کافی برای انجام محاسبه و صدور حکم حق الزحمه‌ها در دست ندارد و بنابراین ادعا رد می‌شود.

۳ - ادعای اجرای قرارداد پس از نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹]

۱۸۷ - راکول همچنین مدعی است که تا تاریخ نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] به اجرای قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ ادامه داده و خواستار مبلغ ۲،۴۱۰،۵۱۸ دلار به اضافه حق الزحمه‌های مربوطه بابت اجرای ادعایی قرارداد از نهم شهریور ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] تا آن تاریخ است. علاوه براین، راکول، از جمله موارد دیگر، خواستار مبالغ زیر است: (۱) حق الزحمه‌های ملون بنک که پس از ژوئن ۱۹۸۰ پرداخت شده، (۲) صورتحسابهای فیش باخ - عمان به مبلغ ۱۹۸،۹۰۶ دلار که پس از ژوئن ۱۹۸۰ دریافت شده، و (۳) بدهی احتمالی به سیتی بنک جمعا" بالغ بر ۳۰۹،۸۸۳ دلار. تا میزانی که این هزینه‌ها پس از تاریخ نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] انجام گردیده، راکول مدعی است که به هر حال این هزینه‌ها را باید هزینه اجرای قرارداد محسوب کرد، زیرا از تعهدات قراردادی ناشی شده‌اند.

۱۸۸ - باتوجه به این نظر دیوان که هر دو قرارداد رسماً در تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] فسخ شدند، ادعای راکول بابت هزینه‌های "اجرای قرارداد پس از آن تاریخ باید مردود شمرده شود. این مطلب، بویژه در مورد هزینه‌های انجام شده توسط فیش باخ - عمان پس از فسخ قرارداد برای نگهداشتن پروژه در وضعیت معلق، مصداق دارد. بعلاوه، دیوان براین نظر است که جا دارد که حق الزحمه‌های

ملون بنک و بدهی "احتمالی" ادعایی به سیتی بنک در زمره اقلام خسارت قرار گیرد تا هزینه‌های اجرا و از اینرو ذیلاً در قسمت خسارات مورد بررسی قرار خواهد گرفت. رجوع شود به: پاراگراف‌های ۲۲۲ - ۲۰۸ در زیر.

۱۸۹ - دیوان داوری این امکان را مورد توجه قرار داد که آیا باتوجه به نحوه عمل طرفین، قرارداد "ضمنی" جدیدی منعقد گردیده و یا راکول طبق تئوریهای اجرت‌المثل یا دارا شدن غیرعادلانه، استحقاق دریافت خسارت دارد یا خیر، لیکن مبنای کافی نمی یابد تا طبق هریک از این فرضیه‌ها رای به پرداخت این هزینه‌ها بدهد. از نظر دیوان، نامه مورخ ۲۵ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹] وزارت دفاع را باید اطلاعیه فسخ تلقی کرد. گرچه درست است که وزارت دفاع می‌توانست متن این اطلاعیه را روشنتر بنویسد، معهذا، سایر پیمانکاران آیبکس، آنرا به همین مضمون درک کردند. در چنان وضعی، که تعهد روشنی هم از طرف وزارت دفاع مبنی بر ادامه برنامه آیبکس وجود نداشت، راکول منطقیاً نمی‌توانست نتیجه بگیرد که منظور وزارت دفاع، عقد قرارداد جدیدی است. هیچگونه مدرکی حاکی از چنین تعهدی وجود ندارد. رجوع شود به: پاراگراف ۹۵ بالا. به عکس، عدم تمایل آشکار وزارت دفاع به اجابت ادعاهای راکول برای دوره بعد از ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ [دهم فوریه ۱۹۷۹] به روشنی نشان می‌دهد که وزارت دفاع مایل به تقبل هزینه‌های بیشتر برای برنامه آیبکس نبود. بنابراین، دیوان قبول ندارد که قرارداد جدیدی چه صریح و چه ضمنی - بین طرفین بوجود آمده بوده است.

۱۹۰ - برمبنای ملاحظات پیش گفته، بهمین گونه راعی به پرداخت هزینه‌های اجرای قرارداد توسط راکول، برمبنای فرضیه‌های اجرت‌المثل و داراشدن غیرعادلانه، نیز جایز نیست. چنین ادعایی تنها در صورتی قابل قبول می‌بود که، ثابت می‌شد وزارت دفاع این خدمات را تحت اوضاع و احوالی پذیرفته که هر شخص معقولی [اگر در آن

شرایط بود] قول به پرداخت وجه می داد.

۱۹۱ - لیکن راکول ثابت نکرده است که وزارت دفاع این خدمات را قبول کرده است. برطبق گزارش راکول راجع به جلسه مورخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹] در تهران، راکول به نماینده وزارت دفاع متذکر شد که کماکان، به ویژه برای تأمین خدمات حفاظتی از طریق فیش باخ - عمان متحمل هزینه می شود. در گزارش آمده است که: " نه خریدار و نه هیچیک از نمایندگان ایرانی، دستور یا رهنمودی به ما ندادند، گرچه ضمن توضیحات و مذاکراتمان خواستار چنین دستوراتی شدیم. خریدار درمورد زمان پرداخت صورتحسابها، و اصولاً پرداخت آنها تعهد قاطعی نداد...". چنین سکوتی از جانب نمایندگان وزارت دفاع را منطقی نمی توان تصویب یا پذیرش ادامه فعالیت راکول تلقی کرد و اصولاً راکول در آن اوضاع و احوال، قانوناً مستحق دریافت وجه بابت این خدمات نبود.

۱۹۲ - دیوان داوری نتیجه می گیرد که، راکول، بنا به دلایل تجاری خود ریسک ادامه تحمل هزینه ها را برای نگهداری پروژه در وضعیت تعلیق، و ظاهراً به امید اینکه وزارت دفاع پروژه آیکس را از سرخواهد گرفت، تقبل کرد. این ریسک در عمل تحقق پیدا کرد. لیکن این دلیلی نیست که بر مبنای آن بتوان وزارت دفاع را مسئول هزینه های راکول دانست. از اینرو، راکول مستحق دریافت هیچگونه هزینه یا حق الزحمه "اجرا" پس از نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] نیست.

۴ - هزینه های فسخ

۱۹۳ - راکول، علاوه بر هزینه ها و حق الزحمه های اجرای قرارداد تا زمان فسخ آن، مستحق هزینه های فسخ نیز هست. ماده ۷ - ۶ قراردادها مقرر می دارد که

در صورت فسخ به صلاحدید وزارت دفاع، " هزینه‌های واقعی تصویب شده تا زمان خاتمه و دستمزد مربوطه به اضافه مخارج واقعی مصوبه خاتمه کار" به راکول پرداخت خواهد شد. مخارج خاتمه کار، کلیه هزینه‌های لازم جهت برچیدن پروژه را دربر می‌گیرد.

۱۹۴ - بنابراین، هزینه‌های انجام شده راکول جهت اجرای قرارداد پس از نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹]، بعنوان هزینه‌های فسخ قابل دریافت نیست. در جلسه استماع، راکول تأیید کرد که "هیچیک" از هزینه‌هایی که حسب ادعا هزینه‌های انجام شده جهت اجرا پس از نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] است در واقع هزینه خاتمه کار نبوده است. بنابه اظهار راکول، حتی صورتحسابهای مورخ نهم مردادماه، نهم شهریورماه و هشتم مهرماه ۱۳۵۹ (به ترتیب ۳۱ ژوئیه، ۳۱ اوت و ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰) فیش باخ - عمان به راکول به مبلغ ۱۹۸،۹۰۶ دلار مربوط به "کالاها و خدمات سفارش شده (و بعضاً" تحویل شده) طبق قرارداد، تا قبل از نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰] می‌شود، یعنی تاریخی که راکول آنرا تاریخ فسخ قرارداد می‌شناسد. بنابراین، هزینه‌های مزبور را نمی‌توان مخارج "خاتمه" کار دانست.

۱۹۵ - به عنوان یکی از اقلام هزینه فسخ، راکول مبلغ ۱۹۶،۴۶۷ دلار هزینه‌های دادرسی مطالبه می‌کند، که حسب ادعا به آن دلیل متحمل شده که فسخ قراردادها توسط وزارت دفاع، منجر به یک اختلاف حقوقی بین راکول و یکی از پیمانکاران فرعی وی در ایالات متحده شده است. لیکن راکول وجود رابطه علی بین فسخ قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ و اختلاف با پیمانکار فرعی خود را ثابت نکرده است. راکول، نه موضوع اختلاف و نه نکات مورد اختلاف را بیان نکرده است. لذا، ادعا بعلت فقد دلیل رد می‌شود.

۱۹۶ - علاوه بر این، راکول تحت عنوان هزینه‌های فسخ، مبلغ ۶،۲۲۱ دلار بابت فسخ اجاره دفتر کار خود در تهران و مبلغ ۲،۹۸۴ دلار برای فسخ قراردادش با یکی از کارمندان خود در تهران، مطالبه کرده است. این اقلام، در شمول تعریف هزینه‌های فسخ است. بعلاوه، دیوان داوری متقاعد شده است که راکول این هزینه‌ها را واقعا متحمل شده و از اینرو مبلغ ۹،۲۰۵ دلار بابت این ادعاها به نفع وی حکم می‌دهد.

۱۹۷ - راکول، همچنین مبلغ ۳۰۹،۸۸۳ دلار بابت "بدهی احتمالی به فیش باخ - عمان" مطالبه می‌کند. دیوان داوری، بر مبنای ادله و مدارک موجود نزد خود، مبنای کافی برای این ادعا نمی‌یابد. فیش باخ - عمان در "صورت حساب نهایی" خود به تاریخ هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰]، این مبلغ را به بستانکاری راکول منظور و آنرا "تعدیل دستمزد" توصیف کرد. مدرکی ارائه نشده که ثابت کند فیش باخ - عمان برای استرداد این بستانکاری، ادعایی داشته باشد. از اینرو، ادعا مردود شمرده می‌شود.

۱۹۸ - بنابراین، دیوان بر این نظر است که راکول ادعای خود بابت هزینه‌های فسخ را فقط در مورد فسخ اجاره نامه و قرارداد استخدامی ثابت نموده و مبلغ ۹،۲۰۵ دلار بابت این ادعا حکم می‌دهد. باتوجه به این واقعیت که ماده ۷ - ۶ [قرارداد] بین هزینه‌های اجرا و خاتمه، تمیز قابل شده و در رابطه با هزینه‌های فسخ اشاره به حق الزحمه‌ای نشده، لذا دیوان این شرط را چنین تفسیر می‌کند که راکول مستحق حق الزحمه نسبت به هزینه‌های فسخ نیست.

۱۹۹ - گرچه ادعای حاضر، بابت هزینه‌های خاتمه قرارداد است که در اوضاع و احوال عادی فقط پس از شرح کافی و صدور صورت حساب مقتضی قابل پرداخت می‌شود، مع هذا،

نظر دیوان اینست که باتوجه به امتناع قبلی وزارت دفاع از اجابت ادعاهای راکول، باید فرض کرد که هزینه‌ها، حتی بدون صدور صورتحساب رسمی قابل پرداخت گردیدند. با درنظر گرفتن تاریخ پرداخت این هزینه‌ها توسط راکول، و همچنین مدت معقولی برای بررسی آنها، سررسید پرداخت این ادعا، هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰] تعیین می‌شود.

۵ - خسارات

الف) عدم النفع

۲۰۰ - راکول مبلغ ۱۷،۳۲۳،۰۴۰ دلار بعنوان عدم النفع مطالبه و استدلال می‌کند که عمل وزارت دفاع در فسخ قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ دلخواهانه و ایدایی بوده‌است. رقم مزبور، حسب ادعا حداکثر حق الزحمه کلیه کارهای تمام نشده موضوع قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ است، اعم از کارهایی که اجازه داده شد یا اجازه داده نشده بود.

۲۰۱ - بموجب ماده ۷ - ۶ قراردادهای وزارت دفاع حق دارد قرارداد را "بدون تقصیر" پیمانکار در هر زمانی فسخ کند. بنابراین، چون وزارت دفاع طبق قرارداد حق داشته که قراردادها را فسخ کند، عمل فسخ را نمی‌توان نقض قرارداد تلقی کرد و راکول را مستحق خسارات دانست. به عکس، در ماده ۷ - ۶، حدود مطالبات راکول در صورت فسخ به صلاحدید وزارت دفاع، مشخص شده است. طبق این ماده، راکول استحقاق دارد "هزینه‌های واقعی تصویب شده را تا زمان خاتمه و دستمزد مربوطه به اضافه مخارج واقعی مصوبه خاتمه کار" را دریافت دارد، اما مستحق خسارتی بابت عدم النفع نیست. مقایسه شود با: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، ص ص ۲۹، ۳۰ (انگلیسی) صادره در پرونده سیلوانیا، (منتشره در

319 Iran-U.S. C.T.R. 8) ، حکم جزئی شماره ۱-۹۳-۲۸۹، پاراگراف‌های ۸۱ تا ۸۳ صادره در پرونده فورد ارواسپیس، (منتشره در 45 Iran-U.S. C.T.R. 14) ، و حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، پاراگراف‌های ۱۵۱، ۱۵۲ صادره در پرونده هریس (منتشره در 76 Iran-U.S. C.T.R. 17) . بنابراین، نه طبق ماده ۷ - ۶ قراردادهای و یا تحت عنوان خسارت نقض قرارداد، عدم‌النفع قابل مطالبه نیست. لذا، ادعا مردود شناخته می‌شود.

ب) هزینه‌های اعتبارات اسنادی اتکایی

۲۰۲ - طبق قراردادهای راکول ملزم بود ضمانت‌نامه‌های حسن انجام کار و پیش پرداخت، به نفع وزارت دفاع تسلیم نماید. بنابراین، راکول تعداد ۱۹ فقره ضمانت‌نامه جمعا" به مبلغ ۲۸،۰۷۴،۷۳۰ دلار بابت قرارداد شماره ۱۱۹ در بانک سپه ایران افتتاح نمود و این ضمانت‌نامه‌ها با اعتبارات اسنادی اتکایی صادره توسط ملون بنک در ایالات متحده تضمین شد. علاوه بر این، راکول دو فقره ضمانت‌نامه جمعا" به مبلغ ۲،۳۶۴،۷۸۲ دلار جهت قرارداد شماره ۱۲۰ در بانک تجارت ایران افتتاح کرد که تضمین آنها با اعتبارات اسنادی اتکایی صادره توسط سیتی بنک در ایالات متحده انجام شد. همچنین رجوع شود به پاراگراف‌های ۲۳۳-۲۳۴ در زیر. ادعای خسارت در رابطه با این ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی اتکایی به سه دسته تقسیم می‌شود: (۱) حق‌الوکاله (۲) هزینه قرار منع و (۳) کارمزدهای بانک.

الف الف) حق‌الوکاله

۲۰۳ - در اواسط مارس ۱۹۸۰، وزارت دفاع وجه کلیه ضمانت‌نامه‌های بانکی صادره توسط پیمانکاران آیکس، از جمله راکول را مطالبه کرد. بانک ایرانی که ضمانت‌نامه‌ها را

صادر کرده بود نیز به نوبه خود وجه اعتبارات اسنادی اتکایی را خواستار شد. در نتیجه، راکول در آوریل و مه ۱۹۸۰ قرار منع پرداخت مبلغ اعتبارات اسنادی اتکایی تحصیل نمود و اکنون هزینه‌های حقوقی که حسب ادعا در رابطه با جلوگیری از پرداخت طبق تعهدات بانکی به مبلغ ۹۰۲،۵۶۳ دلار متحمل شده، به اضافه ۴ درصد هزینه‌های عمومی و اداری و ۱۰ درصد بابت حق‌الزحمه، مطالبه می‌کند.

۲۰۴ - دیوان براساس نتیجه گیریهای خود در پرونده حاضر، براین نظر است که وزارت دفاع حق نداشت که وجوه ضمانت نامه‌های مربوط به حسن انجام کار و پیش پرداخت را مطالبه کند و لذا این تقاضاها غیرقانونی بوده است. دیوان، هماهنگ با حکم صادره در پرونده هریس، وزارت دفاع را مسئول پرداخت خسارات، از جمله حق‌الوکاله ناشی از این تقاضاهای غیرقانونی می‌شناسد. رجوع شود به: حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، پاراگراف‌های ۵۷-۱۵۶ صادره در پرونده هریس، (منتشره در 77-78 Iran-U.S. C.T.R. 17). دیوان، مضافاً بر مبنای اسناد و مدارک تسلیمی راکول و اظهارات وی در جلسه استماع، متقاعد شده است که راکول در رابطه با جلوگیری از پرداخت طبق تعهدات بانکی مبلغ ۹۰۲،۵۶۳ دلار هزینه بابت حق‌الوکاله متحمل شده و از اینرو، مستحق دریافت خسارات به همین مبلغ می‌باشد.

۲۰۵ - علاوه بر این، راکول استدلال می‌کند که حق‌الوکاله مزبور را باید بعنوان هزینه‌های انجام شده طبق قراردادها تلقی کرد که ویرا مستحق ۴ درصد هزینه‌های عمومی و اداری و ۱۰ درصد بابت حق‌الزحمه می‌نماید. لیکن از نظر دیوان، هزینه‌های مورد بحث از نقض تعهدات قراردادی ناشی می‌شود و نه از اجرای قرارداد به ترتیبی که در شرایط ناظر بر حق‌الزحمه در قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ پیش بینی شده است. در نتیجه، هزینه‌های یاد شده در شمول تعریف "خسارات" قرار می‌گیرد که در مورد آن راکول حقی نسبت به حق‌الزحمه‌های

قراردادی و یا نرخ مقطوع ۴ درصد هزینه‌های عمومی و اداری ندارد. راکول توضیح بیشتری در مورد هزینه‌های اداری که واقعا متحمل شده، نداده است. بنابراین مبنایی وجود ندارد تا حکم به این قبیل هزینه‌ها داده شود و دیوان لزومی نمی‌بیند تعیین کند که در غیر اینصورت چه مبلغ قابل دریافت می‌بود.

۲۰۶ - لذا، دیوان حکم به مبلغ ۹۰۲،۵۶۳ دلار بابت این ادعا می‌دهد. در تعیین موعد پرداخت این ادعا، دیوان به این نکته توجه می‌نماید که مبلغ مزبور بعنوان خسارت داده می‌شود. اصولاً، راکول به مجرد ورود خسارت مستحق دریافت آن می‌شود مشروط بر آنکه وزارت دفاع می‌دانسته و یا می‌بایستی می‌دانست که قرارداد را نقض کرده است. در مورد پرونده حاضر، وزارت دفاع می‌بایستی می‌دانست که تقاضاهای وی برای دریافت کلیه وجوه ضمانت نامه‌های بانکی، طبق قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ غیر قانونی است. در چنین شرایطی، غیر منطقی است راکول را ملزم دانست که قبل از "قابل پرداخت" شدن ادعای پرداخت خسارات، میزان دقیق خسارات متحمله را رسماً به وزارت دفاع اطلاع دهد. در پرونده حاضر، دیوان فرض می‌کند که راکول حق الوکاله‌های مربوط به دعاوی مطروحه در آوریل و مه ۱۹۸۰ جهت صدور قرار منع را حداکثر تا هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰] پرداخت کرده است و از اینرو، هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰] را سررسید پرداخت این ادعا تعیین می‌نماید.

ب ب) هزینه قرار منع

۲۰۷ - راکول، مدارک مستندی ارائه کرده مبنی بر اینکه وی در رابطه با دعاوی مطروحه در ایالات متحده، دو فقره سند تضمین تحصیل نموده است. بطوریکه در اظهاریه المر اس. هاید اینک ذکر شده، راکول متعهد شد که از ماه مه ۱۹۸۰،

سالانه مبلغ ۱۰۰۰ دلار بابت سند تضمین شماره ۲۵۴۷۱۸۹ صادره به مبلغ ۱،۰۰۰،۰۰۰ دلار در دعوی راکول اینترنشنال سیستمز اینک علیه ملون بنک و بانک سپه، پردازد. بعلاوه، وی متعهد شد که از همان تاریخ، سالانه مبلغ ۲۰۰ دلار بابت سند تضمین شماره ۲۵۵۳۲۷۳ صادره به مبلغ ۲۰،۰۰۰ دلار در دعوی راکول اینترنشنال سیستمز اینک علیه سیتی بنک ان آ. و بانک تجارت، پردازد. تعهد پرداخت هزینه‌های مزبور بابت اسناد تضمین، از عمل غیر قانونی وزارت دفاع در مطالبه وجه ضمانت نامه‌های بانکی ناشی شده است. ادله و مدارک تسلیمی شرایط تمديد و فسخ اسناد تضمین را دقیقاً معلوم نمی‌سازد. لذا، دیوان حکم به پرداخت هزینه‌های متحمل راکول جهت نگهداری اسناد تضمین تا پایان مه ۱۹۸۹ به مبلغ ۱۰،۸۰۰ دلار را بعنوان خسارت به اضافه بهره متعلقه از تاریخ تقریبی ۱۱ دیماه ۱۳۶۳ [اول ژانویه ۱۹۸۵] که تاریخ حد وسط است منطقی می‌یابد. ادعای حق‌الزحمه‌ها و هزینه‌های عمومی و اداری رد می‌شود. رجوع شود به: پاراگراف ۲۰۵ بالا.

ج ج) کارمزدهای بانک

۲۰۸ - راکول همچنین کارمزدهایی را که به ملون بنک و سیتی بنک جهت نگهداری اعتبارات اسنادی اتکایی صادره تحت قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ پرداخته، مطالبه می‌کند. ادعای حاضر به دسته‌های جزئی زیر تقسیم می‌شود:

- الف) کارمزدهای پرداختی تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰]: ۱۹۰،۷۱۶ دلار
- ب) کارمزدهای پرداختی از دهم تیرماه ۱۳۵۹ تا نهم شهریورماه ۱۳۶۶ [اول ژوئیه ۱۹۸۰ تا ۳۱ اوت ۱۹۸۷]: ۱،۲۹۰،۶۸۹ دلار
- ج) کارمزدهای پرداختی تا آزاد شدن اعتبارات اسنادی: روزانه ۴۸۷/۴۱ دلار
- د) بدهی "احتمالی" به سیتی بنک: ۳۷،۷۰۷ دلار

راک ول، مضافاً خواستار ۱۰ درصد حق الزحمه و ۴ درصد هزینه‌های عمومی و اداری بابت این هزینه‌ها است.

۲۰۹ - ماده ۴-۷ قراردادها مقرر می‌دارد که "چنانچه..... کارفرما بنا به هر علتی..... قرارداد را فسخ نماید، کلیه ضمانتنامه‌های بانکی حسن انجام کار فوراً آزاد خواهد شد." بموجب ماده ۵ - ۷، ضمانت نامه‌های بانکی پیش پرداختها می‌بایست ظرف چهار هفته پس از تسویه مبلغ پیش پرداخت آزاد شوند.

۲۱۰ - نظر دیوان اینست که وزارت دفاع ملزم بود بنا به نص صریح مواد مزبور، کلیه ضمانت نامه‌ها بانکی را ظرف مدت زمان معقولی پس از بررسی مطالبات طرفین آزاد کند. در اوضاع و احوال پرونده حاضر، بررسی مزبور می‌بایست تا نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] به پایان می‌رسید. رجوع شود به: پاراگراف ۱۴۴ بالا. بنابراین، وزارت دفاع ملزم بوده که کلیه ضمانت نامه‌های بانکی را حتی بدون تقاضای خاصی از جانب راکول تا تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] آزاد کند. عدم انجام اینکار توسط وزارت دفاع، نقض قرارداد محسوب می‌شود و وزارت دفاع مسئول آن است. (۱۷) از اینرو، راکول مستحق پس گرفتن کارمزدهای بانکی است که جهت نگهداری تعهدات بانکی پس از تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] پرداخت کرده است. لیکن هزینه‌های مزبور در گروه خسارات قرار می‌گیرد و لذا راکول استحقاق حق الزحمه‌های اضافی را ندارد.

(۱۷) همچنین رجوع شود به: حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، پاراگراف ۱۵۸، صادره در پرونده هریس، (منتشره در 78 Iran-U.S. C.T.R. 17). لیکن، در آن پرونده ادعای کارمزدهای اعتبار اسنادی بعلت فقد دلیل رد شد.

۲۱۱ - وزارت دفاع استدلال می‌کند که راکول به وظیفه خود در تقلیل میزان خساراتش عمل نکرد، زیرا وی می‌توانسته طبق مقررات دولتی ایالات متحده برای احتراز از پرداخت حق الزحمه نگهداری اعتبارات اسنادی اتکایی، اقدام به گشایش "حساب مسدود" نماید، و باید چنین می‌کرد. دیوان بر این نظر است که گرچه ممکن است که راکول می‌توانست دست به این اقدام بزند، لکن بهیچوجه مکلف نبوده که با افتتاح "حساب مسدود" خسارات خود را تقلیل دهد.

۲۱۲ - اجازه ایجاد "حسابهای مسدود" بموجب بند شماره ۵۳۵-۵۶۸ مقررات کنترل داراییهای ایران صادره خزانه داری ایالات متحده، داده شد. مقررات مزبور در ۲۸ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۹ دسامبر ۱۹۷۹] نفاذ قانونی یافت و در تاریخهای ۱۹ دیماه ۱۳۵۸ [نهم ژانویه ۱۹۸۰] و سوم فروردین ماه ۱۳۶۱ [۲۳ مارس ۱۹۸۲] اصلاح گردید. رجوع شود به: 31 C.F.R. Section 535.568 (1982). هدف از تدوین بند شماره ۵۳۵-۵۶۸ اقدامی موقتی بود جهت حمایت از طرفهای امریکایی حسابها در برابر تقاضاهای مربوط به اعتبارات اسنادی اتکایی در طول بحران گروگانگیری. رجوع شود به: آگهی‌های (روزنامه رسمی)، 47 Fed. Reg. 366-67 (5 Jan. 1982, (No. 2). بسیاری از اصحاب دعاوی امریکایی، از جمله چند پیمانکار آیکس، از این امکان استفاده کردند.

۲۱۳ - از سوی دیگر، راکول در ۲۰ فروردینماه ۱۳۵۹ [نهم آوریل ۱۹۸۰] و ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [دوم مه ۱۹۸۰] جهت منع پرداخت از اعتبارات اسنادی، علیه ملون بنک و سیتی بنک در نیویورک طرح دعوی و در هر دو، قرار منع تحصیل کرد. لیکن طبق قرار صادره مقرر شد که مادام که اعتبارات اسنادی به قوت خود باقی است، راکول مسئول پرداخت کارمزدهای بانکی خواهد بود.

۲۱۴ - دیوان داوری، بدواً خاطر نشان می‌سازد که بند ۵۶۸ - ۵۳۵ مشخصاً اصحاب دعاوی امریکایی را از طرح "هرگونه مدافعه حقوقی دیگر در رابطه با پرداخت" از اعتبارات اسنادی اتکایی، منع نکرد. رجوع شود به: 31 C.F.R. Section 535.568(e) (1982). در واقع، بسیاری دیگر از اصحاب دعاوی، قرار منع تحصیل نمودند که بعضاً همراه با "حساب مسدود" بود.

۲۱۵ - بعلاوه، در مقررات مزبور مقرر می‌شود که "چنانچه از اسناد و پرداختهای موضوع این بخش بعداً رفع انسداد بعمل آید، مفاد این بخش بر تعهد طرفهای مختلف اسناد موضوع آن تأثیر نخواهد داشت." 31 C.F.R. Section 535.568(f) (1982). بر همین اساس، در آگهی منتشره در Federal Register چنین آمده است:

ایالات متحده خاطر نشان می‌سازد که امکان دارد در زمانی در آینده تصمیم بگیرد که مقتضی است سیاست فعلی در مورد اعتبارات اسنادی اتکایی تغییر یابد. در آن صورت ممکن است مفاد مربوط به اسناد یاد شده اصلاح یا لغو گردد. بخشهایی که ممکن است کلاً یا بعضاً تحت تأثیر واقع شوند عبارتند از ... ۵۳۵-۵۶۸ . Notices, 47 Fed. Reg. 366-67 (5 Jan. 1982, No. 2)

۲۱۶ - علاوه بر این، ایران، به استناد بیانیه‌های الجزیره، به اعتبار قانونی این مقررات در پرونده شماره الف ۱۵، بخش اول: ج (جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا) مطروحه در دیوان داوری حاضر، ایراد دارد.

۲۱۷ - سبب توجیه به این پیشینه، دیوان نمی‌تواند نظر دهد که تردید راکول در مورد کفایت حمایت‌های موضوع مقررات خزانه داری، تردید غیر معقولی بوده است. از آنجا که تردیدهای مزبور غیر معقول نبوده، نمی‌توان این امر را که راکول از بین دو طریق واکنش ممکن در برابر تخلف وزارت دفاع، طریقی را که از نظر وی حمایت بهتری

برای وی فراهم می‌کرده، انتخاب کرده، علیه وی تعبیر کرد. ریسک این امر متوجه وزارت دفاع است که طرف متخلف بود. بنابراین، عمل راکول در تحصیل قراردادهای منع، به جای افتتاح حساب مسدود، برای منع پرداخت وجوه اعتبارات اسنادی اتکایی، عدم ایفای وظیفه تقلیل میزان خسارات وی به شمار نمی‌رود.

۲۱۸ - پس از این نتیجه‌گیری که علی‌الاصول وزارت دفاع مسئول پرداخت کارمزدهای بانکی است، دیوان اکنون حدودی را که راکول میزان خسارات خود را به اثبات رسانده تعیین می‌نماید. راکول مدعی است که تا آخر ژوئن ۱۹۸۰ [یعنی تیرماه ۱۳۵۹]، کلاً مبلغ ۷۱۶،۱۹۰ دلار بابت کارمزدهای بانکی به ملون بنک و سیتی بنک پرداخته است. لیکن، ادعا باید تعدیل شود، زیرا راکول فقط از تاریخی که وزارت دفاع می‌بایستی ضمانت نامه‌های بانکی را آزاد می‌کرد، یعنی از دهم آبانماه ۱۳۵۸ [اول نوامبر ۱۹۷۹] مستحق دریافت کارمزدهای بانکی است. رجوع شود به: پاراگراف ۲۱۰ بالا. بدینسان، راکول حق دارد فقط یک سوم مبلغ اطلاعیه بدهکاری مورخ ۷۹/۱۲ صادره ملون بنک، یا مبلغ ۱۴،۶۲۲ دلار به اضافه کل مبلغ ۸۸،۷۰۸ دلار مذکور در اطلاعیه‌های بدهکاری مورخ ۸۰/۳ و ۸۰/۶ صادره ملون بنک جمعاً مبلغ ۱۰۳،۳۳۰ دلار بابت دوره منتهی به ۱۲ خرداد ۱۳۵۹ (دوم ژوئن ۱۹۸۰) را دریافت نماید. علاوه براین، راکول حق دارد کارمزدهای سیتی بنک به مبلغ ۱،۴۷۸ دلار در ماه را از تاریخ دهم آبانماه ۱۳۵۸ [اول نوامبر

(۱۸) ظاهراً ملون بنک بابت مدت قبل از آن تاریخ صورت‌حساب ارسال کرده بود. گرچه اطلاعیه بدهکاری ارائه نشده، معیناً سوابق حاکی است که صورت‌حساب شامل دوره‌ای از اوایل سپتامبر ۱۹۷۹ تا اوایل دسامبر ۱۹۷۹ بوده است.

۱۹۷۹] الی ژوئن ۱۹۸۰ جمعا" به مبلغ ۱۱،۸۲۴ دلار دریافت نماید. بنابراین، دیوان بابت کارمزدهای بانکی تا آخر ژوئن ۱۹۸۰ مجموعاً مبلغ ۱۱۵،۱۵۴ دلار به نفع راکول حکم می‌دهد.

۲۱۹ - گذشته از این، دیوان داوری متقاعد شده است که راکول بابت دوره ۱۲ خرداد ۱۳۵۹ الی نهم شهریورماه ۱۳۶۶ [دوم ژوئن ۱۹۸۰ الی ۳۱ اوت ۱۹۸۷] مبلغ ۱،۲۹۰،۶۸۹ دلار کارمزد به ملون بنک پرداخته (۱۹) و کماکان ملزم است سالانه ۰/۶۲۵ درصد کارمزد بانکی نسبت به مبلغ ۲۸،۰۷۴،۷۳۰ دلار به ماخذ ۳۶۰ روز، یعنی روزانه مبلغ ۴۸۷/۴۱ دلار از تاریخ نهم شهریورماه ۱۳۶۶ [۳۱ اوت ۱۹۸۷] تا هنگام فک تعهدات بانکی، بپردازد.

۲۲۰ - حکم صادره در پرونده حاضر باید راکول را قادر سازد که از هر تعهد مداومی تحت اعتبارات اسنادی اتکایی تبری حاصل کند. به‌صرفت، دیوان مبنایی برای قبول یا ابقاء صلاحیت نسبت به ادعاهای ناشی از عدم رعایت مفاد این حکم نمی‌یابد. رجوع شود به: پاراگراف ۲۳۵، در زیر. بنابراین، دیوان ثبت حکم حاضر در دفتر دیوان را تاریخ قطع تعلق کارمزدهای بانکی قرار می‌دهد. بر همین اساس، راکول استحقاق دارد بابت دوره تقریباً "دو ساله از دهم شهریور ۱۳۶۶ [اول سپتامبر ۱۹۸۷] الی تاریخ ثبت حکم حاضر در دفتر دیوان، مبلغ ۳۵۰،۹۳۴ دلار بابت کارمزدهای ملون بنک دریافت دارد. از اینرو، جمعا" مبلغ ۱،۷۵۶،۷۷۷ دلار بابت کارمزدهای بانکی به نفع راکول حکم داده می‌شود.

(۱۹) راکول از عهده اثبات پرداخت دستمزد بانکی به مبلغ ۱،۴۶۲ دلار برای "سه روز دیگر" برنیامده است.

۲۲۱ - ادعای مبتنی بر بدهی "احتمالی" ادعایی به سیتی بنک به مبلغ ۳۷،۷۰۷ دلار بابت دوره دهم تیرماه ۱۳۵۹ الی ۲۴ مردادماه ۱۳۶۱ [اول ژوئیه ۱۹۸۰ تا ۱۵ اوت ۱۹۸۲] بعلت فقد ادله مسموع، مردود شناخته می شود. رجوع شود به: پاراگراف ۶۴ بالا.

۲۲۲ - راکول همچنین استحقاق دارد بهره کارمزدهای بانکی پرداختی را از تاریخی که پرداخت نموده دریافت کند. رجوع شود به: پاراگراف ۲۰۶ بالا. دیوان مناسب می بیند که حکم بهره را از تاریخ حد وسط تقریبی، یعنی نهم مهرماه ۱۳۶۳ [اول اکتبر ۱۹۸۴]، نسبت به کل مبلغ کارمزدهای بانکی مورد حکم، صادر کند.

۶ - بستانکاریهای وزارت دفاع

۲۲۳ - پاره ای مبالغ باید به بستانکاری وزارت دفاع منظور شود. اختلافی نیست که راکول مبلغ ۱۱،۰۷۵،۴۷۶ دلار پیش پرداخت در اختیار دارد که در صورتحسابهای خود تا نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] به بستانکاری وزارت دفاع منظور نکرده است. نظر به اینکه مبلغ مزبور از ابتدای پروژه در اختیار راکول بوده، لذا با اولین مبالغ بدهی وزارت دفاع به راکول تسویه خواهد شد.

۲۲۴ - راکول همچنین قبول دارد که عواید فروش پاره ای تجهیزات نیز باید به بستانکاری وزارت دفاع منظور شود. مبلغ مزبور به ترتیب زیر تفکیک می گردد:

دلار	۱۶۹،۱۲۴	پناهگاههای قابل حمل	(یک)
"	۵۲۶،۵۷۳	رادیوهای ا.ج. اف	(دو)
"	۱۹،۳۶۹	اقلام متفرقه	(سه)
<hr/>			
"	۷۱۵،۰۶۶	جمع بستانکاریها	
<hr/>			

۲۲۵ - علاوه بر این، دیوان بر این نظر است که پاره‌ای مبالغ که فیش باخ - عمان در "صورت‌حسابهای نهایی" خود به تاریخ هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰] به بستانکاری راکول منظور نموده، باید به بستانکاری وزارت دفاع منظور شود. این بستانکاریها عبارتند از:

فروش تجهیزات	۳۶۱،۰۰۰	دلار
وجوه مسترد شده بابت سی ام - ۱-۰۷۹	۱۱۱،۲۱۷	"
پیش پرداخت کرایه حمل دریایی	۶۰،۰۰۰	"
لغو اعتبار اسنادی اوتیس	۹۱،۵۸۷	"
تعدیل حق الزحمه	۳۰۹،۸۸۳	"
جمع	۹۳۳،۶۸۷	دلار

راکول این بستانکاریها را در محاسبه ادعای خود منظور و ادعا را متناسباً کاهش داد. (۲۰) این امر نشانه آنست که راکول، اصولاً استحقاق وزارت دفاع نسبت به این وجوه را قبول دارد. بعلاوه، "خلاصه صورت‌حساب پیمانکار عمده دست دوم" که توسط راکول تسلیم گردیده حاکی است که این بستانکاریها در صورت‌حسابهای فیش باخ - عمان تا پایان سپتامبر ۱۹۷۸ عمل شده است. از آنجا که اشاره دیگری راجع به اعمال این بستانکاریها وجود ندارد، دیوان مناسب می‌بیند که کلیه بستانکاریها با ادعای راکول جهت اجرای قرارداد تا فسخ آن، و نه با ادعای

(۲۰) راکول، ادعایی بر مبنای بدهی "احتمالی" ادعایی به فیش باخ - عمان معادل ۳۰۹،۸۸۳ دلار بعنوان بستانکاری بابت "تعدیل حق الزحمه"، مطرح کرد، لیکن این ادعا بعلت فقد دلیل مردود شمرده شد. رجوع شود به: پاراگراف ۲۲۱ بالا.

هزینه‌های انجام شده پس از آن که مردود شناخته شده، تسویه گردد.

۲۲۶ - باتوجه به اینکه راکول تاریخهای فروش ماشین آلات را مشخص نکرده و نیز باتوجه به اینکه راکول بستانکاری ۷۱۵،۰۶۶ دلاری بابت فروش ماشین آلات را با هزینه‌های بعد از ژوئن ۱۹۸۰ خود تسویه کرده، تصمیم دیوان اینست که این بستانکاری را با وجوهی که در تاریخ ۲۴ مردادماه ۱۳۵۹ [۱۵ اوت ۱۹۸۰] توسط وزارت دفاع قابل پرداخت بوده، تسویه نماید. به علاوه چون فیش باخ - عمان فقط در "صورتحساب نهایی" مورخ هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰] خود، مبلغ ۹۳۳،۶۸۷ دلار به بستانکاری راکول منظور نموده، تصمیم دیوان این است که این بستانکاری را با وجوهی که تا آن تاریخ توسط وزارت دفاع قابل پرداخت بوده، تسویه کند.

۷ - تسویه بستانکاریها با مبالغ مورد حکم و بهره آنها

۲۲۷ - مبالغ زیر به نفع راکول در حکم منظور شده است:

- (الف) - مبلغ ۲۰،۷۱۴،۸۴۳ دلار بابت مبالغ صورتحساب شده، قابل پرداخت در تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹]،
- (ب) - مبلغ ۱،۳۳۱،۵۳۲ دلار بابت حق الزحمه‌های صورتحساب نشده، قابل پرداخت در تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹]،
- (ج) - مبلغ ۳۶،۴۳۹ دلار بابت صورتحساب شماره ۲۵ فیش باخ - عمان برای اوت ۱۹۷۹، قابل پرداخت در نهم تیرماه ۱۳۵۹ [۳۰ ژوئن ۱۹۸۰]،
- (د) - مبلغ ۹،۲۰۵ دلار بابت هزینه‌های فسخ، قابل پرداخت در هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰]،

- (ه) - مبلغ ۹۰۲،۵۶۳ دلار بابت حق الوکاله دعاوی مربوط به اعتبارات اسنادی، قابل پرداخت در هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰]،
- (و) - مبلغ ۱،۷۵۶،۷۷۷ دلار بابت کارمزدهای بانکی، قابل پرداخت در نهم مهرماه ۱۳۶۳ [اول اکتبر ۱۹۸۴]،
- (ز) - مبلغ ۱۰،۸۰۰ دلار بابت هزینه قرار منع، "قابل پرداخت" در ۱۱ دیماه ۱۳۶۳ [اول ژانویه ۱۹۸۵]،

۲۲۸ - وزارت دفاع استحقاق دارد بستانکاریهای زیر را دریافت کند:

- (الف) - مبلغ ۱۴،۳۸۷،۳۰۱ دلار بابت پیش پرداختها که از این رقم، مبلغ ۳،۳۱۱،۸۲۵ دلار قبلاً در صورتحسابهای راکول تا نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] به بستانکاری [وزارت دفاع] منظور شده، و رقم ۱۱،۰۷۵،۴۷۶ دلار آن، عمل نشده باقی مانده است.
- (ب) - مبلغ ۷۱۵،۰۶۶ دلار بابت تجهیزاتی که راکول به فروش رسانده است، و
- (ج) - مبلغ ۹۳۳،۶۸۷ دلار که فیش باخ - عمان به بستانکاری راکول منظور کرده است.

۲۲۹ - دیوان داوری با در نظر گرفتن سررسیدهای بستانکاریها و با شروع از مبلغی که تقدم بیشتری دارد، مبادرت به تسویه آنها می نماید.

۲۳۰ - مبلغ ۱۱،۰۷۵،۴۷۶ دلار پیش پرداخت از ابتدای کار جهت تسویه توسط راکول در اختیار وی بوده است، و لذا بدواً باید با رقم ۲۲،۰۴۶،۳۷۵ دلار، قابل پرداخت در تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹]، تسویه شود، که با این عمل، مبلغ ۱۰،۹۷۰،۸۹۹ دلار در تاریخ نهم آبانماه ۱۳۵۸ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۹] قابل پرداخت

باقی می ماند. بستانکاری ۷۱۵،۰۶۶ دلاری، با مبلغ ۱۱،۰۰۷،۳۳۸ دلار قابل پرداخت در [۱۵ اوت ۱۹۸۰] تسویه می شود و مبلغ قابل پرداخت در آن تاریخ را به ۱۰،۲۹۲،۲۷۲ دلار کاهش می دهد. بستانکاری ۹۳۳،۶۸۷ دلاری، با مبلغ ۱۱،۲۰۴،۰۴۰ دلار قابل پرداخت در هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۳۰ سپتامبر ۱۹۸۰] تسویه می شود و مبلغ قابل پرداخت در آن تاریخ را به ۱۰،۲۷۰،۳۵۳ دلار کاهش می دهد.

۲۳۱ - در تعیین نرخ بهره، دیوان از رویه قبلی شعبه به شرح مندرج در پرونده سیلوانیا، تبعیت می کند. رجوع شود به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، ص ۳۴-۳۰ (انگلیسی) (منتشره در Iran-U.S. C.T.R. 320-22) 8. برای اساس، بهره مورد حکم برای راک ول، مبلغی است معادل نرخ که هر خواهان موفق، در صورتی که مبلغ مورد حکم را برای یکنوع سرمایه گذاری تجاری متداول در کشور خود استفاده می کرد، تحصیل می نمود. در مورد خواهانهای موفق امریکایی، شعبه معمولاً "نرخ متوسط بهره سپرده های شش ماهه را به کار برده و دوره تعلق بهره را از روز بعد از سررسید پرداختها تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از حساب تضمینی را به بانک امین می دهد، منظور می کند.

۲۳۲ - بنابراین، راکول نسبت به مبالغ زیر استحقاق دریافت بهره ساده به نرخهای زیر دارد:

نسبت به مبلغ ۱۰،۹۷۰،۸۹۹ دلار، به نرخ سالانه ۱۳/۵ درصد
از ۱۰ آبانماه ۱۳۵۸ تا نهم تیرماه ۱۳۵۹ [اول نوامبر ۱۹۷۹ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰]

نسبت به مبلغ ۱۱،۰۰۷،۳۳۸ دلار، به نرخ ۹/۵ درصد
از دهم تیرماه ۱۳۵۹ تا ۲۴ مردادماه ۱۳۵۹ [اول ژوئیه ۱۹۸۰ تا ۱۵ اوت
۱۹۸۰]

نسبت به مبلغ ۱۰،۲۹۲،۲۷۲ دلار، به نرخ سالانه ۱۱ درصد
از ۲۵ مردادماه ۱۳۵۹ تا هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۱۶ اوت ۱۹۸۰ تا ۳۰ سپتامبر
۱۹۸۰]

نسبت به مبلغ ۱۰،۲۷۰،۳۵۳ دلار، به نرخ سالانه ۱۲/۲۵ درصد
از نهم مهرماه ۱۳۵۹ تا نهم مهرماه ۱۳۶۳ [اول اکتبر ۱۹۸۰ تا اول اکتبر
۱۹۸۴]

نسبت به مبلغ ۱۲،۰۲۷،۱۳۰ دلار، به نرخ سالانه ۱۰/۷۵ درصد
از دهم مهرماه ۱۳۶۳ تا ۱۱ دیماه ۱۳۶۳ [دوم اکتبر ۱۹۸۴ تا اول ژانویه
۱۹۸۵]

نسبت به مبلغ ۱۲،۰۳۷،۹۳۰ دلار، به نرخ سالانه ۷/۷۵ درصد
از ۱۲ دیماه ۱۳۶۳ [دوم ژانویه ۱۹۸۵]، تا تاریخی که کارگزار امانی دستور
پرداخت از حساب تضمینی را به بانک امین بدهد.

۸ - سایر خواسته‌ها

الف - اعتبارات اسنادی اتکالی و ضمانت نامه‌های بانکی

۲۳۳ - راکول از دیوان خواستار است که نظر دهد که کلیه ضمانت نامه‌های بانک سپه مربوط به قرارداد ۱۱۹، به شماره‌های ۲۷۷۷-۲۷۶۰ و ۲۷۸۰-۲۷۷۹ و هر دو ضمانت نامه بانک تجارت درمورد قرارداد ۱۲۰، به شماره‌های ۸/۲۳۷ و ۸/۲۳۸ سالبه به انتفاع^۴ موضوع، ملغی و کان لم یکن می‌باشند. وی، مضافاً خواستار آنست که به وزارت دفاع دستور داده شود کلیه تقاضاهای خود را جهت پرداخت مسترد و از هرگونه مطالبه جدیدی در رابطه با ضمانت نامه‌های فوق‌الذکر خودداری نماید و ضمانت نامه‌ها را جهت لغو به بانک‌های مزبور تحویل و موجبات تحویل کلیه ضمانت نامه‌های ملون بنک آن. آ. در رابطه با قرارداد شماره ۱۱۹، به شماره‌های جی - ۱۳ الی جی - ۳۳ (مطابق با اعتبارات اسنادی شماره‌های ۴۰۵۶۱ الی ۴۰۵۸۱) توسط بانک سپه را جهت لغو به ملون بنک آن. آ. فراهم و بالاخره، موجبات تحویل هر دو اعتبار اسنادی اتکایی سیتی بنک آن. ا. مربوط به قرارداد ۱۲۰، به شماره‌های دبلیو سی جی - جی ۷۰۳۸۹ اف و دبلیو سی جی - جی ۷۰۳۹۰ اف توسط بانک تجارت به سیتی بنک آن. ا. را جهت لغو فراهم نماید. راکول، همچنین از دیوان تقاضا دارد که صلاحیت خود را نسبت به پرونده حاضر، جهت هرگونه اقدام لازم از جمله صدور حکم خسارات بیشتر، در صورتیکه از دستور دیوان ظرف ۹۰ روز از تاریخ حکم تبعیت نشود، حفظ نماید.

۲۳۴ - قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ رسماً در نهم شهریورماه ۱۳۵۸ [۳۱ اوت ۱۹۷۹] فسخ گردیدند. بنابراین، تضمین اجرای آنها پس از آن دیگر لزومی نداشت. مانده پیش پرداخت وزارت دفاع که دیگر لزومی به تضمین ندارد، به بستانکاری وی منظور شده است. در نتیجه، ضمانت نامه‌های حسن انجام کار و پیش پرداخت، هر دو اکنون سالبه به انتفاع^۴ موضوع می‌باشند. از اینرو، دیوان مقرر می‌دارد که وزارت دفاع ملزم است تقاضاهای پرداخت این ضمانت نامه‌ها را پس بگیرد و دیگر از مطالبه پرداخت آنها خودداری کند. وزارت دفاع مضافاً ملزم است

ضمانت نامه‌های یاد شده را باطل نموده و کلیه اقدامات لازم را جهت آزاد شدن اعتبارات اسنادی مقابل آنها انجام دهد. مدارک تسلیمی راکول حاکی است که ضمانت نامه های شماره ۲۷۷۵ و ۲۵۷۸ بانک سپه آزاد شده‌اند، و لذا رای صادره به ضمانت نامه های مزبور و یا ضمانت نامه‌های متقابل شماره ۶-۲۸ و ۶-۳۱ ملون بنک و یا اعتبارات اسنادی اتکایی متقابل ملون بنک به شماره‌های ۴۰۵۷۶ و ۴۰۵۷۹، مربوط نمی شود.

۲۳۵ - تقاضای راکول مبنی بر حفظ صلاحیت دیوان در پرونده حاضر جهت اقدام جدید در صورت عدم متابعت وزارت دفاع از این دستور، رد می‌شود. این تقاضا مربوط به اجرای حکم حاضر است و دیوان داوری نسبت به اختلافاتی که ممکن است از عدم تبعیت از حکم حاضر ناشی شود، صلاحیت ندارد. رجوع شود به: پاراگراف ۲۲۰ بالا.

(ب) - رسیدگیهای قضایی در ایران

۲۳۶ - راکول، مضافاً خواستار است که از جانب دیوان اعلام شود که حکم صادره در پرونده حاضر، دعوی مطروحه توسط وزارت دفاع علیه راکول در ایران را ملغی می‌کند. در تاریخ ۲۰ خردادماه ۱۳۶۱ [دهم ژوئن ۱۹۸۲]، وزارت دفاع در شعبه یک دادگاه عمومی تهران علیه راکول طرح دعوی و بابت نقض قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ درخواست خسارت کرد و سرانجام غیاباً حکمی علیه راکول به مبلغ ۵۶،۰۸۱،۴۰۰ دلار که در تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۶۵ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۶] امضا شده بود تحصیل نمود.

۲۳۷ - در دو فقره قرار موقت صادره در پرونده حاضر، یعنی قرار موقت شماره

۱-۴۳-۱۷ مورخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ [پنجم مه ۱۹۸۳] (منتشره در 310 Iran-U.S. C.T.R. 2) و قرار موقت شماره ۱-۴۳-۲۰ مورخ ۱۶ خرداد ماه ۱۳۶۲ [ششم ژوئن ۱۹۸۳] (منتشره در 369 Iran-U.S. C.T.R. 2) ، دیوان این نظر وزارت دفاع را که دادگاههای ایران صلاحیت انحصاری نسبت به اختلاف حاضر دارند، رد کرد و نظر داد که ادعاء و همچنین ادعای متقابل در شمول صلاحیت دیوان است. بنابراین، صلاحیت دادگاههای ایران نسبت به ادعا و نیز به ادعای متقابل، بموجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، نفی شده است.

۲۳۸- دیوان داوری در اینجا استدلال مندرج در قرارهای موقت را تأیید می‌کند و نظر می‌دهد که دادگاههای ایران نسبت به ادعا یا ادعای متقابلی که موضوع پرونده حاضر است صلاحیت ندارند و لذا، حکمی که توسط شعبه اول دادگاه عمومی تهران در تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۶۵ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۶] صادر شد. فاقد اثر قانونی است. همچنین رجوع شود به: حکم شماره ۱-۴۸۰-۱۹۷، ص ص ۱۳-۱۲ (انگلیسی) در پرونده توش راس، (منتشره در 293-294 Iran-U.S. C.T.R. 9) .

۲۳۹- تقاضای راکول مبنی بر اینکه دیوان صلاحیت خود در این پرونده را حفظ نماید تا در صورت عدم حمایت وزارت دفاع از راکول در برابر دعوی مطروح در دادگاههای ایران، حکم خسارات بیشتری بدهد، بدلیل فقد صلاحیت رد می‌شود. رجوع شود به: پاراگرافهای ۲۲۰، ۲۳۵ بالا.

(ج) - درخواست اعلام نظر در مورد ادعاهای مربوط به مالیاتها و حقوق بیمه‌های اجتماعی ایران

۲۴۰- علاوه بر این، راکول خواستار اعلام نظر دیوان است دائر بر اینکه وزارت دفاع ملزم

است در برابر کلیه ادعاهای مربوط به مالیات و حقوق بیمه‌های اجتماعی ایران که برای وی وضع شده، از جمله ادعاهائی که وزارت دفاع در ادعای متقابل خود مطرح نموده از راکول حمایت و خسارت وی را جبران نماید. راکول به ماده ۱۰-۵ قراردادهای استناد می‌کند که مقرر می‌دارد که "تمام مالیاتها و عوارضی که ممکن است توسط دولت ایران بر پیمانکار یا کارمندان او ... تحمیل گردد، وسیله کارفرما پرداخت خواهد شد".

۲۴۱ - درخواست اعلام این نظر رد می‌شود. از نظر دیوان، ماده ۱۰ - ۵ در موقعیتی قابل اعمال است که پیمانکار، مالیاتها و عوارض را واقعا پرداخت کرده باشد و بدون تردید در این مورد چنین موقعیتی وجود ندارد. راکول ادعا نکرده است که وجوهی بابت مالیات یا حقوق بیمه اجتماعی پرداخت کرده که بازپرداخت آن بدهی دولت ایران باشد. بنابراین، چنین ادعایی، به شرح الزام بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا نبوده است و از اینرو، دیوان نسبت به تقاضای حاضر جهت صدور رأی اشعاری، اعلام عدم صلاحیت می‌کند.

۹ - ادعاهای متقابل

الف) خسارات

۲۴۲ - موضع وزارت دفاع این است که درحالیکه وی طبق تعهدات خود بموجب قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ عمل کرده، راکول از جهات متعددی این قراردادهای را نقض کرده است. وزارت دفاع اظهار می‌دارد که راکول طبق قراردادهای مرتکب قصور شده، و کاری که انجام شده، ناقص بوده و وسایل تحویل نشده است. وزارت دفاع

مضافاً اظهار می دارد که راکول بدون دادن اطلاعیه لازم، کارکنان خود را از ایران خارج و بدون دادن دستورات و تعلیماتی، پیمانکاران فرعی را رها کرده و کارگاه ساختمانی را بدون محافظ گذاشت. وزارت دفاع مدعی است که به دلیل این "بی توجیبی های عمدی" وی متحمل خسارات شدیدی شده و ادعاهای متقابل زیر را مطرح می سازد:

- (۱) استرداد پیش پرداختها به مبلغ ۱۴،۳۸۷،۳۰۱ دلار به اضافه بهره آن،
- (۲) پرداخت وجه ضمانت نامه های بانکی برای حسن انجام کار به مبلغ ۱۵،۰۰۳،۲۸۲ دلار و یا برطرف ساختن "موانع موجود در این رابطه"،
- (۳) پرداخت خسارات، "حداقل" به مبلغ ۸۰،۲۴۵،۰۰۰ دلار.

۲۴۳ - بر مبنای یافته های پرونده حاضر، ادعاهای متقابل مزبور باید رد شود. قراردادهای شماره ۱۱۹ و ۱۲۰ به این دلیل خاتمه یافتند که وزارت دفاع آنها را به صلاحدید خود فسخ کرد، نه بر اثر نقض قرارداد توسط راکول. علاوه بر این، در اوضاع و احوال مزبور، راکول حق داشت ماشین آلاتی را که در اختیار وی بود بفروشد، تا از میزان زیان خود بکاهد. بنابراین، وزارت دفاع مستحق دریافت خسارت از راکول نیست و نیز استحقاق دریافت وجوه موضوع ضمانت نامه های حسن انجام کار (۲۱) را ندارد.

(۲۱) بنابراین، دیوان لزومی نمی بیند که راجع به سمت طرفین برای طرح هرگونه ادعا راجع به ضمانت نامه های بانکی حسن انجام کار تصمیم بگیرد.

۲۴۴ - گرچه راکول در رابطه با اکثر تکلیفها تاخیر داشته، معهذاً، هر نوع مطالبه وجه ضمانت نامه‌های حسن انجام کار، تابع روش مقرر در ماده ۱- ۶ قراردادها بوده که به شرح زیر است:

در صورتیکه پیمانکار هریک از وظایف و تعهدات خود را طبق این قرارداد بطور صحیح انجام ندهد، کارفرما پیمانکار را کتباً از خطاها یا قصور او آگاه نموده و تاریخی را برای رفع این ایراد بدون هیچگونه تاخیر در برنامه زمانی مصوبه و یا هزینه‌های اضافی برای کارفرما تعیین خواهد نمود اگر پیمانکار ایراد مشروحه را ظرف آن مدت برطرف ننماید، کارفرما میتواند بنا به قضاوت خود قسمتی یا تمام ضمانتنامه‌های حسن انجام کار پیمانکار را بنفع خود وصول و ضبط نموده و مهلت دومی را برای رفع ایراد مذکور تعیین نماید. در صورتیکه پیمانکار در خلال این مدت دوم نیز در رفع ایراد تعیین شده قصور نماید کارفرما حق دارد قسمتی یا تمامی قرارداد را بدون پرداخت هیچگونه خسارتی فسخ نماید و اگر هنوز قسمتی از ضمانتنامه‌ها باقی مانده بود میتواند آنها را به نفع خود وصول نماید.

مدرکی در سوابق پرونده وجود ندارد که وزارت دفاع طبق روش مقرر در این باره عمل کرده باشد.

۲۴۵ - مانده پیش پرداختها تماماً" به عنوان بستانکاری وزارت دفاع در مقابل ادعا منظور شده است.

(ب) - حقوق بیمه‌های اجتماعی.

۲۴۶ - وزارت دفاع همچنین خواستار پرداخت حقوق بیمه‌های اجتماعی به مبلغ ۶،۸۴۹،۰۶۴ ریال بابت قرارداد شماره ۱۱۹ و ۵۰،۷۳۰،۷۸۷ ریال بابت قرارداد شماره ۱۲۰ می‌باشد. راک ول منکر مسئولیت بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی است.

۲۴۷ - رویه پذیرفته شده دیوان اینست که حقوق بیمه‌های اجتماعی منبعث از قانون است و نه از قراردادی که موضوع ادعاست. بنابراین، ادعای متقابل بابت حقوق بیمه‌های اجتماعی، "از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع ادعا" به شرح مقرر در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، ناشی نمی‌شود. از اینرو، ادعای متقابل خارج از صلاحیت دیوان است. رجوع شود فی‌المثل به: حکم شماره ۱-۶۴-۱۸، ص ص ۴۰، ۴۱ (انگلیسی) در پرونده سیلوانیا، (منتشره در 27-326 Iran-U.S. C.T.R. 8).

(ج) - مالیاتها

۲۴۸ - وزارت دفاع همچنین خواستار است که مالیاتهایی که حسب ادعاء به مبلغ ۱،۱۴۲،۴۴۵،۰۵۹ ریال بابت سال ۱۹۷۸ قابل پرداخت بوده، به اضافه جرایم سالانه جمعا" به مبلغ ۲۳۷،۹۶۴،۳۵۸ ریال به وی پرداخت شود. راکول هرگونه مسئولیت بابت مالیاتهای ایرانی را انکار می‌کند.

۲۴۹ - مالیاتها، مانند حقوق بیمه‌های اجتماعی، توسط قانون تکلیف شده و ناشی از قرارداد اصلی بین طرفین نیست. لذا، ادعای متقابل مالیاتها "از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع" ادعاء، به شرح مقرر در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی ناشی نمی‌شود. رجوع شود فی‌المثل به: حکم شماره ۱-۵۹-۱۹۱ ص ص ۳۷، ۳۸ (انگلیسی) در پرونده کوئستک (منتشره در 134 Iran-U.S. C.T.R. 9) ، و حکم شماره ۳-۱۷۳-۳۷۸، پاراگراف‌های ۱۲۰-۱۱۳ مورخ ۳۱ تیرماه ۱۳۶۷ [۲۲ ژوئیه ۱۹۸۸] صادره در پرونده هیوستن کانترآکتینگ کامپنی و شرکت ملی نفت ایران و سایرین، (منتشره در - Iran-U.S. C.T.R. -) . از اینرو، ادعای متقابل مالیاتها به دلیل فقد صلاحیت رد می‌شود.

۱۰ - هزینه‌ها

۲۵۰ - راک ول، مبلغ ۹۲۸،۰۳۶ دلار بابت هزینه‌های داوری مطالبه می‌کند. این مبلغ مشتمل است بر ۶۸۲،۱۰۰ دلار هزینه‌هایی که تا تاریخ دهم دیماه ۱۳۶۵ [۳۱] دسامبر ۱۹۸۶] و ۲۴۵،۹۳۶ دلار هزینه‌های داوری که پس از آن تاریخ انجام شده است. وزارت دفاع خواستار هزینه‌های داوری به مبلغی است که دیوان تعیین نماید.

۲۵۱ - دیوان داوری، بر مبنای ادله و مدارک تسلیمی متقاعد شده است که راک ول، هزینه‌های داوری به مبلغ مورد ادعا را متحمل شده است. با در نظر گرفتن ضوابط مندرج در حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ ص ۳۵ تا ۳۸ در پرونده سیلوانیا، (منتشره در 8 Iran-U.S. C.T.R. 323-24) ، و با در نظر گرفتن اینکه پرونده حاضر متضمن موضوعات ماهوی پیچیده‌ای است، دیوان نظر می‌دهد که مبلغ ۷۰،۰۰۰ دلار رقم معقولی است که وزارت دفاع به عنوان هزینه‌های داوری به راکول بپردازد.

ه - حکم

۲۵۲ - بنا به دلایل پیشگفته،

دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

۱ - خوانده، وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران، متعهد است مبلغ ۱۲،۰۳۷،۹۳۰ دلار به اضافه بهره ساده به شرح زیر، به خواهان، راکول اینترنشنال سیستمز اینک، بپردازد:

به نرخ سالانه ۱۳/۵ درصد نسبت به مبلغ ۱۰،۹۷۰،۸۹۹ دلار از تاریخ دهم
آبانماه ۱۳۵۸ الی نهم تیرماه ۱۳۵۹ [اول نوامبر ۱۹۷۹ الی ۳۰ ژوئن
۱۹۸۰]،

به نرخ سالانه ۹/۵ درصد نسبت به مبلغ ۱۱،۰۰۷،۳۳۸ دلار از تاریخ دهم
تیرماه ۱۳۵۹ الی ۲۴ مردادماه ۱۳۵۹ [اول ژوئیه ۱۹۸۰ الی ۱۵ اوت
۱۹۸۰]،

به نرخ سالانه ۱۱ درصد نسبت به مبلغ ۱۰،۲۹۲،۲۷۲ دلار از تاریخ ۲۵
مردادماه ۱۳۵۹ الی هشتم مهرماه ۱۳۵۹ [۱۶ اوت ۱۹۸۰ الی ۳۰ سپتامبر
۱۹۸۰]،

به نرخ سالانه ۱۲/۲۵ درصد نسبت به مبلغ ۱۰،۲۷۰،۳۵۳ دلار از تاریخ نهم
مهرماه ۱۳۵۹ تا نهم مهرماه ۱۳۶۳ [اول اکتبر ۱۹۸۰ تا اول اکتبر ۱۹۸۴]،

به نرخ سالانه ۱۰/۷۵ درصد نسبت به مبلغ ۱۲،۰۲۷،۱۳۰ دلار از تاریخ دهم
مهرماه ۱۳۶۳ تا ۱۱ دیماه ۱۳۶۳ [دوم اکتبر ۱۹۸۴ تا اول ژانویه ۱۹۸۵]،

به نرخ سالانه ۷/۷۵ درصد نسبت به ۱۲،۰۳۷،۹۳۰ دلار از تاریخ ۱۲ دیماه
۱۳۶۳ [دوم ژانویه ۱۹۸۵] تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از
حساب تضمینی را به بانک امین بدهد، به اضافه هزینه‌های داوری به مبلغ
۷۰،۰۰۰ دلار.

تعهدات مزبور با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ

۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی

الجزایر، ایفا خواهد شد.

۲ - ضمانت نامه‌های بانکی به شماره‌های ۲۶۷۴ - ۲۷۶۰ ، ۲۷۷۷ - ۲۷۷۶ و ۲۷۸۰ - ۲۷۷۹ صادره توسط بانک سپه طبق ماده ۱ - ۷ قرارداد شماره ۱۱۹، و ضمانت نامه‌های بانکی به شماره‌های ۸/۲۳۷ و ۸/۲۳۸ صادره توسط بانک تجارت طبق ماده ۱ - ۷ قرارداد شماره ۱۲۰، و ضمانت نامه های ملون بنک ان. آ. درمورد قرارداد ۱۱۹، به شماره‌های جی - ۱۳ الی جی - ۲۷، جی - ۲۹ و جی - ۳۰ و جی - ۳۲ و جی - ۳۳ (مطابق با اعتبارات اسنادی به شماره‌های ۴۰۵۶۱ الی ۴۰۵۷۵، ۴۰۵۷۸ - ۴۰۵۷۷ و ۴۰۵۷۸۱ - ۴۰۵۷۸۰)، همچنین اعتبارات اسنادی اتکایی سیتی بنک ان. آ. در رابطه با قرارداد ۱۲۰، به شماره‌های دبلیو سی جی - جی ۷۰۳۸۹ اف و دبلیو سی جی - جی - ۷۰۳۹۰ اف، سالبه به انتفاء موضوع می‌باشند. خواننده، دولت جمهوری اسلامی ایران (وزارت دفاع ملی)، باید کلیه درخواست های خود را جهت پرداخت در رابطه با ضمانت نامه‌ها مسترد و از هرگونه مطالبه دیگری بابت آنها خودداری کند. خواننده کلیه اقدامات لازم را انجام خواهد داد تا بانک سپه و بانک تجارت ضمانت نامه‌ها را لغو و اعتبارات اسنادی را آزاد و کلیه تقاضاهای مربوط به پرداخت در رابطه با اعتبارات اسنادی را مسترد، و از هرگونه تقاضایی در آن رابطه خودداری نمایند.

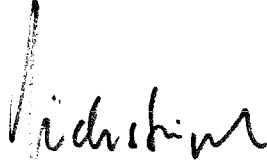
۳ - درمورد اقدامات قانونی که وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران در دادگاه عمومی تهران آغاز کرده، دیوان نظر می‌دهد که ادعاهایی که دیوان در حکم حاضر خود را واجد صلاحیت رسیدگی به آنها دانسته، از تاریخی که بصورت ادعاهای متقابل در این دیوان ثبت شدند، طبق مفاد بیانیه حل و فصل دعاوی خارج از صلاحیت آن دادگاه و هر دادگاه دیگری بوده و می‌باشند. حکم مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۶۵ [۷ ژوئیه

۱۹۸۶] که توسط خواننده علیه راکول از دادگاه عمومی تهران تحصیل شده، فاقد اثر قانونی است.

۴ - بقیه ادعاها و ادعاهای متقابل رد می‌شوند.

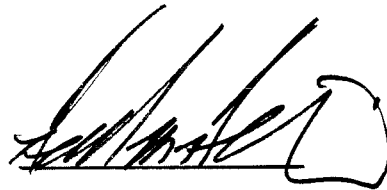
بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می‌گردد.

لاهور، به تاریخ ۱۴... شهریورماه ۱۳۶۸ برابر با ۵... سپتامبر ۱۹۸۹

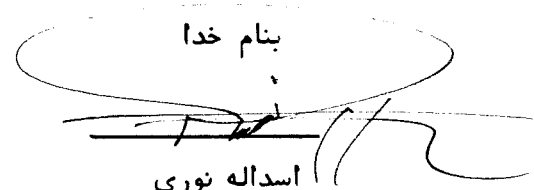


کارل - هاینس بوکشتیگل

رئیس شعبه یک



هوارد ام. هولتزمن
موافق با قسمتی و مخالف با قسمتی دیگر
رجوع شود به نظر جداگانه



بنام خدا
اسداله نوری
مخالف با قسمت اعظم رأی
رجوع شود به نظر مخالف